

تعلیم و تربیهٔ اسلامی
صنف نهم
(مذهب جعفری)

سال چاپ: ۱۳۹۸ هـ. ش

تعلیم و تربیهٔ اسلامی صنف نهم (مذهب حعفری)

تعلیم و تربیهٔ اسلامی صنف نهم (مذهب حعفری)



سرود ملی

دا وطن افغانستـان دی
دا عـزت د هـر افغان دی
کور د سولې کور د تورې
هر بچی یې قهرمـان دی
دا وطن د ټولـو کور دی
د بـلوڅـو د ازبکـو
د پښتـون او هـزاره وو
د تـرکمنـو د تـاجکـو
ورسره عرب، گوجر دي
پـامیریـان، نـورستـانیـان
براهوي دي، قزلباش دي
هـم ایمـاق، هم پشه یان
دا هیـواد به تل ځلیږي
لکه لمر پر شنه آسمان
په سینـه کې د آسیـا به
لکـه زړه وي جـاویـدان
نوم د حق مـو دی رهبـر
وایـو الله اکبر وایو الله اکبر

بسم الله الرحمن الرحیم



وزارت معارف

تعلیم و تربیهٔ اسلامی

صنف نهم

(مذهب جعفری)

سال چاپ: ۱۳۹۸ هـ ش

مشخصات کتاب

مضمون: تعلیم و تربیهٔ اسلامی

مؤلفان: گروه مؤلفان کتاب‌های درسی دیپارتمنت تعلیم و تربیهٔ اسلامی نصاب تعلیمی

ویراستاران: اعضای دیپارتمنت ویراستاری و ایدیت زبان دری

صنف: نهم (مذهب جعفری)

زبان متن: دری

انکشاف دهنده: ریاست عمومی انکشاف نصاب تعلیمی و تالیف کتب درسی

ناشر: ریاست ارتباط و آگاهی عامهٔ وزارت معارف

سال چاپ: ۱۳۹۸ هجری شمسی

مکان چاپ: کابل

چاپخانه:

ایمیل آدرس: curriculum@moe.gov.af

پیام وزیر معارف

اقرأ باسم ربک

سپاس و حمد بیکران آفریدگار یکتایی را که بر ما هستی بخشید و ما را از نعمت بزرگ خواندن و نوشتن برخوردار ساخت، و درود بی‌پایان بر رسول خاتم- حضرت محمد مصطفی ﷺ که نخستین پیام الهی بر ایشان «خواندن» است.

چنانچه بر همه‌گان هویداست، سال ۱۳۹۷ خورشیدی، به نام سال معارف مسمی گردید. بدین ملحوظ نظام تعلیم و تربیت در کشور عزیز ما شاهد تحولات و تغییرات بنیادینی در عرصه‌های مختلف خواهد بود؛ معلم، متعلم، کتاب، مکتب، اداره و شوراهای والدین، از عناصر شش‌گانه و اساسی نظام معارف افغانستان به شمار می‌روند که در توسعه و انکشاف آموزش و پرورش کشور نقش مهمی را ایفا می‌نمایند. در چنین برهه سرنوشت‌ساز، رهبری و خانوادۀ بزرگ معارف افغانستان، متعهد به ایجاد تحول بنیادی در روند رشد و توسعه نظام معاصر تعلیم و تربیت کشور می‌باشد.

از همین‌رو، اصلاح و انکشاف نصاب تعلیمی از اولویت‌های مهم وزارت معارف پنداشته می‌شود. در همین راستا، توجه به کیفیت، محتوا و فرایند توزیع کتاب‌های درسی در مکاتب، مدارس و سایر نهادهای تعلیمی دولتی و خصوصی در صدر برنامه‌های وزارت معارف قرار دارد. ما باور داریم، بدون داشتن کتاب درسی باکیفیت، به اهداف پایدار تعلیمی در کشور دست نخواهیم یافت.

برای دستیابی به اهداف ذکرشده و نیل به یک نظام آموزشی کارآمد، از آموزگاران و مدرسان دلسوز و مدیران فرهیخته به‌عنوان تربیت کننده‌گان نسل آینده، در سراسر کشور احترامانه تقاضا می‌گردد تا در روند آموزش این کتاب درسی و انتقال محتوای آن به فرزندان عزیز ما، از هر نوع تلاشی دریغ نورزیده و در تربیت و پرورش نسل فعال و آگاه با ارزش‌های دینی، ملی و تفکر انتقادی بکوشند. هر روز علاوه بر تجدید تعهد و حس مسؤولیت پذیری، با این نیت تدریس راآغاز کنند، که در آیندۀ نزدیک شاگردان عزیز، شهروندان مؤثر، متمدن و معماران افغانستان توسعه یافته و شکوفا خواهند شد.

همچنین از دانش آموزان خوب و دوست داشتنی به مثابه ارزشمندترین سرمایه‌های فردای کشور می‌خواهم تا از فرصت‌ها غافل نبوده و در کمال ادب، احترام و البته کنجکاوی علمی از درس معلمان گرامی استفادۀ بهتر کنند و خوشه چین دانش و علم استادان گرامی خود باشند.

در پایان، از تمام کارشناسان آموزشی، دانشمندان تعلیم و تربیت و همکاران فنی بخش نصاب تعلیمی کشور که در تهیه و تدوین این کتاب درسی مجدانه شبانه روز تلاش نمودند، ابراز قدردانی کرده و از بارگاه الهی برای آن‌ها در این راه مقدس و انسان‌ساز موفقیت استدعا دارم.

با آرزوی دستیابی به یک نظام معارف معیاری و توسعه یافته، و نیل به یک افغانستان آباد و مترقی دارای شهروندان آزاد، آگاه و مرفه.

دکتور محمد میرویس بلخی

وزیر معارف

فهرست

عنوان	صفحه

درس اول

نظم در طبیعت

هدف: آشنایی با نظم در طبیعت

پرسش: معنی نظم در جهان خلقت چیست؟

زیبایی‌ها و ظرافت‌هایی که در آفرینش به کار رفته از حد توصیف بیرون است. طبیعت چنان زیباست، که هیچ نقاش و صورتگر چیره دستی نمی‌تواند به آن زیبایی و ظرافت منظره‌یی را رسم کند.

آیا هیچ گاه در مورد زیبایی‌ها و ظرافت‌های طبیعت فکر کرده اید؟ از این زیبایی‌ها و ظرافت‌ها و نظم‌ها به چه نتیجه‌یی می‌توان رسید؟

مثال

شما تا به‌حال کتاب‌های زیادی خوانده اید و از خواندن بعضی از این کتاب‌ها لذت بیشتری برده اید. آیا تا کنون به کسی که کتاب‌ها را نوشته فکر نموده اید؟ در مورد به وجود آورندهٔ کتاب چه نظری دارید؟ چــگونه به علم، دانش و عقل نویسندهٔ کتاب‌ها پی می برید؟ آیا علم، ذوق و عقل نویسنده را دیده اید؟

با تأمل در مثال بالا چنین نتیجه‌یی به دست می‌آید که عقل و شعور ما از روی آثار و نشانه‌ها می‌تواند هم به پدیدآورنده و هم به قدرت، علم و شعور پدیدآورنده پی ببرد حتی اگر ما به وجود آورندهٔ آن چیز را ندیده باشیم.

حال نگاهی به جهان اطراف خود می‌افگنیم. این جهان نیز با تفاوت‌ها و پیچیده‌گی‌های زیادتری مانند آن کتاب می‌باشد.

مثال: نمونه‌یی از نظم را در به وجود آمدن یک خوشهٔ گندم چنین می‌بینیم: برای پرورش یک بذر گندم؛ آفتاب می‌تابد، ابر می‌بارد، نسیم می‌وزد، زمین و منابع زمینی نیز کمک می‌کند، تا دانهٔ گندم به یک خوشهٔ گندم تبدیل شود. این‌ها نشانهٔ وجود یک نظم معیّن در عالم هستی است. و این ارتباط و همکاری نزدیک، نشانهٔ دیگری از علم و قدرت آفریده‌گار جهان است.

با یک نگاه ساده به جهانی که در آن زنده‌گی می کنیم، به این حقیقت می‌رسیم که در سراسر عالم نظم حکم فرماست و قوانین دقیق آن را اداره می‌کند و دستگاه‌های جهان به واحدهای منظم تقسیم شده و به سوی مقصد معینی در حرکت اند.

إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالأَرْضِ وَاخْتِلاَفِ اللَّيْلِ وَالنَّهارِ وَالْفُلْكِ الَّتِي تَجْرِي فِي الْبَحْرِ بِمَا يَنفَعُ النَّاسَ وَمَا أَنزَلَ اللّهُ مِنَ السَّمَاءِ مِن مَّاء فَأَحْيَا بِهِ الأرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَبَثَّ فِيهَا مِن كُلِّ دَآبَّةٍ وَتَصْرِيفِ الرِّيَاحِ وَالسَّحَابِ الْمُسَخِّرِ بَيْنَ السَّمَاء وَالأَرْضِ لآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ؛ به درستی

در خلقت آسمان‌ها و زمین و رفت و آمد شب و روز و کشتی‌ها که بر روی آب برای بهره مندی مردم در حرکت اند و آب بارانی را که خداوند از آسمان فرو می‌فرستد تا با آن زمین را پس از مرگش زنده و سبز و خرم گرداند و در پراگندن انواع حیوانات در زمین و در وزیدن بادها به هر طرف و در خلقت ابرها که بین آسمان و زمین مسخرند، در همهٔ اینها نشانه‌هایی روشن برای مردمی که می‌اندیشند وجود دارد.[1]))

نظم موجود در طبیعت که دانشمندان را مبهوت کرده است نمی‌تواند پرداختهٔ طبیعت کر و کور و بی‌هدف باشد؛ بلکه هر جا مجموعهٔ منظمی باشد در ایجاد آن عقل و شعوری نیز وجود دارد و هر قدر آن دستگاه بزرگ‌تر، دقیق‌تر و جالب تر باشد علم و عقلی که آن را ایجاد کرده، به همان نسبت بزرگتر خواهد بود.

خوش‌بختانه امروز با پیشرفتِ علوم طبیعی و کشف اسرار و شگفتی‌های جهان طبیعت و ریزه کاری‌های ساختمان وجودِ انسان و حیوان و گیاه و ساختمان حیرت‌انگیز یک سلّول و یک اتم و نظام شگفت‌انگیز عالم ستاره‌گان، درهای خداشناسی به روی ما گشوده شده است، طوری که به جرأت می‌توان گفت تمام کتاب‌های علوم طبیعی، کتاب‌های توحید و خداشناسی است، که به ما درس عظمت پروردگار را می‌دهد؛ زیرا این کتاب‌ها، پرده از روی نظام جالب موجودات این جهان بر می دارند و نشان می‌دهند که تمام موجودات جهان هماهنگی مخصوصی با هم دارند و این نظم و هماهنگی، ما را به سوی آفریده‌گار عالم و قادر راهنمایی می‌نماید.



فعالیت

شاگردان دربارهٔ محتوای آیت قرآنی و نظم در طبیعت در گروه‌های ۳ نفری گفتگو نمایند.



ارزش‌یابی

۱- عقل و شعور ما از روی آثار و نشانه‌ها می‌تواند هم به .... و هم به .... و .... پدیدآورنده پی ببرد.

۲- در سراسر عالم .... حکم فرماست و .... دقیق آن را اداره می کند و دستگاه‌های جهان به واحدهای .... تقسیم شده و به سوی .... در حرکت اند.

۳- هر جا .... باشد در ایجاد آن .... و .... نیز وجود دارد.

۴- پدیده‌های طبیعت چه درس به انسان‌ها می‌دهد؟



کارخانه‌گی

با توجه به آیهٔ ۱۶۴ سورهٔ بقره، نمونه‌هایی از مجموعه‌های منظم را در طبیعت بیابید و برای هم صنفی‌های خود بیان کنید.

---

[1] بقره/ ۱۶۴

عجایب دنیای حیوانات

هدف: آشنایی با زنده‌گی شتر به عنوان نمونه‌یی از عجایب کارگاه خلقت

پرسش: آیا تا به حال به شگفتی‌ها و عجایب شتر توجه کرده اید؟

از روزی که بشر بر سطح کرهٔ زمین پا گذاشت، همواره به عنوان بخشی از طبیعت با سایر موجودات زنده، درگیر بوده است. در این میان، جانوران جایگاه ویژه‌یی داشته اند. نقاشی‌های روی دیوار غارهای ساخت بشر اولیه شاهد این ادعاست.

بدن حیوانات دارای شگفتی‌ها و عجایب پیچیده یی است ممکن است بعضی از حیوانات دارای اعضا و دستگاه‌های خاصی باشند، که این اعضا و دستگاه‌ها متناسب با زنده‌گی خاص آن هاآفریده شده است.

در بسیاری از موارد نیرویی که این موجودات را به راه خاصی هدایت می کند تا بتوانند چرخهٔ حیات خود را تکمیل نمایند، شگفت‌انگیز می‌باشد. با توسعهٔ علوم، هر روز ما از اسرار و قوانین زنده‌گی موجودات بیشتر آگاه می‌شویم.

در مورد شگفتی‌های آفرینش شتر به عنوان نمونه‌یی از عجایب دنیای حیوانات مطالبی را باهم می خوانیم.

خلقت شتر



یکی از پدیده‌هایی که قرآن انسان را به مطالعه و دقت در آن فرا می‌خواند، خلقت شتر است، شتر حیوانی سودمند و دارای شگفتی‌های خاصی می‌باشد. این حیوان توانایی سازگاری زیادی با گرما، کمبود آب و طوفان‌های دشت و بیابان‌ها را دارد. در بعضی مناطق جهان، شتر به عنوان وسیلهٔ حمل و نقل در بیابان‌ها بوده و به جای موتر استفاده می‌شود.

در بعضی مناطق دیگر مردم از گوشت و شیر آن‌ها استفاده می کند.

وضع شترها در هر منطقه‌یی مناسب با وضع آن منطقه می‌باشد، بدن شتر نسبتا بزرگ، کمر آن باریک، پاها و گردن آن دراز و بلند و کف پای آن پهن می‌باشد. روی پشت شترها یک یا دو برآمده‌گی به نام کوهان وجود دارد. کوهان شتر، انبار ذخیرهٔ آب و انرژی می‌باشد. اگر شتر مدت زیادی در صحرا غذا نیابد می‌تواند از انرژی ذخیرهٔ شده در کوهان خود استفاده نماید. از طرفی شکم شتر بسیار بزرگ است و می‌تواند مقدار زیادی آب را در خود ذخیره کند.

گردن دراز و پاهای بلند در راه رفتن و یافتن و خوردن علف و غذا به شتر کمک زیادی

می کند.

داخل دهان شترها از پوست سخت پوشیده شده تا بتوانند گیاهان خشک و خاردار دشت را بخورند به طوری که دهان آن زخم نشود؛ همچنین پاهای پهن، باعث می‌شود که آنها در ریگ‌ها و شن‌های بیابان‌ها فرو نروند. از طرفی کف پای آنها با لایه‌هایی از پوست مرده پوشیده شده این پوست‌های مرده باعث می‌شود که شتران بتوانند گرمی و داغی بیابان‌ها را به راحتی تحمل نمایند.

گوش‌های شتر کوچک و پوشیده از موهای به هم چسبیده است، که باعث می‌شود ریگ‌های بیابان داخل گوش آن‌ها نرود. پوست داخلی سوراخ بینی شترها، سطح خیلی پهنی دارد پهن بودن ابتدای سوراخ بینی راه نفوذ ریگ‌ها را به داخل بینی می‌بندد. این پهن بودن در جذب نم و رطوبت هوا کمک زیادی می‌نماید. نم و رطوبت جذب شده باعث می‌شود تا شتران در هوای داغ ریگزارها و بیابان‌ها بتوانند به آسانی تنفس نمایند.

البتّه علم ما نسبت به شگفتی‌های شتر همچون قطره‌ای از دریاست، ممکن است اسرار زیادی در شتر وجود داشته باشد که هنوز حقایق آن برای ما کشف نشده باشد. خداوند ﷻ در قرآن کریم ما را به توجه در خلقت شتر دعوت می‌نماید.



خداوند ﷻ در قرآن کریم می‌فرماید: **أَفَلَا يَنْظُرُونَ إِلَى الْإِبِلِ كَيْفَ خُلِقَتْ**[1]

آیا آنان به شتر نمی‌نگرند که چگونه آفریده شده است؟!

آیا هیچ انسان عاقلی به خود اجازه می‌دهد احتمال دهد شتر با آن عجایب خلقتش به خودی خود پدید آمده باشد؟ آیا این نظم شگفت آور در خلقت شتر حکایت گر وجود ناظم و خالقی دانا و توانا نمی‌باشد؟

فعالیت

شاگردان دربارۀ شگفتی‌های خلقت شتر در گروه‌های ۴ نفری بحث نموده و نتیجه گیری نمایند و نتیجۀ بحث را به هم صنفان خود بیان نمایند.

ارزش یابی

۱. از شگفتی‌های زنده‌گی شتر چهار مورد را نام برده و دو مورد آن را شرح دهید.
۲. مردم از شتر چه استفاده‌هایی می‌برند؟
۳. از شگفتی‌های خلقت شتر چه نتیجه‌یی می‌گیرید.

۱ الغاشیه/۱۷

اسما و صفات

هدف: آشنایی با اسما و صفات الهی و تأثیر شناخت صفات بر زنده‌گی انسان‌ها

پرسش‌ها

۱. صفات الهی کدام اند؟
۲. شناخت صفات الهی چه تأثیری بر زنده‌گی ما دارد؟

برای شناخت اشیا و اشخاص راه‌های مختلف وجود دارد از جمله دیدن اشیا و یا شنیدن نام آن‌ها است؛ اما دیدن شی و شنیدن نام آن، تنها راه شناخت یک فرد نمی‌باشد، راه‌های دیگری نیز برای شناخت یک شخص یا یک شیء وجود دارد؛ مثال: یکی از راه‌های شناخت یک شخص، دانستن اوصاف و ویژه‌گی‌های آن شخص یا شیء می‌باشد. ممکن است ما بسیاری از انسان‌ها یا اشیا را ندیده باشیم و نام آن‌ها را هم ندانیم؛ ولی در مورد آن اشیا و اشخاص مطالب و اوصافی شنیده باشیم؛ مثال: با خواندن کتاب بفهمیم نویسندهٔ کتاب، شخص دانایی است. و یا با دیدن یک کار هنری، بگوییم سازندهٔ آن اثر هنری، یک شخص تواناست. و یا با دیدن بخشش و سخاوت شخصی بگوییم آن فرد بخشنده می‌باشد. و یا کسی در مورد صفات و ویژه گی‌های فردی برای ما صحبت نماید. در این مثال‌ها با این‌که شخص را ندیده ایم و نام شخص را نمی‌دانیم ولی به تعدادی از صفات شخص پی‌برده ایم.

اسماء و صفات الهی

در قرآن و دعاهای وارده از رسول اکرم ﷺ و ائمه معصومین علیهم‌السلام، اسماء و صفات بسیاری برای الله تعالی آمده است؛ مثال: در دعای جوشن کبیر هزار اسم از اسماء الله تعالی ذکر شده است[1]. قرآن کریم می‌فرماید: «**هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ هُوَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ * هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْمَلِكُ الْقُدُّوسُ السَّلَامُ الْمُؤْمِنُ الْمُهَيْمِنُ الْعَزِيزُ الْجَبَّارُ الْمُتَكَبِّرُ سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُشْرِكُونَ * هُوَ اللَّهُ الْخَالِقُ الْبَارِئُ الْمُصَوِّرُ لَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى يُسَبِّحُ لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُه**»[2] اوست خدایی که غیر از او معبودی نیست، دانندهٔ غیب و آشکار است، اوست رحمتگر مهربان، اوست‌خدایی که جز او معبودی نیست همان فرمانروای

۱- مفاتیح الجنان، دعای جوشن کبیر
۲- حشر/۳۲

پاک، سلامت بخش و مؤمن به حقیقت حقهٔ خود که نگهبان عزیز جبار و متکبـــــــر است پاک است خدا از آنچه با او شریک می گردانند، اوست خدای خالق نوساز صورتگر که بهترین نام‌ها و صفات از آن اوست آنچه در آسمان‌ها و زمین است جمله تسبیح او می گویند و او عزیز حکیم است.))

سخن در مورد صفات و اسمای الهی بسیار گسترده است. ما از هر چیزی سخن بگوییم و در وصف هر چیزی که باشد سخن از خدا است. از برگی که در درخت است، یا مورچه‌یی که دانه یی به زمین می‌کشد، یا ماهی زیبایی که در دریا شناور است؛ یا غنچه‌یی گل که در حال شکفتن است و... از زیبایی‌های هر کدام که سخن بگوییم، جز سخن از زیبایی و حکمت و علم و توانایی خالق آن نیست.

راه آشنایی با صفات خدا، مانند راه آشنایی با خداست. انسان می‌تواند از آثار وجود خداوند در جهان هستی با صفات الهی آشنا گردد، خداوند متعال همهٔ صفات پسندیده و خوب را دارا است و از تمامی صفات ناپسند پاک و منزه است.

به طور کلی، صفات الهی را به دو بخش تقسیم کرده‌اند: صفات ثبوتیه (جمالیه) و صفات سلبیه (جلالیه).

صفات پسندیده یی در خداوند وجود دارد، که خداوند متصف به آن صفات است؛ مثل رازقیت، خالقیت، رحیمیت، قادریت، عالمیت، حیات و قیومیت که صفات جمال یا صفات ثبوتیه گفته می‌شود. صفات غیرکمالی که خداوند‌ﷻ از آن‌ها مُبَرّا است، مثل جسم بودن، مرکب بودن، شریک داشتن، قابل رؤیت بودن، محدود بودن به زمان و مکان و داشتن عجز و بخل که به نام صفات جلال یا سلبیه نامیده می‌شود[۳].

بعضی از صفات مانند: «حی و عالم بودن» با توجه به ذات خداوند‌ﷻ در نظر گرفته می‌شود که به این صفات، «صفات ذاتیه» می گوییم؛ مانند حیات، قدرت و علم، بعضی از صفات مانند: "خالقیت و رازقیت" با توجه به فعل خداوند‌ﷻ در نظر گرفته می‌شود. به چنین صفاتی، "صفات فعلیه" گفته می‌شود.

تاثیر شناخت صفات خداوند‌ﷻ بر زنده‌گی انسان‌ها

بعضی از اسمای الهی چنین است: رحمان، رحیم، خالق، رازق، قیوم، کریم، قادر، عادل، صمد، قاهر، قریب، رقیب، غفار، مالك یوم الدّین، عالم الغیب و الشهادة، ذوانتقام، خیرالرازقین، شدیدالعقاب و...

هر یک از اسمای الهی معنایی دارد؛ مثلا: اسم ((رحمن)) بر ذاتی که وصف رحمت را

۳- زین العابدین قربانی، اصول دین، ص ۳۶، با تلخیص و اضافات

داراست دلالت دارد و یا اسم قهار نشان می‌دهد که خداوندﷻ دارای قهر و غضب است و در مورد اسمای الهی دیگر نیز چنین است.

زمانی که خداوند را با اسما و صفات خاصی می‌شناسیم، آن صفات؛ در گفتار و زنده‌گی فردی و اجتماعی ما تأثیر دارد، مثال: عالم الغیب و الشهادۀ سبب می‌شود که انسان احساس کند هر کجا باشد خداوندﷻ با اوست و به همه چیز حتی اسرار درون انسان آگاه است. این نوع شناخت در سختی‌ها و مشکلات زنده‌گی به انسان اعتماد، وقار و امید می‌دهد و او را از خود برتربینی، خودکم‌بینی و ترس و وحشت از آینده نجات می‌دهد در نتیجه انسان هرگز ناامید نمی‌شود.



فعالیت

شاگردان دربارۀ انواع صفات خداوندﷻ و تأثیر شناخت آن‌ها در زنده‌گی انسان‌ها باهم گفتگو نمایند.



ارزش‌یابی

۱- چه راه‌هایی برای شناخت یک شخص یا یک شی وجود دارد؟
۲- انسان می‌تواند.......... با صفات الهی آشنا گردد.
۳-صفات پسندیده‌ای در خدا وجود دارد، که خداوندﷻ متصف به آن صفات است مثل..........
۴-صفات غیرکمالی که خداوندﷻ از آن‌ها مُبَرّا است، صفات .... یا .... نامیده می‌شود.
۵-بعضی از صفات مانند «خالقیت و رازقیت» با توجه به .... در نظر گرفته می‌شود به چنین صفاتی، .... گفته می‌شود.
۶-زمانی که خداوندﷻ را با اسما و صفات خاصی می‌شناسیم آن صفات؛ چه تأثیری در زنده‌گی ما دارد؟



کارخانه‌گی

با مراجعه به دعای جوشن کبیر، ۱۰ اسم و صفت الهی را یافته در کتابچه‌های خود یادداشت کنید و برای دوستان‌تان بخوانید.

عصمت پیامبران علیهم‌السلام

هدف: آشنایی با مفهوم عصمت انبیا علیهم‌السلام

پرسش: آیا هیچ آدم عاقلی را پیدا می‌کنید که به فکر انداختن خود در آتش بیفتد؟ چرا؟

برای روشن‌تر شدن بحث عصمت بهتر است به سؤالی که در اول درس مطرح کردیم باز گردیم.

به یقین کسی که عاقل و علاقه‌مند به زنده‌گی باشد، از هر آنچه که باعث هلاک و نابودی او می‌گردد دوری می‌کند. از آن‌جایی که افتادن در آتش باعث نابودی و هلاکت انسان می‌گردد فرد عاقل هرگز در مورد انداختن خود در آن فکر هم نمی‌کند چه رسد به عملی کردن آن. اگر چنین عملی از کسی سربزند یقین پیدا می‌کنیم که آن فرد عاقل نیست و گرنه غیرممکن است شخص عاقل اقدام به چنین کاری کند. در اینجا سوال دیگری مطرح می‌گردد که چرا فرد عاقل چنین کاری نمی‌کند؟

جواب: این سوال نیز بسیار روشن است؛ زیرا زشتی این گونه اعمال نزد همه، آن قدر روشن است که انسان عاقل هرگز به فکر چنین کاری نمی افتد چه رسد به انجام آن.

به مثال دیگر توجه کنید.

یک طبیب آگاه و ماهر که انواع میکروب‌ها را به خوبی می‌شناسد، هرگز حاضر نیست آب آلوده یی را که از شستن لباس‌های مریضانی که به مرض‌های واگیر مبتلا هستند بنوشد؛ در حالی که یک فرد ناآگاه ممکن است در برابر چنین کاری بی‌تفاوت باشد.

به خود ما هم توجه می‌کنیم می‌بینیم در برابر بعضی از گناهان یا کارهای زشت و ناپسند تقریباً معصوم هستیم؛ یعنی حاضر به انجام آن کارها نمی‌شویم.

آیا کسی ما و این طبیب را در دوری و پرهیز از چنین کارهایی مجبور کرده است؟ آیا پرهیز از این کارها، برای ما و طبیب فضیلتی به حساب می‌آید؟

این جاست که می‌توانیم در یک جمله کوتاه این حقیقت را چنین بیان کنیم که: هر فرد عاقل و سالمی در برابر دوری از یک رشته اعمال ناشایست دارد در حالی که افراد عادی چنین نیستند. واقعیت این است که هر انسان از انجام بعضی کارها دوری می‌کند یعنی بعضی از مراتب عصمت را هر انسانی داراست. هر شخصی به هر حال، بعضی اعمال را انجام نمی‌دهد و یا فکر انجام آن را هم نمی‌کند. و در حالاتی نیز هست که اگر کسی به قدری سطح (ایمان) و (آگاهی) او بالا برود و آنچنان به خدا و دادگاه عدل او اعتقاد داشته باشد که حقیقت زشت و ناپسند همهٔ آن کارها در برابر چشمان آن فرد حاضر و ناظر می‌باشد، چنین کسی در برابر همه گناهان خواهد داشت؛ مثال: برای او مال حرام درست همانند شعله آتش است همان گونه که ما آتش را به دهان نمی‌بریم او نیز مال حرام را نمی‌خورد. همین گونه، ممکن است شخصی در اثر قوت علم و عمل، به جایی برسد که به طور مطلق معصوم شود. پس عصمت امری است قابل به دست آوردن و اختیاری و به همین دلیل، عصمت و دوری از

گناه کمال اختیاری است و قابلیت پاداش دادن را داراست.[1]

عصمت پیامبران علیهم‌السلام

ما معتقدیم که همهٔ پیامبران الهی علیهم‌السلام معصوم اند؛ یعنی آنان در تمام عمر، چه پیش از نبوت و چه بعد از نبوت، از (گناه، خطا و اشتباه) به تأیید و کمک الهی و محفوظ می‌باشند[2].

پیامبران از گناه به هیچ وجه جنبهٔ اجباری ندارد، آنان انسان‌های مختارند و در انتخاب کار خوب یا بد آزاد اند، ولی در همان حال به هیچ گناهی آلوده نمی شوند. ایمان نیرومند، یقین کامل، علم و آگاهی فوق العاده آن‌ها باعث عصمت آنان می‌شود و این بزرگ‌ترین افتخار برای آن‌ها به حساب می آید.

پس پیامبران در مقام پیامبری خود با داشتن اختیار، معصوم هستند تا بتوانند وظیفهٔ بزرگ هدایت بشریت را به انجام رسانند. و عصمت آنان به خاطر علم و آگاهی و ایمان فوق العادهٔ آنان می‌باشد. آنان قادر هستند که انگیزه‌های گناه را مهار کنند و هیجان انگیزترین عوامل گناه نمی‌تواند بر عقل و ایمان آنها چیره شود (قَالَ فَبِعِزَّتِكَ لَأُغْوِيَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ* إِلَّا عِبَادَكَ مِنْهُمُ الْمُخْلَصِينَ[3] [شیطان] گفت پس به عزت تو سوگند که همگی را اغوا می کنم و از راه هدایت بیرون می کشم، مگر آن بنده گان پاکدل تو را.) و این است که می گوییم پیامبران معصوم اند و در برابر گناهان بیمه اند.

فعالیت

در رفتارهای خود و دوستان خود دقت نمایید؛ آیا می‌توانید مواردی را بیابید که به صورت آگاهانه از آن کارها دوری می‌نمایید در مورد آن‌ها با دوستان تان بحث کنید.

ارزش‌یابی

۱- عصمت چیست؟
۲- آیا دوری معصومین از گناه باعث برتری آنان از دیگران می‌شود؟ چرا؟
۳- اگر پیامبران معصوم نبودند، چه می‌شد؟
۴- آیا می‌توانید غیر از مثال‌هایی که در این درس آمده موارد دیگری را بشمارید که همه یا گروهی از مردم در مقابل آن معصوم باشند؟

کارخانه‌گی

دربارهٔ عصمت پیامبران ۷ سطر در کتابچه های تان بنویسید.

۱- پنجاه درس اصول عقاید برای جوانان، ناصر مکارم شیرازی، ناشر مدرسه الامام علی بن ابیطالب، تاریخ انتشار۱۳۷۶، صفحهٔ ۱۶۹ الی ۱۷۳

۲- اعتقاد ما، مکارم شیرازی، ناشر انتشارات نسل جوان، تاریخ انتشار: ۱۳۷۹، صفحهٔ ۳۲

۳- ص/۸۲-۸۳

دلایل عصمت انبیا علیهم‌السلام

هدف: آشنایی با دلایل معصوم بودن انبیا علیهم‌السلام

پرسش: چرا باید پیامبران علیهم‌السلام معصوم باشند؟

برای معصوم بودن انبیا علیهم‌السلام دلایلی ذکر شده است که ما در این درس به دو مورد اشاره می‌نماییم.

۱- دلیل وثوق و اعتماد

برای فهم بهتر این دلیل، به مثال زیر توجه کنید:

شما در یکی از شهرها، دور از خویشاوندان و فامیل خود زنده‌گی می کنید و قصد دارید خبر بسیار مهمی را برای فامیل خود روان کنید، به طور اتفاقی سه نفر از محل بود و باش فعلی شما به نزد فامیل شما می رود؛ یکی از آن‌ها آدم بسیار دروغگو و فریبکار است. نفر دوم انسان خوب؛ ولی فراموشکار است؛ نفر سوم، انسانی نیک رفتار و بسیار باهوش و مورد اعتماد می‌باشد. شما برای روان کردن خبر خود به خانواده به طور قطعی از فرد سوم استفاده می کنید؛ زیرا به او به طور کامل اعتماد دارید.

با توجه به مثال بالا، «دلیل وثوق و اعتماد» را چنین توضیح می‌دهیم. بدون شک هر پیامبری قبل از هر چیز، باید اعتماد عموم را جلب کند؛ به طوری که در گفتهٔ او احتمال خلاف و دروغ وجود نداشته باشد. در غیر این صورت، مقام رهبری او متزلزل خواهد شد. به خصوص این که مقام رهبری پیامبران علیهم‌السلام با رهبری دیگران به طور کامل متفاوت است؛ زیرا مردم تمام اعتقاد و برنامه خود را از آن‌ها می گیرند؛ چنانکه قرآن کریم می‌فرماید «**لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِمَنْ كَانَ يَرْجُو اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا**» قطعا برای شما در [اقتدا به] رسول خدا سرمشقی نیکوست، برای آن کس که به خدا و روز بازپسین امید دارد و خدا را فراوان یاد می کند»[1]

اگر پیامبران علیهم‌السلام معصوم نباشند، مردم به خاطر تزلزل نسبت به محتوای دعوت آن ها، از پذیرفتن دعوت شان خودداری خواهند کرد و یا لااقل نمی‌توانند با دلگرمی آن را پذیرا شوند. پس برای جلب اعتماد به گفته‌های انبیا، باید آنان معصوم باشند.

۲. دلیل عصمت از راه تربیت

ما در زنده گی روزانهٔ خود با انسان‌های زیادی سر و کار داریم، در بین این افراد به تعدادی

---

۱. سوره احزاب آیه ۲۱

از آنان علاقهٔ بیشتری داریم و دوست داریم که از سلوک و رفتارهای آنان تبعیت و پیروی نماییم.

آیا تا به حال دقت کرده‌اید که ما از چه افرادی بیشتر پیروی و تقلید می‌نماییم؟ آیا از انسان‌هایی که کارها و اعمال ناپسند انجام می‌دهد پیروی می کنیم یا انسان‌های خوب، راستگو و درستکار؟ چرا؟

آدمی موجودی است تأثیر پذیر و تأثیرگذار. او از محیط اجتماعی و انسان‌های دیگر تأثیر می پذیرد و از طرفی بر اجتماع و انسان‌های دیگر تاثیر می گذارد.

تأثیر پذیری انسان باعث می‌شود که انسان از کارهای دیگران تبعیت و پیروی نماید. انسان‌ها با آگاهی یا بدون آگاهی از رفتار خوب و بد دیگران پیروی می کند؛ ولی در تبعیت و پیروی آگاهانه، هنگامی که انسان شخصی را الگو قرار می‌دهد آن فرد را کمال مطلوب خویش می‌یابد؛ لذا از آن فرد پیروی می کند.

در تربیت، رفتار و سلوک مربی بسیار مورد توجه است. از آن‌جایی که پیامبران علیهم‌السلام برای پرورش و تربیت انسان‌ها آمده اند؛ برای این که آن‌ها به هدف خود برسند، باید سلوک و رفتارهای آنان از هر گونه خطا و اشتباه به دور باشد تا انسان‌ها بتوانند به عنوان الگو از آن‌ها پیروی کنند. از اینرو است که خداوندﷻ هرگز کسی را که به او کفر می‌ورزد و باعث گمراهی و فریب مردم می‌شود، برای انجام رسالت خویش انتخاب نمی کند.

در قرآن کـــــــریم، آیاتی در مورد عصمت انبیاء علیهم‌السلام بیان شده است. خداوندﷻ می‌فرماید: «**وَمَا أَرْسَلْنَا مِن رَّسُولٍ إِلاَّ لِيُطَاعَ بِإِذْنِ اللّهِ وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذ ظَّلَمُواْ أَنفُسَهُمْ جَآؤُوكَ فَاسْتَغْفَرُواْ اللّهَ وَاسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُواْ اللّهَ تَوَّابًا رَّحِيمًا** ما هیچ پیامبری را نفرستادیم مگر آنکه به توفیق الهی از او اطاعت کنند و اگر آنان وقتی به خود ستم کرده بودند پیش تو می‌آمدند و از خدا آمرزش می‌خواستند و پیامبر [نیز] برای آنان طلب آمرزش می کرد قطعا خدا را توبه پذیر و مهربان می یافتند».[۲]

با توجه به این آیه شریفه که در مورد اطاعت از انبیاء علیهم‌السلام می‌باشد و از طرفی انبیاء علیهم‌السلام الگوی مردم هستند به این نتیجه می‌توان رسید که سخن و عمل پیامبران علیهم‌السلام در همه زمینه ها، واجب الاطاعهٔ و قابل پیروی است؛ پس باید آن‌ها از گناه و خطا پاک باشند.

به طور خلاصه می‌توان گفت: از آنجا که مقصود ارسال پیامبران علیهم‌السلام، راهنمایی، تربیت

- آیهٔ ۶۴ سورهٔ نساء

و تزکیهٔ مردم می‌باشد و بهترین راه رسیدن به این هدف، مورد اعتماد بودن انبیاست؛ و پس باید انبیای الهی با عنایت خداوند از هر خطا و گناهی معصوم باشند.



فعالیت

شاگردان در باره ضرورت عصمت انبیاء باهم دیگر گفتگو نمایند.



ارزش‌یابی

۱- هدف و مقصد اصلی فرستادن انبیاء چه می‌باشد؟ و چگونه می‌توان به این هدف رسید؟

۲- دلایلی را که برای معصوم بودن انبیاء ذکر شده نام برده و هرکدام را به طور مختصر شرح دهید.

۳ - اصلی‌ترین تفاوت میان مقام پیامبران با دیگران در چیست؟

۴ - تقلید در رفتار یعنی چه؟

۵ - مهم‌ترین الگوهای مسلمانان در زنده‌گی چه کسانی می‌باشند؟ چرا؟



کارخانه‌گی

در زنده‌گی خود و اطرافیان خود دقت نمایید ببینید آن‌ها بیشتر به گفته‌ها و رفتار چه نوع انسان‌هایی ارزش بیشتر قایل هستند و رفتار چه کسانی را بیشتر قابل پیروی و قابل اطاعت می‌دانند. در مورد چند سطر نوشته و برای جلسه بعد برای هم صنفان خود بیاورید.

معجزهٔ جاوید پیامبر ما

هدف: آشنایی با جنبه‌های اعجاز قرآن کریم

پرسش‌ها

۱- معجزهٔ پیامبر ما چیست؟

۲- در مورد جنبه‌های اعجاز قرآن کریم چه می‌دانید؟

تمام مذاهب اسلامی بر درستی متن و بی‌خطا بودن قرآن کریم اتفاق نظر دارند. قرآن‌کریم دارای ۱۱۴ سوره است که نخستین سورهٔ آن، سورهٔ «الحمد» و آخرین آن، سورهٔ «الناس» می‌باشد. قرآن با صفاتی؛ چون: مجید، کریم و حکیم معرفی گردیده است. ما معتقدیم که قرآن‌کریم معجزه جاودانه پیامبر بزرگ اسلام است. جهان شمولی و جاویدانه‌گی آیات الهی موجب می‌شود که قرآن‌کریم در تمامی زمان ها، محور حل مشکلات و از بین برنده جهل و گمراهی باشد. پیشرفت و تکامل علوم از طراوت و تازه‌گی آن نمی‌کاهد بلکه هر روز بر تازه‌گی آن می‌افزاید. قرآن از جهات مختلفی معجزه محسوب می‌شود در این درس به بعضی از جهات آن اشاره می‌شود.

اعجاز قرآن

زیبایی کلمات و برتری معانی

در ابتدای نزول قرآن، نخستین چیزی که مورد توجه استادان سخن و بلاغت قرار گرفت زیبایی کلمات و برتری معانی قرآن کریم بود. تأثیر این ویژه‌گی بر اعراب آن روز به طور کامل روشن بوده است. این ویژه‌گی سبب می‌شد که اعراب با شنیدن آیات الهی در برابر عظمت کلام الهی به خشوع بیفتند و به فوق بشری بودن قرآن‌کریم اعتراف نمایند. در اینجا به سخنان عتبه بن ربیعه در این زمینه، اشاره می‌کنیم: عتبه بن ربیعه، از بزرگان قریش و ادیبان و سخن شناسان عرب قبل از اسلام، می‌گوید: «... من سخنی شنیدم که به خدا سوگند تاکنون نظیر آن را نشنیده بودم. به خدا، نه شعر است و نه سحر، نه کهانت است و نه جادوگری... این سخنی که من شنیدم سخن بزرگی بود و آیندهٔ مهمی دارد[1].

اعجاز قرآن از نظر تبیین معارف و احکام

(وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِكُلِّ شَيْءٍ وَهُدًى وَرَحْمَةً وَبُشْرَى لِلْمُسْلِمِينَ[2]) این کتاب را که

۱. سیرهٔ ابن هشام، ج ۲، ص ۲۳
۲. نحل/۸۹

روشنگر هر چیزی است و برای مسلمانان رهنمود و رحمت و بشارتگری است بر تو نازل کردیم))

درک این جنبه از اعجاز قرآن در گرو این است که بدانیم بخش عظیمی از آیات قرآن مربوط به معارف و اصول کلی نظام زنده‌گی بشر است که در برگیرنده عالی‌ترین معارف و جامع‌ترین قوانین است، و این در حالی است که محیط جزیرة العرب که پیامبر در آن رشد کرده بود کمترین اطلاعی از این قبیل معارف و احکام نداشت؛ بلکه فرهنگ حاکم بر جامعهٔ آن روز عربستان، فرهنگ شرک و جاهلیت بود و از نظر عقل پذیرفتنی نیست که فردی که در چنان جامعه‌یی رشد نموده است، بتواند چنان معارف و قوانین فوق‌العاده‌ای را عرضه نماید. بنابراین باید پذیرفت که قرآن از جانب خداوند نازل گردیده است.

قرآن و خبرهای غیبی

در قرآن‌کریم آیاتی وجود دارد که برخی مربوط به گذشته‌ای بسیار دور می‌باشد؛ مانند: آیاتی که تاریخ پیامبران و امت‌های آنان را بازگو نموده‌اند. هم‌چنین خبرهایی غیبی‌که مربوط به حوادث آینده بوده و بعد به وقوع پیوسته است. در این‌جا به نمونه‌ای از آن اشاره می‌کنیم:

پیشگویی‌های علمی قرآن

قرآن‌کریم در دوره‌ای از تاریخ و در سرزمینی که بشر هیچ‌گونه آگاهی از رازهای عالم طبیعت نداشت، پرده از بسیاری رازها بردانسته است که پس از گذشت قرن‌ها انسان‌ها به آن‌ها دست یافت، و بشر توانست با بهره‌گیری از ابزارهای دقیق، آن رازها را بشناسد. در این جا تنها به یک نمونه از آن اشاره می‌کنیم. «الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ مَهْداً[3]؛ آفریده‌گاری که زمین را برای شما گهواره قرار داد». کرهٔ زمین برای بشر حکم گهواره‌ای را دارد که در اثر حرکت وضعی و انتقالی، برای ساکنان خود حالت آرامش‌بخش ایجاد می‌کند؛ زیرا همان‌طور که نتیجه حرکت گهواره، پرورش و استراحت اطفال است، نتیجهٔ حرکت روزانه و سالانهٔ زمین نیز پرورش انسان‌ها و سایر موجودات این جهان می‌باشد[4].

توجه و عمل به قرآن

قرآن چراغی جاویدانه است که راه هدایت را به انسان نشان می‌دهد.

تلاوت قرآن از افضل عبادات است کمتر عبادتی به پایهٔ آن می‌رسد. تلاوت قرآن شریف،

۳– سوره طه آیه ۵۳ – البته در قرآن کریم آیات دیگری نیز وجود دارد که از رازهای آفرینش پرده برداشته است شما می‌توانید به آن کتاب‌ها مراجعه نموده و از آن‌ها بهره‌مند گردید.

۴– قرآن و اسرار آفرینش (تفسیر سوره رعد) جعفر سبحانی.

الهام‌بخش، تفکر و سرچشمهٔ اعمال صالح می‌باشد[۵]. قرآن کریم خطاب به همه مسلمانان می-فرماید: «فاقرؤا ما تیسر من القرآن[۶]، آنچه برای شما میسر است، قرآن بخوانید!»

برای تفکر و تدبر در معنی آن باشد و تفکر نیز مقدمهٔ عمل به قرآن گردد. خداوند ﷻ در این باره می‌فرماید: «افلا یتدبرون القرآن ام علی قلوب اقفالها[۷]، آیا آن‌ها در قرآن تدبر نمی‌کنند یا بر دل‌هایشان قفل نهاده شده است».

آن‌ها که بر تلاوت و حفظ قرآن قناعت می‌کنند و از «تدبر» و «عمل» به قرآن خبری ندارند گر چه یکی از سه رکن را انجام می‌دهند؛ ولی دو رکن مهمتر را از دست داده‌اند و گرفتار خسارت عظیمی می‌شوند.



فعالیت

شاگردان در گروه‌های دو نفری متن درس را با هم بخوانند و دربارهٔ معجزه جاویدانه با هم گفتگو نمایند و قرآن را با معجزات پیامبران علیهم السلام مقایسه نمایند.



ارزش‌یابی

۱- قرآن‌کریم دارای .... سوره است نخستین سورهٔ آن، سوره .... و آخرین آن، سورهٔ .... می‌باشد.

۲- .... و .... آیات الهی، موجب می‌شود که قرآن کریم در تمامی زمان ها، محور حل مشکلات و از بین برندهٔ جهل و گمراهی باشد.

۳- دو ویژه‌گی قرآن کریم را نام ببرید.



کارخانه‌گی

در مورد دیگر جنبه‌های اعجاز قرآن تحقیق نموده و نتیجهٔ آن‌را در چند سطر نوشته و برای دوستان خود بخوانید.

۵- اعتقاد ما- مکارم شیرازی

۶- مزمل/۲۰.

۷- محمد/۲۴.

امام محمد باقر علیه‌السلام

هدف: آشنایی با زنده گی امام محمد باقر علیه‌السلام
پرسش: امام باقر علیه‌السلام چه نقشی در گسترش علوم در زمان خود داشت؟

امام پنجم، امام محمد باقر علیه‌السلام در سوم صفر سال ۵۷ هجری در مدینه متولد شدند. نام آن حضرت محمد، کنیۀ ایشان ابو جعفر و القاب ایشان باقر، شاکر و هادی است.

لقب باقر را پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلم به آن حضرت داده بود و فرموده بود: او علم دین را خواهد شکافت.

مادر بزرگوار آن حضرت، فاطمه دختر امام حسن مجتبی علیه‌السلام و پدر ایشان امام سجاد علیه‌السلام می‌باشد.

حیات آن حضرت مقارن با حکومت پنج تن از خلفای اموی به نام‌های ولید بن عبدالملک، سلیمان بن عبدالملک، عمربن عبد العزیز، یزید بن عبدالملک و هشام بن عبدالملک بود.

در بین حاکمان فوق، عمر بن عبدالعزیز چند کار اصلاحی در حکومت خود انجام داد که از آن جمله می‌توان به بازگرداندن فدک به امام باقر، آغاز جمع‌آوری حدیث بعد از توقف نقل حدیث بعد از رسول اکرم صلی الله علیه وآله وسلم و از بین بردن بدعت دشنام به حضرت علی علیه‌السلام در مراسم دینی، اشاره نمود.

دوران زنده گی ایشان به سه بخش تقسیم می‌شود:

دورۀ اول: روزگاری که با جدّش امام حسین علیه السلام بود. بی گمان فاجعه جانگداز کربلا، بر شخصیّت امام باقر علیه‌السلام که لحظه به لحظه شاهد صحنه‌های آن بود، تأثیر خود را گذاشت؛ چرا که بنا بر برخی روایات، آن حضرت از جمله کسانی بود که همراه با بقیه بنی هاشم در این ماجرا حضور داشت.

دورۀ دوم: سال‌هایی که با پدرش امام سجّاد علیه‌السلام بود. امام پس از حادثۀ کربلا مدتی در سایه پدر بزرگوارش، سیّد الساجدین به سر برد که حیات او نمونۀ والا از زنده گی ربّانی بوده و پرتو این حیات، طریق سالکان حق را تا به امروز روشنی بخشیده است.

از همان روزهای آغازین حیاتش، خطوط امامت در سیمایش آشکار بود. در حدیثی از محمّد بن مسلم مکّی آمده است که گفت: نزد جابر بن عبدالله بودیم که علی بن الحسین و فرزندش محمّد که هنوز کودک بود، وارد شدند.

جابر او را در آغوش گرفت و گفت ای محمّد! رسول خداﷺ بر تو سلام فرستاد و به من فرمود ای جابر! فرزندم حسین را پسری است که علی خوانده می‌شود و برای این علی پسری به دنیا خواهد آمد که محمّد نام دارد ای جابر چنانچه او را دیدی، سلام مرا به او برسان و بدان که عمر تو پس از دیدار او، اندک خواهد بود. پس از این دیدار، دیری نپایید که جابر جهان را بدرود گفت.

دورهٔ سوم، امامت ایشان می‌باشد. امام محمّد باقرعلیه‌السلام پس از رحلت پدرش، امامت مردم را عهده دار شد. در این دوره که بنی‌امیّه و بنی‌عبّاس، در جنگ بودند، امام باقرعلیه‌السلام در جهت استحکام و گسترش اسلام و انقلاب فرهنگی تلاش فراوان نمود.

امام تربیت گروهی بزرگ از فقیهان و مفسران و حکیمان معارف الهی؛ همچون جابر بن یزید جعفی، محمّد بن مسلم، ابان بن تغلب و گروهی دیگری از مسلمانان را بر عهده گرفت؛ همچنین[1] ایشان از طریق گروهی از علمای عصر خویش که از او روایت نقل می کردند، به نشر و گسترش علم می‌پرداخت.

آوازهٔ علم و دانش امام محمد بن علی الباقرعلیه‌السلام چنان در بین مردم پیچیده بود که وی را «باقر» نامیدند.

بنا به قولی، امام باقرعلیه‌السلام روز دوشنبه ۷ ذی‌حجهٔ سال ۱۱۴ هجری قمری در مدینه با زهر مسموم شدند و به شهادت رسید و در بقیع در جوار بارگاه پدر گرامی و جد خود امام مجتبیعلیه‌السلام مدفون گردیدند.



شاگردان دربارهٔ دوره‌های زنده گی امامعلیه‌السلام در گروه‌های ۳ نفری با هم گفتگو نمایند.

۱- مدرسی، آیت الله سید محمد تقی، هدایتگران راه نور- زنده گانی امام علیه السلام



ارزش‌یابی

۱- امام محمد باقر علیه‌السلام در .... سال ۵۷ هجری در .... متولد شدند.

۲- امام باقر علیه‌السلام در جهت استحکام و گسترش اسلام و .... تلاش فراوان نمود.

۳- پیامبر اسلام در مورد علم امام باقر علیه‌السلام چه فرموده است؟

۴- تعدادی از شاگردان امام باقر علیه‌السلام را نام ببرید.



کارخانه‌گی

در مورد زنده‌گی امام باقر علیه‌السلام تحقیق نموده و برای دوستان خود بخوانید.

امام جعفر صادق علیه‌السلام

هدف: آشنایی با زنده‌گی امام جعفر صادق علیه‌السلام

پرسش‌ها

۱- در بارهٔ زنده‌گی امام جعفر صادق علیه‌السلام چه می‌دانید؟

۲- به چه دلیل پیروان مذهب امامیه را (جعفری) می‌گویند؟

امام صادق علیه‌السلام ششمین پیشوا پس از وفات حضرت رسول الله صلی الله علیه وسلم است. امام صادق علیه‌السلام در هفدهم ربیع الاول، مصادف با سالگرد ولادت پیامبر اسلام صلی الله علیه وسلم در روزگار جدّش امام زین‌العابدین علیه‌السلام به دنیا آمد. پدرش امام محمّد باقر علیه‌السلام و مادرش فاطمه (ام فروه) دختر قاسم بن محمّد بن ابو بکر بود.

امام صادق علیه‌السلام را فردی عالم، زاهد، مستجاب‌الدعوه، عابد، خاشع، ادیب و... خوانده اند.

در سال ۱۱۷ هجری، هنگامی که امام باقر علیه‌السلام به جوار پروردگارش شتافت، رهبری دینی امّت به فرزندش امام جعفر صادق علیه‌السلام انتقال یافت.

بخشی از دوران امامت ایشان در عصر زمامداران بنی امیه و بخشی در زمان بنی عباس بود. ایشان در دوران درگیری زمامداران بنی امیه و بنی عباس، برای توسعهٔ علوم قرآنی و نشر دیگر دانش‌ها کوشیدند و گام‌های بزرگی برداشتند.

عصر امام صادق علیه‌السلام عصر توسعهٔ نهضت علمی و فکری است تا حدی که باید اذعان کرد چنین وضعی تا آن تاریخ، نه تنها در دنیای اسلام بلکه در هیچ جامعهٔ پیش نیامده بود. در آن زمان، مردم به صورت دسته جمعی به سوی علم و معارف روی آوردند؛ همچنین فرقه‌های مختلف سرگرم تلاش و فعالیت علمی بودند. این فرقه‌ها مباحثی را مطرح می‌کردند که پاسخ آن‌ها بس دشوار بود؛ مثال: مباحث صفات خدا، جبر و تفویض، لزوم وجود بهشت و دوزخ وکیفیت عذاب و...

پاسخ به این شبهه‌ها نیاز به فهم و درایت قوی و شناخت نسبتاً کاملی از خطوط فکری اسلام داشت که در وجود امام صادق علیه‌السلام تبلور پیدا کرده بود. امام در میان مکاتب و مذاهب متعدد و تحمل فشار دستگاه سیاسی و جهل و غفلت مردم تلاش کرد تا چهرهٔ حقیقی فرهنگ اسلامی را عیان کند و تعالیم و احکام اسلامی را به مردم بیاموزد. ایشان سعی داشتند با ارائهٔ خط اصیل اسلام، به کشمکش‌ها و تفرقه‌ها و تضادهای دینی و فقهی خاتمه دهد.

لذا امام با استفاده از فرصت پیش آمده، مدرسه یی را که از جانب پدرش بنیان گذارده شده بود تکمیل نمودند در تاریخ ثبت است که شمار کسانی که به طور مستقیم از افکار و اندیشه‌های این مدرسه سیراب شده اند، به چهار هزار تن می رسد. زمانی اهمیت این مسأله برای ما روشن می‌شود که بدانیم این مدرسه در آگاهی بخشی به مردم مسلمان دوران خود و نیز مسلمانانی که تا امروز از پی آن‌ها آمده اند، نقش اول داشته است[1].

شهرستانی از ابن حجر هیثمی دربارۀ آن امام چنین نقل می کند: «مردم از جعفر بن محمّد الصادق علومی نقل کرده اند و آوازۀ او در تمام شهرها پیچیده و پیشوایان بزرگ از او روایت نقل کرده اند».

ائمۀ مذاهب مختلفه، شاگردان امام عليه‌السلام بودند و به‌عبارت دیگر، امام مرجعیت دینی دنیای اسلام را بر عهده داشتند. امام تلاش فراوانی در تحکیم اعتقادات و فقه شیعه داشته است؛ از این‌رو به شیعه امامیه، شیعۀ جعفری نیز می گویند.[2]

عاقبت، امام در ۲۵ شوال سال ۱۴۸ هجری در سن ۶۵ سالگی به شهادت رسید.[3]



فعالیت

شاگردان دربارۀ اینکه چرا به شیعیان «جعفری مذهب» می گویند با هم تبادل نظر نمایند.



ارزش‌یابی

۱– ولادت امام صادق عليه‌السلام در .... مصادف با سالگرد ولادت پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم صورت پذیرفت.

۲– در سال ۱۱۷ هجری، هنگامی که امام باقر عليه‌السلام، به جوار پروردگارش شتافت، رهبری دینی امّت به فرزندش .... انتقال یافت.

۳– عصر امام صادق علیه السلام عصر .... و .... است.

۴– اقدامات علمی امام صادق عليه‌السلام را بنویسید.

۵– دربارۀ فضیلت علمی امام ششم عليه‌السلام توضیح دهید.



کارخانه‌گی

در مورد زنده‌گی و نقش علمی امام صادق عليه‌السلام تحقیق نموده و آنرا برای دوستان خود بخوانید.

۱– مدرسی، آیت الله سید محمد تقی هدایتگران راه نور – زندگانی امام جعفر صادق عليه‌السلام

۲– به نقل از کتاب احیاگر تشیع

۳– مدرسی آیت الله سید محمد تقی

حساب‌رسی اعمال

هدف: آشنایی با حساب‌رسی اعمال در قیامت

پرسش‌ها

۱. مفهوم حساب‌رسی اعمال چیست؟

۲. مکافات عمل در این دنیا و مجازات در آن دنیا چگونه خواهد بود؟

در این دنیا موارد زیادی اتفاق افتاده است که گناهکاران و مجرمان حقیقی به جزای اعمال ننگین خود نمی‌رسند اینجاست که به ضرورت دادگاه بزرگ عالـــــم رستاخیز پی می بریم. یعنی عدالت و حکمت خداوند‌ﷻ ایجاب می کند که دنیای دیگری باشد تا در آن دنیا بین مؤمنان و کافران، نیکوکاران و بد کاران تفاوت قایل شود و به حساب هر یک به طور جداگانه رسیده گی شود.

ما معتقد هستیم، پس از اینکه خداوند‌ﷻ، در عالم آخرت انسان‌ها را نزد خود محشور می‌نماید به اعمال نیک و بد آنان رسیده گی می کند. خداوند(ج) در قرآن کریم می‌فرماید: ((**يَوْمَ تَشْهَدُ عَلَيْهِمْ أَلْسِنَتُهُمْ وَأَيْدِيهِمْ وَأَرْجُلُهُمْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿٢٤﴾ يَوْمَئِذٍ يُوَفِّيهِمُ اللَّهُ دِينَهُمُ الْحَقَّ وَيَعْلَمُونَ أَنَّ اللَّهَ هُوَ الْحَقُّ الْمُبِينُ ﴿٢٥﴾**)) در روزی که زبان و دست‌ها و پاهای‌شان بر ضد آنان برای آنچه انجام می‌دادند شهادت می‌دهند، آن روز خدا جزای شایسته آنان را به طور کامل می‌دهد و خواهند دانست که خدا همان حقیقت آشکار است[1])

چگونه گی ثبت و ضبط اعمال بنده گان

هنگامی که قیامت فرا می‌رسد، دفترهای ثبت اسناد و اعمال بنده گان آورده می‌شود تا به رؤیت صاحبان‌شان، برسد. قرآن در سورهٔ جاثیه آیهٔ ۲۹ این گونه می‌فرماید: ((این کتاب ما است که به حق با شما سخن می گوید (و رفتارهای شما را بازگو می کند) ما آنچه را انجام می‌دادید می‌نوشتیم.))

در آیهٔ بالا خداوند‌ﷻ نوشتن اعمال انسان‌ها را به خود نسبت داده است؛ ولی در آیهٔ دیگر ثبت و ضبط اعمال بنده گان را به فرشته گان مخصوص نسبت می‌دهد: «بدون شک نگهبانانی بر شما گمارده شده اند؛ نگهبانانی کـــــه محترم هستند و پیوسته (اعمال شما را) می‌نویسند و می‌دانند هر کاری را که می کنید[2]))

و در آیهٔ دیگر می‌فرماید که هیچ یک از کارهای انجام شده توسط انسان نیست مگر که

۱- (نور/ ۲۴-۲۵)

۲- وَإِنَّ عَلَيْكُمْ لَحَافِظِينَ ﴿١٠﴾ كِرَامًا كَاتِبِينَ ﴿١١﴾ يَعْلَمُونَ مَا تَفْعَلُونَ ﴿١٢﴾ انفطار/۱۰-۱۲

توسط فرشته‌گان ثبت و ضبط شده است. «انسان هیچ سخنی را بر زبان نمیراند، مگر اینکه فرشته یی مراقب و آماده (برای دریافت و نگارش) آن سخن است[۳]».

با توجه به آیات شریفهٔ بالا می‌توان چنین نتیجه گرفت که هر عمل کوچك و بزرگی که انسان در دنیا انجام می‌دهد توسط فرشته‌گان و نگهبانان الهی در لوحی ثبت و ضبط می گردد و خداوند ناظر بر کل این کارها می‌باشد.

دانش بشری و ثبت و ضبط اعمال

البته دانش بشری امروزه در اصل ثبت و ضبط اعمال، هیچ گونه شك و تردیدی ندارد و به طور روزانه از کمره‌ها و دیگر آلات و وسایل جهت ثبت و ضبط صدا و تصاویر بهره می بریم که این وسایل تمامی صداها، کارها، اعمال و حرکات، را می‌توانند فیلمبرداری کرده و در دفاتر مخصوص ثبت و ضبط نمایند و هیچ چیزی از قلم نیفتد. حال که بشر با این دانش محدود می‌تواند چنین کاری را انجام دهد به یقین ثبت و ضبط اعمال نزد خداوند ﷻ بزرگ بسیار آسانتر خواهد بود. خداوند ﷻ در قرآن کریم می‌فرماید: ((**وَعِنْدَهُ مَفَاتِحُ الْغَيْبِ لَا يَعْلَمُهَا إِلَّا هُوَ وَيَعْلَمُ مَا فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَمَا تَسْقُطُ مِنْ وَرَقَةٍ إِلا يَعْلَمُهَا وَلَا حَبَّةٍ فِي ظُلُمَاتِ الْأَرْضِ وَلَا رَطْبٍ وَلَا يَابِسٍ إِلا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ**))[۴] گنجینهٔ غیب و کلید آن‌ها در دست خدا ﷻ است و کسی جز او از آن آگاه نیست و خداوند ﷻ از آنچه در خشکی و دریاست آگاه است و هیچ برگی فرونمی‌افتد مگر اینکه از آن خبردار است و هیچ دانه یی در تاریکی‌های (درون) زمین و هیچ چیز تر و یا خشکی نیست که فرو افتد مگر اینکه در لوح محفوظ ضبط و ثبت است».

فعالیت

شاگردان به صورت گروهی دربارهٔ فلسفهٔ حساب‌رسی وکیفیت ثبت اعمال با هم گفتگو نمایند.

ارزش‌یابی

۱- چرا دادگاه بزرگ عالم رستاخیز وجود دارد؟

۲- اعمال انسان از دیدگاه قرآن از چه طریقی ثبت می‌شود؟

۳- مَا يَلْفِظُ مِنْ قَوْلٍ إِلَّا لَدَيْهِ رَقِيبٌ عَتِيدٌ ﴿۱۸﴾ ق:۱۸

۴- انعام/ ۵۹

پاداش کارهای نیک

هدف: آشنایی با علت وجود جزا و پاداش و حال پرهیزگاران در قیامت

پرسش‌ها

۱- چرا پاداش و جزا وجود دارد؟

۲- پرهیزگاران در قیامت چگونه اند؟

ثواب در اصطلاح به مزد و پاداش کار گفته می‌شود و در شرع به معنای اجر و مزد است که خداوندﷻ به شخص خداپرست و مومن می‌دهد[۱]. پاداش و ثواب و در مقابل آن عذاب و مکافات، از اموری است که مورد تأکید خداوند متعال قرار گرفته است. خداوندﷻ می‌فرماید: ((**وَلِكُلٍّ دَرَجَاتٌ مِمَّا عَمِلُوا وَلِيُوَفِّيَهُمْ أَعْمَالَهُمْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ**[۲]؛)) و برای تمام (مردم) به مقتضای اعمال‌شان درجاتی معین است و همه به پاداش اعمال خود کاملاً می‌رسند و هیچ ستمی بر آنها نخواهد شد.

پیامبران الهی علیهم السلام پیوسته در دعوت به راه کمال، مردم را بشارت می‌دادند که افراد مؤمن و نیکوکار در آخرت وارد بهشت می شوند و در آنجا از نعمت‌های الهی بهره می گیرند.

پاداش و نعمت‌های الهی در گرو اعمال صالح و انجام واجبات است هر فرد در برابر خداﷻ، مسئول اعمال خویش است و در قیامت کارهای زشت و زیبای او به قضاوت نهایی گذاشته می‌شود و پاداش و مجازات می‌بیند.

انواع پاداش[۳]

آنچه که از آیات الهی و احادیث به دست می‌آید این است که معاد جنبهٔ جسمانی و روحانی دارد با توجه به همین مسأله پاداش‌های قیامت دارای هر دو جنبهٔ مادی و معنوی می‌باشد. آنچه در قرآن مجید و روایات اسلامی دربارهٔ باغ‌های بهشتی که نهرها از زیر درختانش جاری هستند[۴] و باغ‌هایی که میوه‌های آن و سایه‌هایش جاودانی است[۵] نشان دهندهٔ جنبهٔ مادی قیامت و پاداش‌های آن می‌باشد.

در بعضی آیات قرآن بعد از بیان بخشی از نعمت‌های مادی بهشت و ذکر باغ‌های پر طراوت و مسکن‌های پاکیزه در مورد پاداش معنوی می‌افزاید. رضا و خشنودی خداﷻ از

۱- رحیم کارگر محمدیاری، مقدمهٔ پاداش و مجازات
۲- احقاف / آیهٔ ۹۱
۳- اعتقاد ما
۴- «جنات تجری من تحتها الانهار» سورهٔ توبه/ آیهٔ ۸۹
۵- اکلها دائم و ظلها» سورهٔ رعد/آیه ۳۵

همهٔ اینها برتر است! و بعد می‌افزاید: پیروزی بزرگ همین است»

پرهیزگاران در قیامت

دلایل عقلی و نقلی گواهی می‌دهد که هر انسان در روز رستاخیز پاداش اعمال نیک خود را خواهد دید. قرآن در این باره چنین می‌فرماید: **فَمَن يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْراً يَرَهُ**[۶] هر کس به اندازه ذرّه‌ای کار نیک انجام دهد آن را خواهد دید.

پاداش و نعمت‌های الهی در گرو اعمال صالح و انجام دادن فرایض است. صالحانی که به عبادات و اعمال نیک اهمیت داده اند، اعمال نیک در اندیشه و زنده گی آنان تجلی یافته. آنان مورد ستایش قرآن و پیامبران علیهم‌السلام قرار گرفته و روز قیامت در باغ‌های بهشت، گرامی و عزیز خواهند بود. برای این نیکوکاران در آخرت، انواع پذیرایی و نعمت‌ها آماده شده است.

خداوند متعال در قرآن می‌فرماید: «روزی که هر گروه از مردم را با پیشوایان‌شان بخوانیم پس هر کس نامه اش به دست راست او داده شود، اینان نامه خود را بخوانند و به اندازهٔ رشتهٔ باریکی که درون هستهٔ خرماست، به آنان ستم نشود».

قرآن کریم در جای دیگر می‌فرماید: ((**أُوْلَئِكَ لَهُمْ عُقْبَى الدَّارِ، جَنَّاتُ عَدْنٍ يَدْخُلُونَهَا... وَالْمَلاَئِكَةُ يَدْخُلُونَ عَلَيْهِم مِّن كُلِّ بَابٍ، سَلاَمٌ عَلَيْكُم بِمَا صَبَرْتُمْ فَنِعْمَ عُقْبَى الدَّارِ**[۷])); همانا کسانی هستند که عاقبت، منزلگاه نیکو برای آن‌ها خواهد بود، به جنات جاوید و باغ‌های همیشه سبز وارد خواهند شد در حالی که فرشته‌گان تهنیت گویان از هر در وارد می گردند و می گویند سلام بر شما که صبر پیشه کردید و عاقبت منزل نیکو یافتید و چه زیباست این جایگاه همیشه‌گی!

پاداش در دنیا

تا اینجا گفتیم پاداش و عذاب اصلی و کامل انسان‌ها در قیامت می‌باشد؛ ولی آیا این گفته به این معنا است که هیچ پاداش در دنیا به نیکو کاران یا بدکاران نخواهد رسید؟

برای یافتن جواب سوال بالا به قرآن کریم مراجعه می‌نماییم. خداوند جل‌جلاله در سورهٔ آل‌عمران بعد از بیان شهامت و استقامت رزمنده‌گانی که طرفدار انبیاء بودند، می‌فرماید: (**فَآتَاهُمُ اللهُ ثَوَابَ الدُّنْيَا وَحُسْنَ ثَوَابِ الآخِرَةِ**؛ خداوند به آنان هم ثواب دنیا و فتح و پیروزی مرحمت فرمود و

۶- زلزله/۷
۷ – سوره رعد/ آیات ۲۲، ۲۳ و ۲۴

هم پاداش نیک آخرت را[8]. و همچنین در آیه یی دیگر دربارهٔ پیامبران الهی و طرفداران‌شان می‌فرماید: ((**إِنَّا لَنَنصُرُ رُسُلَنَا وَالَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا**؛ ما پیامبران خویش و کسانی را که ایمان آورده‌اند در همین دنیا یاری می‌دهیم[9].))

همان‌طور که گفتیم در دنیا امکان و ظرفیّت پاداش و جزای کامل وجود ندارد، اگر در آیاتی سخن از پاداش در دنیا می‌شود، تنها گوشه و نمونه یی از پاداش است؛ ولی اصل پاداش در قیامت است.

فعالیت

شاگردان به صورت دو نفری متن درس را مطالعه نموده و پاداش دنیا و آخرت را با هم مقایسه کنند.

ارزش‌یابی

۱- پاداش و ثواب در شرع به معنای ... و ... است که خداوند به شخص ... و ... می‌دهد.
۲- پاداش و نعمت‌های الهی در گرو ... و ... است.
۳- آنچه که از آیات الهی و احادیث به دست می‌آید این است که معاد جنبه... و ... دارد.
۴- در دنیا ... و ... پاداش و جزای کامل وجود ندارد.

کارخانه‌گی

آیه آیتی از قرآن شریف که در مورد حالات پرهیزکاران و پاداش آنان می‌باشد را یافته و برای دوستان خود بخوانید.

---

۸. آل عمران ۱٤۸
۹. غافر ۵۱

درس یازدهم

کیفر کارهای بد

هدف: آشنایی با کیفر بدکاران

پرسش‌ها

۱- مفهوم کیفر چیست؟

۲- بدکاران در قیامت چگونه اند؟

گناه؛ یعنی کار بد، عمل زشت، نافرمانی و در دین اسلام هرگونه کاری که بر خلاف دستورات الهی باشد، گناه است و گناه هر چند کوچک باشد؛ چون نافرمانی خداست، بزرگ و مستوجب کیفر است.

در آخرت مردم دو دسته می‌شوند دسته یی نیکو کارند که به آن‌ها اصحاب دست راست گفته می‌شود و دسته‌ای دیگر بدکاران هستند که به نام اصحاب دست چپ یاد می‌شوند. در درس گذشته در مورد عاقبت نیکوکاران در قیامت مطالبی‌عنوان گردید در این درس در مورد اصحاب دست چپ به قرآن‌کریم مراجعه می‌نماییم تا حال آنان را در آیات قرآن کریم بنگریم.

کیفر گناه‌کاران

دوزخ حقیقت است که قرآن کریم از آن خبر داده و آن را جایگاه بدکاران معرفی نموده است و دوزخ در مقابل بهشت قرار دارد؛ چنانکه در بهشت انواع نعمت‌ها و لذت‌ها موجود است در جهنم حتی اندکی آسایش و راحتی نیست. عذاب‌هایی مانند، آب داغ، آب مسموم، لباس‌های آتشزا، غل و زنجیر و... در انتظار بدکاران است.

اگر کسی به مسایل دینی و فرایض الهی بی‌اعتنا باشد و یا مرتکب گناه گردد نتیجهٔ جز گرفتاری در جهنم نخواهد داشت.

مپندار که خدا از کردار ستمکاران غافل است؛ بلکه عذابشان را تا آن روزی که چشم‌ها در آن خیره می‌ماند به تاخیر می‌افکند می‌شتابند در حالی که سرهای شان را بالا گرفته اند، چشم بر هم نمی‌زنند و دل‌های شان خالی از خرد است به مردم هشدار ده آن روزی را که عذاب فرا می‌رسد و ستمکاران می‌گویند: پروردگارا! ما را اندکی مهلت ده تا دعوت تو را اجابت کنیم و از پیامبران پیروی نماییم، خداوندﷻ در جواب آن‌ها گوید: آیا شما پیش از این سوگند نمی‌خوردید که هرگز زوال نمی‌یابید و در خانه‌های کسانی که بر خویشتن ستم می‌کردند جای گرفتید در حالی که بر شما معلوم بود که با آنـان چه کردیم و برای‌تان مثل‌ها زدیم. آنان مکرهای خود را به کار بردند و خدا از نیرنگ‌های شان آگاه بـود هـرچند که از نیرنگ‌های‌شان کوه از جا می‌جنبید. مپندار که خداﷻ وعده‌ای را که به پیامبرانش داده است خلاف می‌کند: همانا خدا مقتدر و انتقام گیرنده است. آن روز که زمین به زمینی جز این بـدل شود و آسمان‌ها نیز، و همه در پیشگاه خدای یگانهٔ قهار حاضر آیند، گنهکاران را

در آن روز در غل‌هایی که دست را به گردن بندد، بسته بینی. جامه های شان از قطران است و آتش صورت های‌شان را فرو پوشیده است[1].

کیفر در دنیا

در مورد عذاب نیز شکّی نیست که جزای همه بدکاران در سرای دیگر می‌باشد؛ ولی این مسأله به این معنا نیست که بدکاران در این دنیا هیچ عذاب و کیفری نمی بینند. خداوند ﷻ در آیات متعدّدی از قرآن نمونه‌هایی از جزای دنیوی مجرمان را بیان نموده است؛ مثال: در قرآن کریم چنین می‌خوانیم: «**لَّهُمْ عَذَابٌ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَلَعَذَابُ الآخِرَةِ أَشَقُّ**؛ برای آن‌ها در دنیا عذاب است؛ ولی عذاب روز قیامت سخت تر است[2].»

همچنین دربارهٔ کسانی که بدون دلیل و برهان (فقط به خاطر تکبّر در برابر حق) هر چه می‌شنوند انکار کرده و شانه بالا می‌اندازند، می‌فرماید: «**لَهُ فِي الدُّنْيَا خِزْيٌ وَنُذِيقُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَذَابَ الْحَرِيقِ**؛ به این افراد پر مدّعای بی‌علم، هم در دنیا خواری و هم در قیامت عذاب سوزانی می‌چشانیم[3].»

همان‌طور که گفتیم، در دنیا امکان و ظرفیّت پاداش و جزای کامل وجود ندارد. اگر در آیاتی سخن از پاداش یا کیفر در دنیا می‌شود تنها گوشه و نمونه یی از پاداش و کیفر است؛ ولی اصل جزا و پاداش در قیامت است.



فعالیت

شاگردان متن درس را مطالعه نموده و دو نفری دربارهٔ اصحاب یمین و شمال بحث کنند.



ارزش‌یابی

۱- هر گونه کاری که بر خلاف دستورات الهی باشد، چه نامیده می‌شود؟

۲- در آخرت دسته‌ای نیکو کارند که به آن‌ها اصحاب .... گفته می‌شود و دسته‌ای دیگر بدکار یا ....

۳- اگر کسی به مسایل دینی و فرایض الهی بی‌اعتنا باشد و یا .... گردد نتیجه یی جز گرفتاری در .... نخواهد داشت.



کارخانه‌گی

در مورد انواع گناهان تحقیق نموده خلاصهٔ آن را در ۵ سطر نوشته کنید و آنرا برای دوستان خود بخوانید.

۱- سوره الحاقه/ آیات ۲۵ – ۳۷

۲- سوره رعد/ آیه ۳۴

۳- سوره حج/ آیت ۹

بخش فقه

اهمیت زکات

هدف: آشنایی با اهمیت زکات و شرایط وجوب آن



پرسش‌ها

۱- زکات چیست؟

۲- آیا می‌توان زکات را مصداق سپاس گزاری از خداوند ﷻ دانست؟

جهان پیرامون ما سرشار از نعمت‌هایی است که خداوند متعال برای ما انسان‌ها آفریده است تا به وسیلۀ آن، نیازها و احتیاجات خود را برطرف نموده، از آن‌ها در راه رسیدن به کمال و رستگاری استفاده نماییم.

همان‌طور که در تصویر فوق هم مشاهده می کنید، گیاهان و غلاتی؛ چون: گندم و جو و حیوانات اهلی چون گاو و گوسفند نقش مهمی را در زنده گی بشر ایفا می کند؛ چرا که بخش عمده یی از منابع غذایی بشر را تشکیل می‌دهد و این تنها گوشه یی از نعمت‌های بی شماری است که خداوند متعال برای ما آفریده است.

به نظر شما، وظیفۀ ما در مقابل نعمت‌هایی که خداوند سبحان عنایت فرموده، چیست؟

هنگامی که انسان در مقابل رحمت و لطف بی‌پایان الهی قرار می گیرد با تمام وجود به شکر گزاری از آن خالق بی‌همتا می پردازد که این شکر گزاری به دو شیوه انجام می‌شود که عبارت اند از:

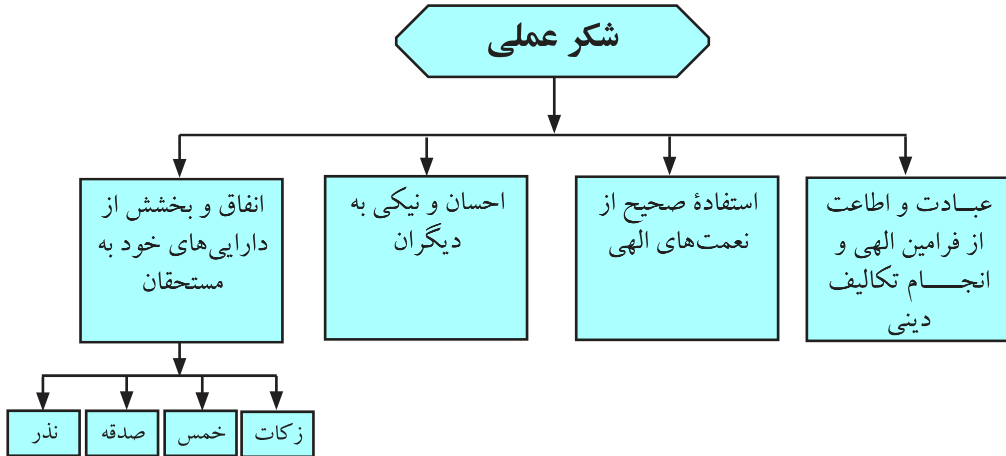
۱- شکر زبانی

۲- شکر عملی

توضیح

۱- شکر زبانی همان ادعیه، اذکار و نمازهای واجب و مستحبی است که در طول شبانه‌روز برای یاد، عبادت و اطاعت پروردگار متعال به جا آورده می‌شود.

۲- شکر عملی: این شکرگزاری خود به جنبه‌های زیر تقسیم می‌شود:



همان‌گونه که در تقسیم بندی فوق مشاهده می‌کنید، اگرچه پرداخت زکات از واجبات است اما نوعی شکرگزاری به شمار می‌رود.

تعریف زکات

زکات در لغت به معنای (پاک کردن) و یا (زیاد کردن) ثروت است[۱] و در اصطلاح به مالی مشخص گفته می‌شود که مقدار و میزان معینی از آن، تحت شرایطی که بعد گفته خواهد شد جدا شده و به مستحق پرداخت می‌گردد.

زکات از نظر دین مقدس اسلام، یکی از ارکان دینداری و شرط ضروری ایمان به شمار می‌رود چنانکه در قرآن آمده است:

«قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ ﴿١﴾ الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ ﴿٢﴾ وَالَّذِينَ هُمْ عَنِ اللَّغْوِ مُعْرِضُونَ ﴿٣﴾ وَالَّذِينَ هُمْ لِلزَّكَاةِ فَاعِلُونَ ﴿٤﴾»[۲] به تحقیق که مؤمنان رستگار شدند آنان که در نماز شان متواضع و فروتن هستند و از بیهوده‌گی روی گردان هستند و ایشان پرداخت کنندهٔ زکات هستند»

آری زکات یکی از ابزار جلب رضایت و خشنودی خداوند متعال و وظیفه و آیین بشر دوستانه و جاودانه می‌باشد که در ادیان و شریعت‌های قبل از اسلام نیز مورد تأکید بوده است به گونه‌ای که در قرآن کریم نیز بر قدمت و دیرینه‌گی این فریضهٔ مالی اشاره شده است.

۱- مجتبی کلباسی، زکات در اندیشه ها،انتشارات ستاد اقامه نماز، تهران ۱۳۸۰، ص ۲۶۵

۲- آیات ۱- ۴ سورهٔ مؤمنون

وَاذْكُرْ فِي الْكِتَابِ إِسْمَاعِيلَ إِنَّهُ كَانَ صَادِقَ الْوَعْدِ وَكَانَ رَسُولًا نَبِيًّا ﴿٥٤﴾ وَكَانَ يَأْمُرُ أَهْلَهُ بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ وَكَانَ عِنْدَ رَبِّهِ مَرْضِيًّا ﴿٥٥﴾» و در این کتاب از اسماعیل یاد کن زیرا که او درست وعده و فرستاده‌ای پیامبر بود و خاندان خود را به نماز و زکات فرمان می‌داد و همواره نزد پروردگارش پسندیده[رفتار] بود).

***



فعالیت

شاگردان به گروه‌های ۵ نفری تقسیم شوند سپس هر گروه در مورد معنا و نقش زکات در زنده گی فردی و اجتماعی گفتگو نموده آنگاه نتیجه را به هم صنفان ارائه نمایند.



ارزش‌یابی

۱- شکرگزاری به دو شیوه.......................و.....................انجام می‌شود.

۲- دو مورد از جنبه‌های شکر عملی را نام ببرید؟

۳- زکات در لغت یعنی....................و...........................

۴- آیا زکات در شریعت های قبل از اسلام هم وجود داشته است توضیح دهید؟



کارخانه‌گی

آیات ۱- ۴ سورهٔ مؤمنون را همراه با ترجمه حفظ نمایید.

اهمیت و شرایط وجوب زکات

هدف: شناخت و اهمیت شرایط وجوب زکات اموال

پرسش‌ها

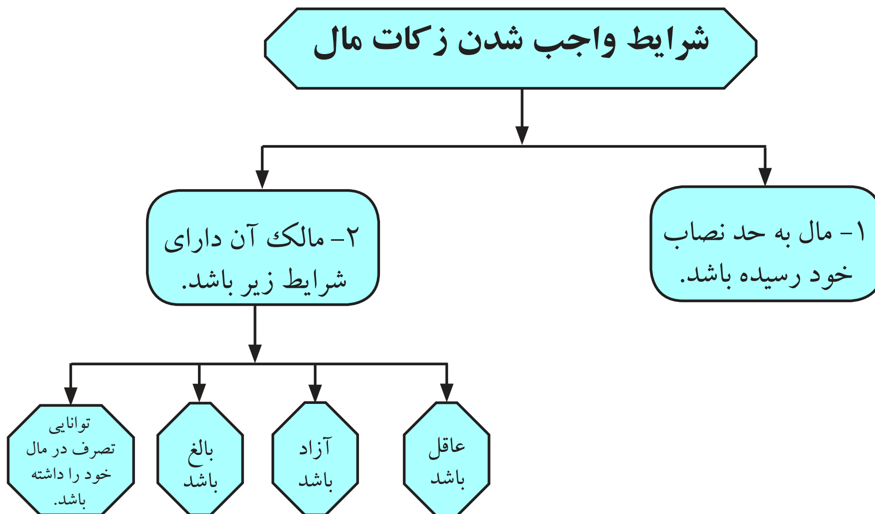
۱- زکات اموال در چه شرایطی بر شخص مسلمان واجب می‌شود؟

۲- زکات به چه اموالی تعلق می گیرد؟

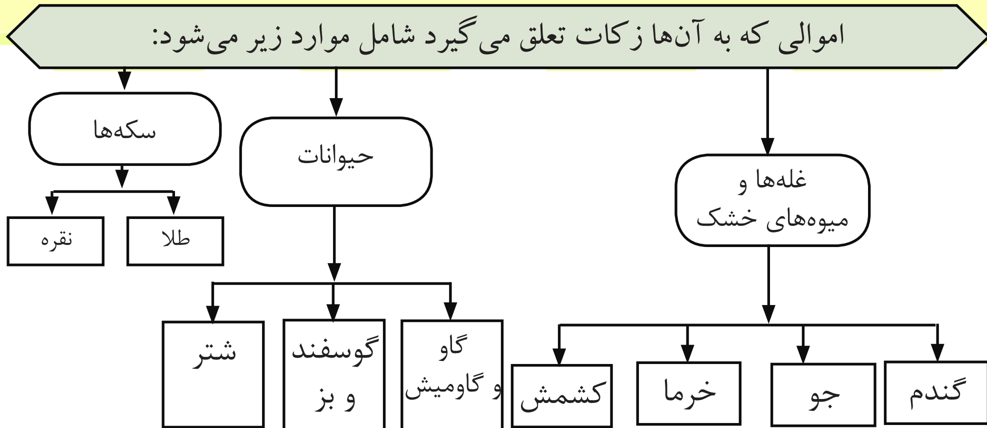
فریادرسی و مساعدت به مظلومان و نیازمندان در صورت توانمندی، مسأله‌ای است که همواره در دین مقدس اسلام مورد تأکید قرار گرفته و آن را به عنوان وظیفه یی برای تک تک مسلمانان برشمرده اند. به گونه یی که برخی از واجبات و تکالیف دینی ما همچون؛ زکات، خمس و مستحباتی چون صدقه و نذر بیانگر این مسأله می‌باشد.

زکات فریضه یی دینی است که علاوه بر بُعد دینی و عقیدتی، از اهمیت مادی و اقتصادی نیز برخوردار است در جامعه یی که این تکلیف الهی به خوبیو درستی اجرا شود فاصله‌های زیاد اقتصادی و مالی افراد جامعه از بین رفته و فقر و نداری، کم و کمتر خواهد شد.

زکات اموال در چه شرایطی بر شخص مسلمان واجب می‌شود؟



زکات به چه اموالی تعلق می‌گیرد؟



دلایل اهمیت زکات عبارت‌اند از:

۱– زکات، شرط قبولی عباداتی، چون نماز است؛ چرا که در بسیاری از آیات پس از نماز ذکر شده و بر انجام آن تأکید گردیده است.
۲–باعث تزکیه و تطهیر نفس انسان از آلوده‌گی‌های اخلاقی چون حسد، حرص، آز، بخل و... می‌باشد.
۳–از بین برندهٔ فاصله‌های طبقاتی و اقتصادی و فقر از سطح جامعهٔ اسلامی است.
۴–باعث ایجاد امنیت و آرامش همه‌گانی در سطح جامعه می‌شود؛ چرا که اختلافات و نابرابری های مالی و اقتصادی را که باعث بسیاری از جنگ‌ها و اختلافات است، از بین می‌برد.
۵–باعث تزکیهٔ مال و حفظ اموال مشروع است.



فعالیت

شاگردان عزیز در گروه‌های سه نفره تقسیم شوند؛ سپس هر گروه به شکل ابتکاری برای اموالی که به آن ها زکات تعلق می‌گیرد یک جدول جدید تهیه نمایند، آنگاه بهترین کارها بر روی تختهٔ صنف نصب شود.



ارزش‌یابی

۱– اموالی که به آن‌ها زکات تعلق می‌گیرد، عبارت هستند از سکه‌ها و ... و ...
۲– به کدام یک از موارد زیر زکات تعلق می‌گیرد؟
الف) جو، برنج ☐ ب) گندم، جو ☐ ج) کشمش، جواری ☐ د) خرما، برنج ☐
۳– چرا «آزاد بودن» جز شرایط پرداخت کنندهٔ زکات می‌باشد؟



کارخانه‌گی

مطالب درس را مطالعه نموده خلاصهٔ آن را در ۵ سطر بنویسید.

حد نصاب زکات

هدف: آشنایی با نصاب زکات اموال

پرسش‌ها

۱. حد نصاب یعنی چه؟

۲. آیا شما با حد نصاب زکات اموال آشنایی دارید؟



تعریف

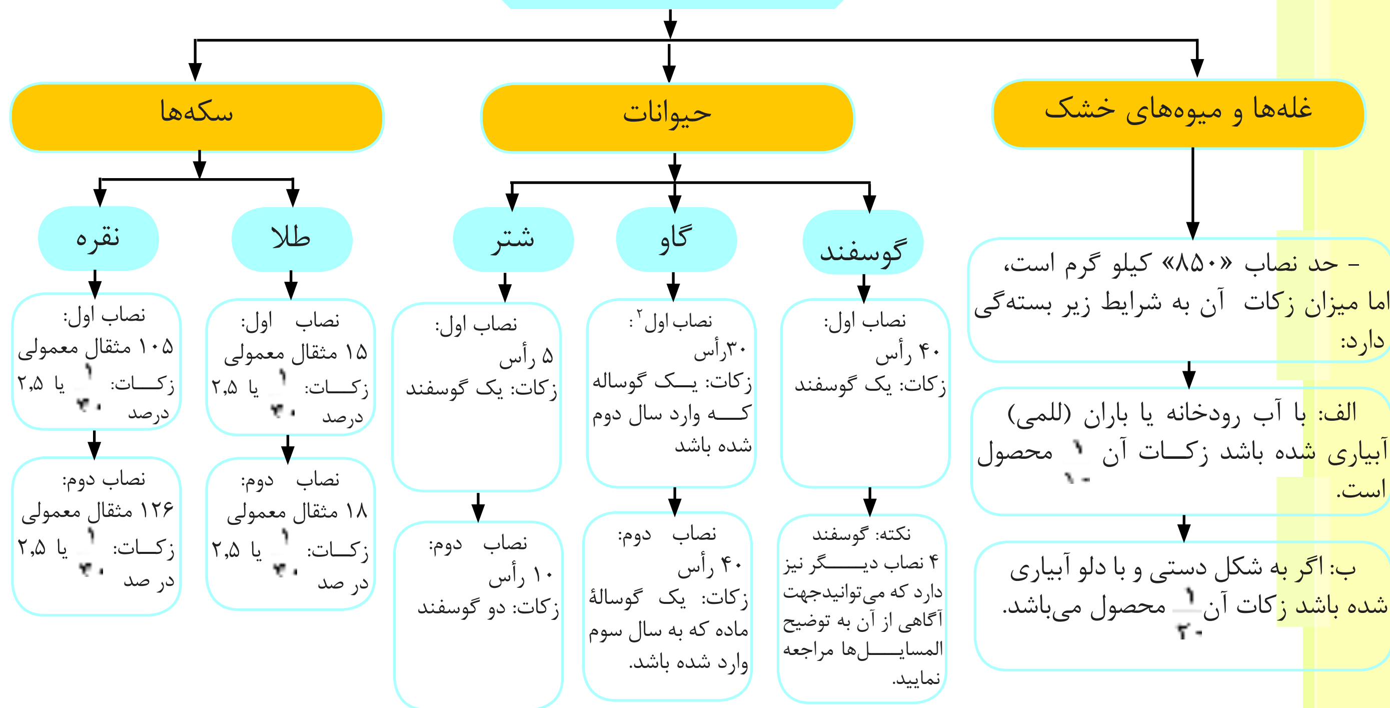
حد نصاب به میزان و مقداری مشخص و معین اطلاق می‌شود که هرگاه مال و یا چیز دیگری به آن میزان برسد احکامی خاص بر آن جاری می‌گردد.

مثال

حد اقل نصاب برای زکات گوسفند «چهل رأس» می‌باشد که مالک آن باید «یک رأس» گوسفند را به عنوان زکات مال خود بپردازد.

❖ انواع حد نصاب اموال

در درس دوم با انواع اموالی که زکات مال به آن تعلق می گیرد آشنا شدید؛ اینک می‌توانید «حد نصاب و زکات هر مال را در چارت زیر مشاهده نمایید.



۱– رک، توضیح المسایل مراجع، سید محمد حسن بنی هاشمی، دفتر انتشارات اسلامی، جلد ۲، قم ۱۳۸۳، مبحث احکام زکات.

۲– هنگامی که نصاب گاو از چهل بگذرد تا به شصت نرسیده، زکاتش همان یک گوسالۀ مادۀ است که وارد سال سوم شده است و در نصاب «شصت» زکات آن، دو گوسالۀ است که وارد سال دوم شده باشند و بعد از آن، نصاب بر اساس «سی سی» یا «چهل چهل» یا «سی و چهل» محاسبه می گردد.



فعالیت

شاگردان گروه بندی شده؛ سپس هر گروه خلاصهٔ درس را به شکل یک چارت تهیه نموده و آن را بر روی تختهٔ صنف نصب کنند.



ارزش‌یابی

۱- حد نصاب را تعریف نمایید؟

۲- حد اقل نصاب برای گوسفند چند رأس است و زکات آن چه می‌باشد؟

۳- به نظر شما چرا مقدار زکات در غله‌های «للمی» بیشتر از زکات غله‌هایی است که با دست آبیاری می‌شود؟

۴- از موارد زیر کدام یک به عنوان نصاب غلات صحیح است؟

الف) ۷۵۰کیلوگرام ب) ۸۰۰ کیلو گرام ج) ۸۵۰ کیلو گرام د) ۵۸۰ کیلو گرام



کارخانه‌گی

درس را مطالعه نموده و خلاصهٔ آن را در ۶ سطر بنویسید.

درس پانزدهم

موارد مصرف زکات

هدف: شناخت موارد مصرف زکات

پرسش‌ها

۱- زکات در چه مواردی مصرف می‌شود؟

۲- آیا زمان وجوب زکات بر اموال را می‌دانید؟

در قرآن‌کریم آمده است: ﴿إِنَّمَا الصَّدَقَاتُ لِلْفُقَرَاءِ وَالْمَسَاكِينِ وَالْعَامِلِينَ عَلَيْهَا وَالْمُؤَلَّفَةِ قُلُوبُهُمْ وَفِي الرِّقَابِ وَالْغَارِمِينَ وَفِي سَبِيلِ اللَّهِ وَابْنِ السَّبِيلِ فَرِيضَةً مِنَ اللَّهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ﴾[۱]؛ صدقات تنها به تهیدستان و بینوایان و متصدیان [گردآوری و پخش] آن و کسانی که دل‌شان به دست آورده می‌شود و در [راه آزادی] برده‌گان و وامداران و در راه خدا و به افراد در راه مانده اختصاص دارد [این صدقات] به عنوان فریضه از جانب خداست و خدا دانای حکیم است).

بر اساس آنچه خداوند ﷻ در آیهٔ فوق برای مصرف زکات ذکر می‌نماید می‌توانیم موارد مصرف زکات را به شکل زیر بیان نماییم.

موارد مصرف زکات

۱- فقیران: کسانی که مخارج سال خود و افراد تحت تکفل خود را ندارند.

۲- مسکینان: کسانی که وضعیت زنده‌گی آنان سخت تر از فقرا است.

۳- ماموران متصدی جمع آوری و توزیع زکات.

۴- کافرهایی که با دریافت زکات به اسلام روی می‌آورند و یا به مسلمانان کمک می نمایند.

۵- خریداری و آزادی بنده‌ها.

۶- پرداخت دین قرض‌داران.

۷- کارهای عام المنفعه دینی مثل ساختن مسجد.

۸- مسافران در راه مانده که توانایی ادامهٔ راه و یا بازگشت به وطن خود را ندارند.

۹- ساختن مراکز عام‌المنفعهٔ یکی دیگر از موارد مصرف زکات می‌باشد.

زکات برای هر یک از اموال، در زمان خاصی واجب می گردد که در ادامه به شرح آن می‌پردازیم.

۱- آیه ۶۰، سوره توبه

زمان وجوب زکات بر اموال

۱- زکات طلا و نقره: بعد از تمام شدن یک سال

۲- زکات گندم و جو: هنگام جدا کردن از کاه، از مال جدا شود یا به مستحق پرداخت شود.

۳- زکات خرما و انگور: هنگام خشک شدن

فقیر دریافت‌کنندهٔ زکات چه شرایطی دارد؟

فقیری که مستحق دریافت زکات است، باید شرایط زیر را داشته باشد:

۱- زکات را در راه معصیت مصرف نکند.

۲- همسر یا فرزند واجب النفقهٔ زکات دهنده نباشد.

۳- غیر سید نباید زکات خود را به سید بدهد.

۴- به شکل آشکارا، مرتکب گناه کبیره نشود.



فعالیت

شاگردان دربارهٔ موارد مصرف زکات، در گروه‌های دو نفری باهم گفتگو نمایند.



ارزش‌یابی

۱- الغارمین یعنی چه ؟

۲- دو کار عام المنفعه را که جزو مصارف زکات باشد، نام ببرید.

۳- کدا م یک از موارد زیر در مورد زمان پرداخت زکات طلا و نقره صحیح است؟

الف)پس از گذشت ۶ ماه ☐ ب)پس از گذشت ۳ ماه ☐ ج)پس از گذشت یک سال ☐ د)هیچ کدام ☐



کارخانه‌گی

چنانچه در مورد پرداخت زکات و موارد مصرف آن، مشاهده، خاطره و یا داستانی دارید، در کتابچه‌های‌تان بنویسید.

احکام زکات

هدف: آشنایی با احکام زکات

پرسش

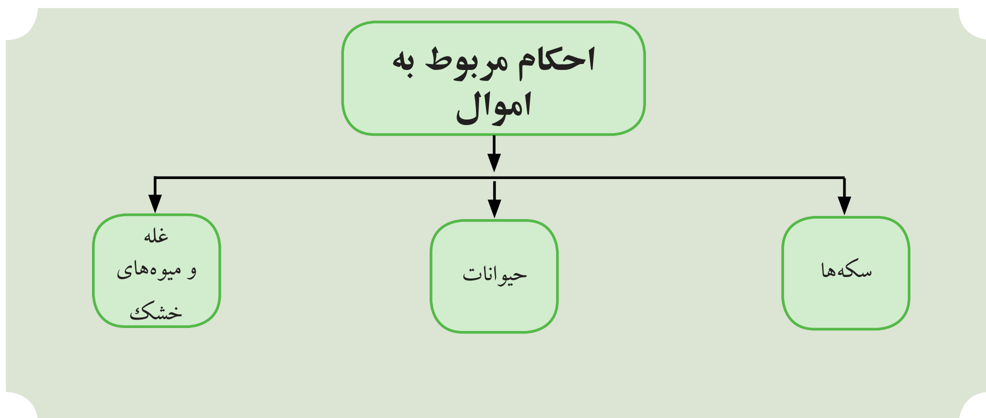
۱- آیا شما با احکام مربوط به زکات آشنایی دارید؟

زکات مانند سایر واجبات، احکام خاص دارد که به بخشی از آن‌ها اشاره می‌گردد:

❖ نیت «انسان باید زکات را به قصد قربت، یعنی برای انجام فرمان خداوند عالم بدهد و در نیت معین کند که آنچه می‌دهد زکات مال است یا زکات فطره»

❖ تعیین نوع زکات (مال یا فطره) جزوی از نیت زکات است؛ بنابراین زکات دهنده باید مشخص نماید که آنچه می‌پردازد زکات مال است یا زکات فطره؛ اما تعیین نوع مال (غله، دام، سکه) لازم نیست.

❖ کسی که زکات چند مال را بر عهده دارد؛ چنانچه مقداری مال را به عنوان زکات پرداخت نماید؛ اما در نیت مشخص نکند که زکات کدام مال است در حالی که مال پرداخت شده «هم جنس» یکی از اموال باشد؛ در این صورت زکات همان مال محسوب می گردد. و اگر هم جنس هیچ کدام نباشد، باید به عنوان زکات، بین همهٔ آن اموال قسمت شود.



غله و میوه‌های خشکی که زکات آن‌ها داده شده است اگر چند سال هم نزد مالک خود بماند زکات دیگری به آن تعلق نمی گیرد.

با وجود چند شرط به حیوانات زکات تعلق می گیرد:

۱- شخص یک سال مالک آن مال باشد.

۲- حیـوان در تمام سال بیـکار باشد.

۳- حیـوان در تمام سال از علف صحـرا بچرد.

چنانچه طلا و نقره و یا یکی دیگر از اموال، قرض گرفته شود و به مدت یک سال در نزد قرض گیرنده نگهداری گردد زکات آن باید توسط قرض گیرنده پرداخت شود و لیکن تکلیفی بر عهدهٔ قرض دهنده نیست.

کسی که طلا و نقرهٔ او به اندازهٔ نصاب است هرچند که زکات آن را داده باشد؛ تا زمانی که مقدار آن از نصاب اول کم نشود باید زکات آن را همه ساله پرداخت نماید.

- در صورتی به طلا و نقره زکات تعلق می گیرد که به شکل سکه باشد و معامله کردن با آن به عنوان پول رواج داشته باشد.

نکتــــه!

۱- مالی که مقدار آن به حد نصاب نمی رسد مشمول زکات نمی‌شود؛ مثال: به «۱۴» مثقال طلا که یک مثقال از «۱۵» مثقال (حد نصاب) کمتر است، زکات تعلق نمی گیرد.

۲-چنانچه زکاتی از خود مال کنار گذاشته شود، می‌توان از بقیهٔ آن استفاده نمود و اگر از مال دیگری پرداخت شود می‌توان از تمام مال استفاده کرد.

احکام مربوط به زکات دهنده و زکات گیرنده

زکات گیرنده	زکات دهنده
۱.کسی که مشغول تحصیل علمی است که فراگیری آن واجب یا مستحب است و به همین خاطر از کسب و کار باز می‌ماند می‌تواند زکات دریافت نماید؛ ۲. اما چنانچه فراگیری آن علم، واجب یا مستحب نباشد زکات دادن به او اشکال دارد. ۳.اگر پسر به کتاب‌های علمی دینی احتیاج داشته باشد، پدرش می‌تواند برای خرید آن کتاب‌ها به پسر زکات بدهد.	۱. زکات دهنده نمی‌تواند زکاتی را که جدا کرده و کنار گذاشته، برای خود بردارد و چیز دیگری به جای آن بگذارد. ۲. اگر مالک در تمام سال مست یا بیهوش باشد پرداخت زکات اموال از او ساقط نمی‌شود. ۳. اگر صاحب گاو، گوسفند، طلا و نقره در تمام سال دیوانه باشد زکاتی بر او واجب نیست.



فعالیت

شاگردان گروه‌بندی شده پیرامون احکام مربوط به زکات‌گیرنده و زکات‌دهنده با یکدیگر گفتگو کنند.



ارزش‌یابی

۱- کدام مورد زیر برای زکات طلا و نقرهٔ قرض گرفته شده صحیح می‌باشد؟

الف) به مدت ۶ ماه در نزد قرض گیرنده باشد ☐

ب) به مدت یک سال در نزد قرض گیرنده نگهداری شود. ☐

ج) حد نصاب هر کدام به ترتیب ۱۰ مثقال و ۱۰۰ مثقال باشد. ☐

د) هیچ کدام ☐

۲- آیا به کسی که مشغول تحصیل است، می‌توان زکات داد یا خیر؟

۳-مالی که مقدار آن بین دو نصاب قرار می‌گیرد، چه حکمی دارد؟



کارخانه‌گی

با مراجعه به قرآن‌کریم و کتاب‌های دینی، آیه یا حدیثی دیگر در مورد زکات بیابید و در کتابچه‌های‌تان بنویسید.

شرایط نذر

هدف: شناخت نذر و شرایط آن

پرسش‌ها

۱- آیا تا کنون نذر کرده اید؟
۲- نذر کردن چه شرایطی دارد؟

انسان فطرتاً موجودی خداجو است کــه در تمامی لحظات زنده‌گی، این احساس «خداجویی» را در وجود خود تجربه و احساس می کند، حتی آنانکه در ظاهر دین و شریعت الهی را قبول ندارند درعمق وجود خود و در لحظات سختی و درمانده‌گی، آن زمانی‌که دست انسان از هر یار و یاوری کوتاه می‌شود باز به یاد خدا می‌افتند و از او یاری می‌جویند. آری این ما هستیم که باید همیشه به یاد خداﷻ باشیم و از یاد او غافل نشویم.

طاعات و عباداتی همانند نماز، روزه،... و مستحباتی چون نذر و صدقه نیز راه‌هایی هستند برای ذکر و یاد خداﷻ و استمداد از رحمت و فضل پروردگار، پس خوبست که با آن‌ها بیشتر آشنا شویم.

نذر چیست؟

تعریف: نذر آن است که انسان ملتزم شود که کار خیری را برای خداﷻ به جا آورد یا کاری را که نکردن آن بهتر است، برای خداﷻ ترک نماید.[1]

(**يُوفُونَ بِالنَّذْرِ وَيَخَافُونَ يَوْمًا كَانَ شَرُّهُ مُسْتَطِيرًا**؛ همان بنده‌گانی که به نذر خود وفا می کردند و از روزی که گزند آن فراگیرنده است، می ترسیدند).[2]

صیغهٔ نذر

برای نذر کردن باید صیغه نذر خوانده شود و لازم نیست که آن را به عربی بخوانند؛ پس اگر بگویند: «چنانچه فلان کار من انجام شود برای خداﷻ بر من است که فلان کار را انجام دهم[3]» نذر او صحیح است. باید توجه داشت آنچه که در صیغهٔ نذر مهم است گفتن نام خدا با عبارت «برای خدا بر من است» یا «لله عَلَّی» می‌باشد.

۱- سید محمد حسن بنی هاشمی، توضیح المسایل مراجع، ج۲ ، ص ۶۰۹، مسألهٔ (۲۶۴۰).

۲- سورهٔ انسان، آیهٔ ۷

۳- ر.ک به همان منبع، مسألهٔ ۲۶۴۱

شرایط نذر کننده

شرایط نذر کننده عبارت است از:

۱- مکلف باشد.

۲- عاقل باشد.

۳- اختیار داشته باشد.

۴- توانایی انجام نذر را داشته باشد.

نکته: چنانچه مالی مورد نذر واقع شود نذرکننده باید توانایی تصرف در آن مال را داشته باشد؛ بنابراین نذر کودک به دلیل اینکه به سن تکلیف و بلوغ نرسیده و دیوانه به دلیل اینکه از نعمت عقل بی‌بهره است، صحیح نمی‌باشد همچنین نذر کسی که در حال مستی وعصبانیت و یا اجبار صورت گرفته صحیح نمی‌باشد؛ نذرکننده باید توجه داشته باشد که چیزی را نذر کند که در حد توانایی او باشد؛ به طور مثال: شخص سالخورده یی که نذر کند پیاده از افغانستان به زیارت کربلا برود، نذرش صحیح نمی‌باشدچرا که توانایی انجام آن را ندارد



فعالیت

فکر کنید و پاسخ دهید که آیا نذرهای معمول در جامعه، نذر شرعی محسوب می‌شود؟



ارزش‌یابی

۱- شرایط نذر عبارت از .... و .... و ....

۲- نذر را تعریف کنید؟

۳- کدام یک از گزینه‌های زیر در مورد صیغهٔ نذر صحیح است؟

الف) صیغهٔ نذر باید عربی خوانده شود ☐

ب) در صیغهٔ نذر باید عبارت «برای خدا انجام می دهم» ذکر شود ☐

ج) صیغهٔ نذر باید به زبان مادری خوانده شود. ☐

د) صیغهٔ نذر باید شرط داشته باشد. ☐

۴. آیا انسان می‌تواند مال دیگری را نذر نماید؟



کارخانه گی

در مورد اهمیت نذر چند سطر بنویسید.

اقسام نذر

هدف: شناخت اقسام نذر

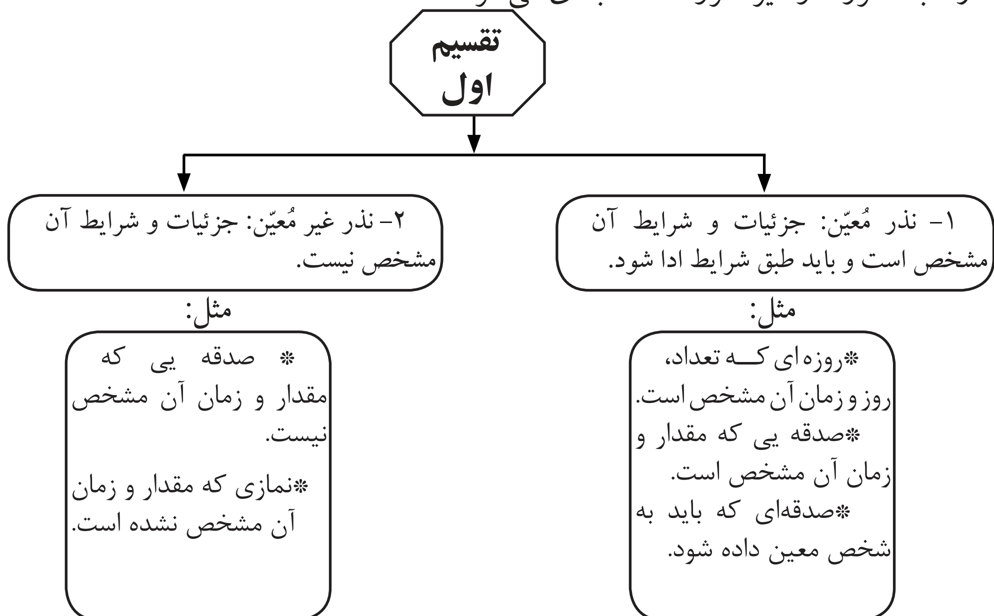
پرسش‌ها

۱- آیا با اقسام نذر آشنایی دارید؟

۲- کفارۀ نذر چه زمانی واجب می‌شود؟

اقسام نذرها

نذرها به یک اعتبار، به نذرهای معین و غیر مُعیّن تقسیم می‌شود و به یک اعتبار نذرها به مشروط و غیرمشروط دسته بندی می گردد.



بر طبق تقسیم اول، چنانچه شرایط و جزئیات نذری مشخص شود، نذرکننده باید بر طبق همان شرایط، نذر خود را ادا کند در غیر این صورت، نذر باطل است؛ مثال: کسی که نذر کرده مقدار«۲۰» افغانی را به شخص معین صدقه بدهد باید همان مقدار را به همان شخص مورد نظر برساند و مقدار کمتر یا بیشتر و یا پرداخت به شخص دیگر صحیح نمی‌باشد.

همچنین در نذر غیر معین که نذر کننده، شرایط و جزئیات نذر را مشخص نکرده باشد،

در ادای نذر محدودیت کمتری وجود دارد؛ به طور مثال: چنانچه نذر کرده باشد که مقداری پول را در راه خدا صدقه بدهد، از آنجا که مقدار را تعیین نکرده، هر مقداری که صدقه بدهد، صحیح است.

توضیح:

نذر مشروط: نذری که در آن، انجام عملی را مشروط به انجام یا ترک عمل دیگر کنند.

مثال اول: چنانچه در امتحان کامیاب شوم، برای خدا بر عهدهٔ من است «به یک محتاج کمک نمایم» (نذر مشروط شکری)

مثال دوم: چنانچه نماز اول وقت من ترک شود، برای خدا بر عهدهٔ من است که «صدقه بدهم» (نذر مشروط زجری)

توضیح

نذر غیرمشروط: نذری که در آن، انجام عملی به انجام عملی دیگر مشروط نشده باشد.

مثال: برای خدا برعهدهٔ من است که در تحصیل علم به دیگری کمک نمایم.

آیا از احکام نذر آگاهی دارید؟

برخی از احکام نذر عبارت اند از:

۱- شخص سفیهی که مال خود را در کارهای بیهوده مصرف می‌کند چنانچه با حالت سفاهت بالغ شده باشد یا حاکم شرع او را از تصرف در اموالش جلوگیری کرده باشد، نذرهای مربوط به مالش صحیح نیست[۱].

۲-نذر زن بدون اجازهٔ شوهر در صورتی‌که منافی حق شوهر باشد، باطل است.

۳-چنانچه شخص انجام کار حرام یا مکروه و یا ترک واجب یا مستحبی را نذر کند، نذر او صحیح نیست.

۴- اگر نذر شود که کار مباحی را انجام دهد یا ترک نماید، چنانچه بجا آوردن یا ترک آن از هر جهت مساوی باشد، نذر او صحیح نیست.

کفارهٔ نذر

اگر شخص نذرکننده، از روی اختیار به نذر خود عمل نکند، باید برای تخلف از نذرخود کفاره بدهد. کفارهٔ نذر مانند کفارهٔ روزه به سه شکل ادا می‌شود:

الف- آزاد کردن یک بنده

۱. سید محمد حسن بنی هاشمی، توضیح المسایل مراجع جلد۲ ص ۶۱۱ مساله۲۶۴۳

ب- طعام دادن شصت فقیر

ج- دو ماه روزهٔ پی در پی



فعالیت

در کتابچه های تان برای هریک از اقسام نذر یک مثال بنویسید.



ارزش‌یابی

۱- چه تفاوت نذر معین با غیرمُعیّن چه تفاوت دارد، دارد بیان نمایید.

۲- کدامیک از نذرهای زیر صحیح می‌باشد؟

الف) نذر انسان سفیه ☐ ب) نذر کودک ☐ ج) نذر مکلف ☐

د) نذر زن بدون اجازهٔ شوهر ☐

۳- کدام‌یک از تعاریف زیر مربوط به نذر «غیر مشروط» می‌باشد.

الف) به نذری گفته می‌شود که در آن، انجام عملی به انجام عملی دیگر مشروط شده باشد.

ب) به نذری گفته می‌شود که در آن، انجام عملی به انجام عملی دیگر مشروط نشده باشد.

۴- کدام‌یک از موارد زیر کفارهٔ نذر نیست؟

الف) طعام دادن شصت فقیر ☐ ب) دو ماه روزهٔ پی در پی ☐

ج) پرداخت یک مد طعام ☐ د) آزاد کردن یک بنده ☐



کارخانه‌گی

با مراجعه به توضیح المسایل یا ملا امام مسجد محل خود، بعضی دیگر از احکام نذر را در کتابچه‌های تان بنویسید.

صدقه

هدف: آشنایی شاگردان با صدقه به عنوان یکی از خیرات و عطیات

پرسش: دربارۀ ثواب صدقه دادن چه می دانید؟

تعریف صدقه

صدقه، عمل حسنه و مستحبی‌است که برای رضای خدا و کمک به دیگران انجام می‌شود و بارزترین مصداق آن، انفاق کردن از اموال و دارایی خود، برای کمک به نیازمندان و کسب رضایت پروردگار می‌باشد.

البته صدقه می‌تواند به شکل های دیگری هم جلوه کند؛ مثال: کار نیکی که برای دستگیری و رفع نیاز دیگران صورت می گیرد. شاعر در این مورد می گوید:

به روز گار سلامت شکسته گان دریاب　　　که جبر خاطر مسکین بلا بگرداند

آری «صدقه» نیز یکی از موارد خیرات و عطیات محسوب می‌شود که نقش مهمی را در جامعۀ اسلامی ایفا می‌نماید؛ چرا که پایبندی به این عمل نیک و حسنه، تأثیرات بسیار مثبتی را در جامعه بر جای می گذارد.

صدقه دادن فواید زیر را در پی دارد:

۱- بر اساس سخن حضرت علی علیه السلام صدقه دادن باعث پوشانده شدن گناهان می‌شود.

۲- صدقه دادن باعث دفع مرگ‌های بد و دلخراش می گردد.

۳- با توجه به «آیۀ ۱۰ سورۀ منافقون» صدقه دادن فرصتی است برای اینکه با انجام این عمل خیر از زمرۀ صالحان باشیم.[1]

۴- خیراتی چون صدقه باعث رفع مشکلات مالی و اقتصادی افراد بی‌بضـاعت جامعه می گردد. لذا این عمل نیک می‌تواند به شکل یک مساعدت مالی در رفع بسیاری از کمبودها و مشکلات،کمک حال مردم فقیر و نیازمند باشد.

۵- صدقه هفتاد نوع بلا را دفع می کند.[2]

۱- «وَأَنْفِقُوا مِنْ مَا رَزَقْنَاكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ فَيَقُولَ رَبِّ لَوْلَا أَخَّرْتَنِي إِلَى أَجَلٍ قَرِيبٍ فَأَصَّدَّقَ وَأَكُنْ مِنَ الصَّالِحِينَ»

و از آنچه شما را روزی دادیم انفاق کنید پیش از آنکه مرگ یکی از شما بیاید پس می گوید خدای من چرا من را تا زمان نزدیک مهلت ندادی تا زنده بمانم، پس تصدق نمایم و از صالحان باشم.

۲-محمد محمدی ری‌شهری، منتخب میزان الحکمه، ترجمۀ حمید رضا شیخی، انتشارات دارالحدیث، جلد دوم، قم۱۳۸۱، ص ۵۷۵

۶- صدقه دادن باعث افزایش روزی می‌شود.[۳]

۷- پیامبر اکرم ﷺ فرمودند: صدقه خشم پروردگار را فرو می‌نشاند.[۴]



فعالیت

متن درس را به صورت انفرادی مطالعه نمایید.



ارزش‌یابی

۱. صدقه یعنی چه؟

۲. دو مورد از فواید صدقه دادن را بگویید.

۳. چرا صدقه دادن باعث کمک به برقراری آرامش در سطح جامعه می گردد؟



کارخانه‌گی

با مراجعه به کتب دینی، حدیث یا روایتی دیگر پیرامون صدقه و اهمیت آن بیابید و درکتابچه های‌تان بنویسید.

۳- همان منبع

۴- همان

احکام صدقه

هدف: آشنایی با احکام صدقه

پرسش ها

۱- چه کسانی مستحق در یافت انفاق هستند؟

۲- آیا از احکام صدقه آگاهی دارید؟

۳- به نظر شما چگونه صدقات باعث ماندهگاری صدقه دهنده می‌شود؟



خداوند متعال ﷻ در آیهٔ ۱۰۴ سورهٔ توبه می‌فرماید:

أَلَمْ يَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ هُوَ يَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَنْ عِبَادِهِ وَيَأْخُذُ الصَّدَقَاتِ وَأَنَّ اللَّهَ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ.

ترجمه: آیا ندانستند که به تحقیق خداوند توبهٔ بنده‌گان را می‌پذیرد و صدقهٔ آن‌ها را قبول می‌فرماید و البته خدا بسیار توبه پذیر مهربان است.

آری، صدقه دادن معامله است که با خدا صورت می گیرد وهر کار نیکی صدقه محسوب می‌شود.

هنگامی که برای رضای خدا نیکی و حسنه یی را انجام می‌دهید و چیزی را انفاق می کنید؛ از آنجا که برای خداست و به قصد جلب رضایت او؛ پاداش آن را نیز خداوند ﷻ می‌دهد و آن را به عنوان ذخیره یی برای آخرت ما قرار داده وحتی می‌توانیم اثرات مثبت آن را در زنده‌گی دنیایی نیز مشاهده نماییم؛ اما آنچه که مهم است رعایت احکام و آداب صدقه دادن است چراکه هر امری، روش و احکام خود را دارد پس خوب است که با گوشه‌های از احکام «تَصَدُّق» آشنا شویم:

احکام تصدق

۱- صدقه دهنده باید در دادن صدقه قصد «قربت» داشته باشد؛ یعنی تنها برای رضای خدا صدقه بدهد و از هرگونه ریا و خود نمایی اجتناب نماید.

۲- بهتر است که صدقه دادن، پنهانی باشد، مگر آنکه بخواهد با صدقهٔ آشکارا، دیگران را نیز به این عمل خیر تشویق نماید.

۳- گدایی کردن و رد کردن گدا (چیزی ندادن)، هر دو مکروه است.

۴- صدقه باید پنهانی باشد«اما زمانیکه آبروی انسان تحت شرایطی به خطر افتد و آشکار کردن صدقه تنها راه حفظ آبرو باشد صحیح است.[1]»

۵- صدقه دادن به کسی که در حال جنگ با مسلمانان نباشد و به پیامبر ﷺ و ائمهٔ اطهار علیهم‌السلام دشنام ندهد اشکال ندارد.[1]

۶- پس گرفتن صدقه جایز نیست.

۱- ترجمه و تبیین شرح لمعه، شهید ثانی؛ ترجمهٔ علی شیروانی و محمد محمود عباسی؛ انتشارات دارالعلم، جلد پنجم، قم ۱۳۸۳، ص ۳۵۲

چه کسانی مستحق انفاق هستند؟

۱- والدین
۲- نزدیکان
۳- یتیمان
۴- مساکین
۵-در راه مانده گان

شرایـــــط دریافت‌کنندۀ صدقه

۱- نیازمند باشد؛
۲- دیندار باشد؛
۳- صلاحیت جمع‌آوری صدقات و نگهداری و رسانیدن آن را به نیازمندان واقعی داشته باشد.



فعالیت

۱- شاگردان دربارۀ احکام صدقه دو نفری بحث و گفتگو نمایند.



ارزش‌یابی

۱- گیرندۀ صدقه باید .... و ....باشد؟
۲- صدقه دادن در کدام یک از موارد زیر صحیح نمی‌باشد؟
الف) به قصد قربت باشد. ☐
ب) برای جلب توجه باشد. ☐
ج) برای فقیر نیازمند باشد. ☐
د) برای نزدیکان نیازمند باشد. ☐



کارخانه‌گی

آیات درس را همراه با ترجمه، حفظ نمایید.

بخش سیرت و حدیث

سیرت و انواع آن

هدف: شناخت سیرت و انواع آن

پرسش‌ها

۱. سیرت چیست؟
۲. انواع سیرت کدام‌ها اند؟

هر مجموعهٔ دینی، ناگزیر از داشتن منابعی برای عقیده و عمل‌شان هستند. از آن میان مسلمانان عقیدهٔشان را از قرآن، سنت، عقل و اجماع می‌گیرند و عمل‌شان را بر اساس آن‌ها انجام می‌دهند. افزون بر گفته‌های پیامبر و امامان معصوم علیهم‌السلام، سیرت و روش‌شان نیز یکی از نسخه‌های عمل و عقیدهٔ مسلمانی است.

میراث پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم

مسلمانان، علاوه بر قرآن‌کریم که آن را بدون هرگونه تحریف و تغییری در اختیار دارند، منابع بزرگ دیگری را نیز نصیب گشته اند؛ یکی اینکه بخش بزرگی از سخنان پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و دیگر بزرگان دینی را در اختیار دارند؛ دوم اینکه تاریخ زنده‌گانی آن حضرت به طور روشن و مستند در کتاب‌ها ثبت شده است که از آن در استنباط سیرهٔ وی می‌توان استفاده کرد. در حالی‌که پیروان دیگر ادیان، از داشتن منابعی با چنین کمیت و کیفیت محروم اند. تمام این منابع راهنمای ما در زنده‌گی است و ما باید طبق آن‌ها عمل کنیم.

پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم الگوی نیکو

یکی از بهترین و تأثیر گذارترین شیوه‌های هدایت و تربیت، معرفی نمونه‌های کامیاب است. این کار از سویی نظریه‌ها را زنده ساخته و جنبه‌های عملی آن را نشان می‌دهد و از سوی دیگر، مردم را از پیروی کسانی که شایسته‌گی الگو بودن را ندارند، باز می‌دارد.[۱] نمونهٔ برجسته و برازندهٔ الگوهای نیکو، پیامبران علیهم‌السلام اند که به تعبیر پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم مردم را بر علاوه زبان با عمل‌شان نیز دعوت کرده اند. قرآن کریم حضرت محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم را الگویی نیکو (اسوه حسنه) برای مسلمانان معرفی می‌کند: «**لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ**

۱- سیرت پیامبر اکرم با نگاهی به قرآن کریم، محسن قرائتی، ویراست دوم، چاپ چهارم، تهران، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، ص.۱۱

يَرْجُو اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا»؛ به صورت قطعی برای شما در [اقتدا به] رسول خدا سرمشقی نیکوست برای آن کس که به خدا و روز بازپسین امید دارد و خدا را فراوان یاد می کند.[۲]

سیرت چیست؟

«سیرت» از سیر به معنای حرکت، گردش، رفتن و راه رفتن گرفته شده است. سیرت دلالت بر سبک و نوع رفتار می کند. مراد از سیرت پیامبر ﷺ، گونهٔ رفتار آن حضرت ﷺ در عمل و به کار بستن روش‌ها برای رسیدن به هدف‌ها است. شخصیت‌های بزرگ و هدفمند و از جمله پیامبران علیهم‌السلام و نیز هر گروهی از مردم، سبک رفتار و نوع عمل مخصوص به خود را دارند که کلیت دارد و تغییر نمی‌پذیرد و در همه زمینه‌ها و زمان ها، رفتار و عمل هر کس و هر گروه بر مبنای آن صورت می گیرد. منطق و اصول رفتاری خاص(سیرت) پیامبران علیهم‌السلام که معیار رفتار و گفتار آنان در هر شرایط زمانی و مکانی هست در یک تقسیم بندی، به دو نوع فردی و اجتماعی تقسیم می‌شود. بخشی از اعمال پیامبر اسلام، مانند هر انسان دیگر، فردی بود. عبادت، زنده گی شخصی و... از شمار سیرت فردی آن حضرت است. پیامبر ﷺ همزمان در امور اجتماعی و حکومتی با یاران (اصحاب) مشورت می کرد و اختلاف‌های مردمان را با قضاوت عادلانهٔ خویش فیصلهٔ می‌بخشید.

اصول حاکم بر سیرت پیامبر ﷺ

در سیرت پیامبر ﷺ سه گونه اصول را می‌توان یافت:

۱- اصول اولیهٔ اخلاق که مطلق است؛ یعنی برای همهٔ انسان‌ها معیارهای خوب و بد اخلاقی یکسان است. از آن جمله پیامبر اکرم ﷺ در هیچ شرایطی و به هیچ روی از روش‌ها و اصول باطل مانند موارد زیر کار نگرفت:

الف) غدر: پیامبر ﷺ و معصومان علیهم‌السلام هیچ‌گاه از غدر و فریب برای رسیدن به مقصد و مقصود خویش کار نگرفتند و پیمان نشکستند، هرچند بسیاری چیزها را از دست می‌دادند و یا چیزهای بسیار ارزشمندی را به دست می‌آوردند.

ب) تجاوز و تعدی: پیامبر ﷺ با پیش چشم داشتن دستور قرآن، حتی در ستیز با دشمن اش از حد نمی گذشت:ای کسانی که ایمان آورده‌اید برای خدا به داد برخیزید و به عدالت شهادت

۲- قرآن، احزاب آیه ۲۱

دهید و البته نباید دشمنی گروهی شما را بر آن دارد که عدالت نکنید، عدالت کنید که آن به تقوا نزدیک‌تر است و از خدا پروا دارید که خدا به آنچه انجام می‌دهید آگاه است.[۳]

ج) ترحم نخواستن و تن به ستم ندادن: هیچ‌گاه دیده نشده است که پیامبر ﷺ، در زمانی دشمن را قوی می‌دیده و یا اوضاع و احوال بر وفق مراد نبوده است، گردن کج کند و از دشمن ترحم و بخشش بخواهد (استرحام) یا آنکه تن به ظلم و ستم بدهد (انظلام).

۲- یک تعداد اصول مطلق نیز وجود دارد که پیامبر ﷺ داشتن و به کار بستن آن‌ها را سفارش کرده است، از جمله اصل قدرت و اقتدار؛ قدرت و اقتدار یعنی توانا بودن برای اینکه دیگران خیال دست درازی را از سر بیرون کنند، نه اینکه از آن برای زورگویی استفاده شود.

۳- اصول نسبی نیز در سیرهٔ پیامبر ﷺ وجود داشته است؛ اصول نسبی به این معناست که پیامبر ﷺ همیشه و در همه جا از این اصول استفاده نکرده است. از جمله اعمال قدرت یک اصل نسبی‌است. از زور و قدرت کارگرفتن، در اسلام و سیرت پیامبر ﷺ یک اصل ثابت نیست؛ بلکه پیامبر ﷺ آن را در جاهایی که راه دیگری وجود نداشته، روا دیده است.[۴]



فعالیت

در سیره پیامبر ﷺ چند گونه اصول می‌توان یافت؟ در گروه‌های سه نفری باهم بحث کنید



ارزش‌یابی

۱- کدام یک درست است؟

الف) در سیرت پیامبر ﷺ همهٔ اصول؛ مطلق، همه جایی و برای همه است

ب) در سیرت پیامبر ﷺ اصول نسبی‌هم وجود دارد.

۲- میراث پیامبر ﷺ برای مسلمانان ... است.

الف) قرآن ب) روایات ج) سیره د) قرآن، روایات و سیره

۳- اصول مطلق در سیرت پیامبر ﷺ را که تغییر نمی‌پذیرد نام ببرید.

۳- يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُواْ كُونُواْ قَوَّامِينَ لِلّهِ شُهَدَاء بِالْقِسْطِ وَلاَ يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَآنُ قَوْمٍ عَلَى أَلاَّ تَعْدِلُواْ اعْدِلُواْ هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَى وَاتَّقُواْ اللّهَ إِنَّ اللّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ. قرآن، مائده، ۸

۴- سیرهٔ نبوی، مطهری، ص ۸۰ به بعد

اخلاص

هدف: آشنایی با اخلاص و اهمیت آن در آداب و اعمال دینی

پرسش‌ها

۱- اخلاص چیست؟

۲- شرایط اخلاص چیست و به کدام عمل، عمل مخلصانه گفته می‌شود؟

هر کاری برای آن صورت می گیرد تا انسان را به هدفی برساند و برای رسیدن به هر هدف، ابزاری لازم است. پرستش خداوندﷻ نیز به هدف قرب به او صورت می گیرد و آنچه انسان را به آن هدف می‌رساند اخلاص است. انسان مخلص از طاعت‌ها و عبادت‌ها و سایر کارهای خود تنها و تنها خشنودی پروردگارش را در نظر دارد و از هرگونه آلوده گی و آمیخته گی آن به غیر خدا می‌پرهیزد. از این رو، تنها به او دل می‌بندد و خوشایند و بدآیند دیگران، در نظرش یکسان است. هرچند شاید کسانی برای پیشبرد کارهای‌شان خواست و ارادۀ پولادین داشته باشند، اما انگیزۀ آنان چیزی دیگری است و انگیزۀ اخلاصمندان از روی خلوص نیت و به هدف رضایت خداوندﷻ صورت می گیرد. از این رو آنان در سختی‌ها و پیشامدهای زنده گی، امید خویش را از دست نمی‌دهند و با استواری تمام کار خویش را پی می گیرند.

حقیقت اخلاص در سخنان پیامبرﷺ و دیگر معصومان بیان شده است. پیامبر اسلامﷺ فرمود: «**اِنَّ لِکُلِّ حَقٍّ حَقیقَةً وَ مابَلَغَ عَبْدٌ حَقیقَةَ الْاِخْلاصِ حَتّي لا یُحِبَّ اَنْ یُحْمَدَ عَلي شَيءٍ مِنْ عَمَلٍ لِلّهِ**»ترجمه: هر حقی را حقیقتی است، و بنده یی به حقیقت اخلاص نرسد مگر آنگاه که دوست نداشته باشد در برابر کاری که برای خدا می کند ستایش شود.»[1]

حضرت علیؑ در این باره فرمود: «**اَلْعِبادَةُ الْخالِصَةُ اَنْ لا یَرْجُوَ الرَّجُلُ إلاّرَبَّهُ، وَ لا یَخافُ إلاذَنْبَهُ**»؛ ترجمه: عبادت خالص این است که آدمی جز به پروردگارخویش امید نبندد و جز از گناه خویش نترسد.[2]

ارزش و اهمیت اخلاص

۱- محمدی ری شهری، محمد، «منتخب میزان الحکمه» ترجمۀ حمیدرضا شیخی، ج ۱، قم: مؤسسۀ فرهنگی دارالحدیث، ۱۳۸۱، ص ۳۲۰

۲- همان، همان صحفه

ارزش هر کار به اهمیت هدفی است که برای رسیدن به آن صورت می گیرد. از قرآن کریم و گفته‌های پیامبر ﷺ و امامان علیهم‌السلام بر می آید که اخلاص معیار ارزش، قبولی و ناقبولی عبادت و در واقع هدف دین و معیار مسلمانی و دینداری واقعی است. هر کس از روی نیت خالصانه عمل کند، مورد قبول پروردگار است و خداوند جل‌جلاله خود به آن فرمان داده است: «**اَدْعُوا اللّٰهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدّينَ وَ لَوْ كَرِهَ الْكافِرُونَ**»[۳]؛ پس خدا را پاکدلانه فرا خوانید هرچند ناباوران را ناخوش افتد.

در سخنان پیشوایان معصوم، از جمله امام علی علیه‌السلام از اخلاص به بهترین عبادت، ملاک عبادت، غایت دین، عبادت مقرّبان الهی ... یاد شده است. در اهمیت اخلاص همین بس که شرط قبولی عمل است و اگر عملی از روی اخلاص صورت نگیرد، نتیجه یی در پی نخواهد داشت. پیامبر ﷺ فرمود: «هرگاه کاری کردی، آن را تنها برای خدا انجام ده؛ زیرا او تنها اعمال خالص بنده‌گانش را می‌پذیرد»

مراتب اخلاص

بنابراین اخلاص معیار دینداری و عبادت واقعی است. خالص کردن عبادت و ارادت صادق داشتن، مراتبی‌دارد و هر چند عمل از روی اخلاص صورت گیرد، ارزش بیشتری نزد خداوند جل‌جلاله دارد. از این رو درجه و جایگاه مؤمنان نزد خداوند متفاوت خواهد بود؛ چنانکه امام علی علیه‌السلام فرمود: «بالاخلاص ترفع الاعمال»؛ به‌وسیلهٔ اخلاص درجات اعمال مؤمنان بالا می‌رود.

امام صادق علیه‌السلام فرموده اند: عبادت‌کننده‌گان سه نوع اند

الف) کسانی که خداوند جل‌جلاله را از روی ترس می‌پرستند و این عبادت برده‌گان است.

ب) کسانی که خداوند جل‌جلاله را برای ثواب و پاداش و رسیدن به وعده‌های بهشتی عبادت می‌کنند و این عبادت اجیران است.

ج) کسانی که خداوند جل‌جلاله را بدون هرگونه ترس و طمعی و تنها به خاطر دوستی و بزرگی‌اش عبادت می‌کنند و این عبادت آزاده‌گان و برترین و بهترین نوع عبادت است.

آنچه اخلاص می‌آورد

اخلاص، خود به خود حاصل نمی‌شود، افزون بر خواست خداوند جل‌جلاله که آن را رازی از رازهایش می‌خواند و در دل بنده یی که دوستش دارد جای می‌دهد[۴]، چیزهای دیگری نیز می‌تواند اخلاص بیاورد:

الف) دوری کردن از حرام ه: پیامبر ﷺ می‌فرمایند «دوری کردن از حرام کمال اخلاص است». اجتناب از محارم نه تنها اخلاص می‌آورد و به آن می‌افزاید، بلکه بالاترین مرتبهٔ

۳- غافر، آیهٔ ۱۴

۴- میزان الحکمه، ج۳، ترجمهٔ فارسی، مدخل اخلاص

اخلاص است.

ب) یقین: «علت اخلاص یقین است». امام علی علیه‌السلام. کسی که به خدا و پیامبران او و روز باز پسین یقین کامل داشته باشد نمی‌تواند از روی اخلاص عمل نکند.

ج) علم: «میوه دانایی (به مبداء و معاد) اخلاص عمل است» امام علی علیه‌السلام. هر اندازهٔ که آگاهی انسان باورمند از هستی و رازهای بی‌پایان آن و عظمت آفریده گار بیشتر شود، بر اخلاص او افزوده می‌شود.

د) کم کردن آرزوها: «آرزوهایت را کم کن، اعمالت خالص می‌شود» امام علی علیه‌السلام می فرمایند: هر گاه از آرزوهای انسان کاسته شود، بی ریا و تنها برای جلب رضای خدا عمل خواهد کرد.

ه) چشم نداشتن به مال مردم: «ریشهٔ اخلاص نومید شدن از دست مردمان است» علی علیه‌السلام. هر گاه انسان به آنچه مردم از مال و جاه دارند، دل نبندد و کار بنده‌گی را از بهر خدا به جای آورد، بر اخلاصش افزوده خواهد گشت.



فعالیت

۱- در بارهٔ اخلاص و حقیقت آن دو به دو با هم گفتگو کنید.

۲- در گروه‌های سه نفری، هر کدام یک مرتبهٔ اخلاص را با هم بحث کنید.



ارزش‌یابی

۱- اخلاص چیست؟ حدیث پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم دربارهٔ حقیقت آن را بنویسید.

۲- برترین عبادت کننده‌گان کسانی اند که خداوند جل‌جلاله را به‌خاطر ... می کنند؟

الف) ترس ب) ثواب و پاداش ج) شناخت و بزرگی خداوند جل‌جلاله.

۳- اهمیت اخلاص در چیست؟

۴- سه نمونه از چیزهایی را که اخلاص می‌آورد، نام ببرید.



کارخانه‌گی

این حدیث امام علی علیه‌السلام را با ترجمهٔ آن حفظ کنید: «طوبی‌لمن اخلص لله عمله و علمه و حبه و بغضه، و أخذه و ترکه، و کلامه و صمته، و فعله و قوله»؛ خوشا به حال کسی که عمل و علمش، دوستی و دشمنی‌اش، گرفتن و رها کردن اش، سخن و سکوتش و کردار و گفتارش تنها برای خدا باشد.[۵]

۵- همان، ص ۳۱۸

ساده زیستی

هدف: شناخت ساده‌زیستی

پرسش‌ها

۱- ساده‌زیستی چیست؟

۲- معیارهای ساده‌زیستی کدام اند؟

انسان در این جهان گذران برای خورد و خوراک و زنده‌گی همیشه‌گی آفریده نشده است؛ بلکه به مسافری می‌ماند که باید راهی نه چندان طولانی را طی کند تا به مقصد خویش که همان حیات جاویدان است، برسد. اگر این مسافر توان و سرمایهٔ خویش را صرف خوشگذرانی کند و به تجمل بسیار در کار این جهان بپردازد؛ هیچ‌گاه به هدف نخواهد رسید؛ در حالی که از دید انسان مسلمان: «الدنیا مزرعة الآخرة»؛ دنیا کشتزار آخرت است.[۱] و او به کار این دنیا تا آن اندازه می‌پردازد که آن دنیا را سامان بخشد.

دنیا را به سان کشتزار دیدن، بر اساس قرآن کریم سه اصل دارد:

۱- آفرینش و زنده‌گی انسان در این جهان سراسر خوشی و شادی نیست؛ بلکه زنده‌گی انسان در رنج و سختی است: **يَا أَيُّهَا الْإِنسَانُ إِنَّكَ كَادِحٌ إِلَي رَبِّكَ كَدْحًا فَمُلَاقِيهِ** «هر آیینه انسان را در رنج آفریدیم»[۲]

۲- زنده‌گی انسان در این جهان پایان نمی‌یابد؛ بلکه پس از این جهان گذران به جهان جاویدان که جایگاه همیشه‌گی اوست، خواهد پیوست. «**انا لله و انا الیه راجعون**»

۳-راحتی و سعادت: «آن سرای آخرت را برای کسانی قرار می‌دهیم که در زمین خواستار برتری و فساد نیستند و فرجام [خوش] از آن پرهیزگاران است»[۳]

بنا براین می‌توان گفت که ساده‌زیستی و یا زهد (غرق نشدن در حرص وطلب دنیا) برای رسیدن به آرامش و آسایش آخرت و نگران نبودن از تهی دستی و ناداری است. البته این به هیچ وجه به معنای ترک دنیا نیست.

معیار ساده‌زیستی

در روایات دینی دربارهٔ ساده‌زیستی به طور مفصل بحث شده و پیوسته مسلمانان به زنده‌گی ساده و قناعت‌پیشه‌گی توصیه شده اند. گذشته از روایات، در آثار عالمان و دانشمندان مسلمان مباحث و مفاهیمی مانند احسان، انفاق، صدقات و خیرات، پرهیز از طمع

۱- عوالی اللئالی، ج۱ ص ۲۶۸

۲-قرآن، سوره انشقاق، آیه ۱۶

۳- تِلْكَ الدَّارُ الْآخِرَةُ نَجْعَلُهَا لِلَّذِينَ لَا يُرِيدُونَ عُلُوًّا فِي الْأَرْضِ وَلَا فَسَادًا وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ. قرآن، قصص آیه ۸۳

و حرص و تکاثر، قناعت ... با زهد و ساده‌زیستی در پیوند است که نشان‌گر اهمیت آن در جامعهٔ اسلامی است. امام علی علیه‌السلام دو نوع از زهد وساده زیستی را معرفی می کند. یکی مرتبه زاهدان و ساده‌زیستانی است که از دنیا به کمترین اندازه بسنده کرده‌اند: «**طُوبَي لِلزَّاهِدِينَ فِي الدُّنْيَا، الرَّاغِبِينَ فِي الْآخِرَةِ، أُولئِكَ قَوْمٌ اتَّخَذُوا الْأَرْضَ بِسَاطاً، وَتُرَابَهَا فِرَاشاً، وَمَاءَهَا طِيباً، وَالْقُرْآنَ شِعَاراً وَالدُّعَاءَ دِثَاراً ثُمَّ قَرَضوا الدُّنْيَاقَرْضاً عَلَي مِنْهَاجِ الْمَسِيحِ**»؛ خوشا به‌حال زاهدان در دنیا، و راغبان در آخرت، آن‌ها که زمین را فرش قرار دادند و خاک آن را بستر و آبش را عطر، و قرآن را همچون لباس زرین و دعا را همچون لباس رویین. سپس دنیا را بر روش مسیح طی کردند».[۴] خود امام علی علیه‌السلام یکی از این کسان بود.

عثمان بن حنیف والی امام علی علیه‌السلام در بصره، به دسترخوان رنگین خوانده شد و پذیرفت. امام وقتی که از مسأله آگاه شد، به عثمان نامه یی نوشت و در آن از پذیرش دعوت کسانی که: «بینوایان را از در می‌رانند و توانگران را بر سفره می‌نشانند» شگفتی اش را بیان داشت؛ وسپس به وی فرمود: «بنگر که در خانهٔ این کسان چه می‌خوری، هر چه را در حلال بودن آن تردید داری از دهان بیفکن و آنچه را که یقین‌داری که از راه حلال به دست آمده است، تناول نما». امام علی علیه‌السلام در همین نامه می‌نویسد که شما را توان آن نیست که مانند من زنده‌گی کنید، اما اصولی را یادآور می‌شود که پیروان آن حضرت باید آنها را رعایت کنند: «بدان که هر کس را امامی است که بدو اقتدا می کند و از نور دانش او فروغ می گیرد. اینک امام شما از همه دنیایش به یک جامه و از همهٔ طعام‌هایش به دو قرص نان اکتفا کرده است. البته شما را یارای آن نیست که چنین کنید؛ ولی مرا به پارسایی و مجاهدت و پاکدامنی و درستی خویش یاری دهید. به‌خدا سوگند، از دنیای شما پارهٔ زری نیندوخته‌ام و از همهٔ غنایم آن مالی ذخیره نکرده‌ام و به جای این جامه، که اینک کهنه شده است، جامه ای دیگر آماده‌نساخته‌ام ... اگر بخواهم به عسل مصفا و مغز گندم و جامه‌های ابریشمین، دست می‌یابم». اما چرا امام چنین نمی کند؟ خود می گوید: «من امروز نفس خود را به تقوا می‌پرورم تا فردا، در آن روز وحشت بزرگ، ایمن باشد و بر لبهٔ آن پرتگاه لغزنده استوار ماند. در نگاه امام او و هر رهبری باید چنان زنده‌گی کند که مردمان در گوشه و کنار کشورش می گذرانند و در سختی‌های روزگار شریک آنان باشد[۵]. حال که هرکس را یارای زیستن مانند امام نیست، چه باید کرد؟ از سخنان امام دانسته می‌شود که پارسایی، کوشش، پاکدامنی و درست کاری چهار اصل اولیه و همه‌گانی ساده‌زیستی است که هر مسلمانی باید در زنده‌گی‌اش به کار ببندد.

---

٤. نهج البلاغه، حکمت ۱۰۴ در همه جای این کتاب از ترجمه آیتی استفاده می‌شود.

٥. لي عثمان بن حنيف الاَنصاري وهو عامله على البصرة، وقد بلغه أنه دعي إلى وليمة قوم من أهلها، فمضى إليهم أَمَّا بَعْدُ، يَابْنَ حُنَيْفٍ، فَقَدْ بَلَغَني أَنَّ رَجُلاً مِنْ فِتْيَة أَ دَعَاكَ إِلي مَأْدُبَةٍ فَأَسْرَعْتَ إِلَيْهَا، تُسْتَطَابُ لَكَالْأَلْوَان و ما ظَنَنْتُ أَنَّكَ يجيب إلي قوم، عالهم مجفو و غنيهم مدعو. فَانظر إلي ما تَقْضَمُهُمِنْ هذَ الْمَقْضَمِ، فَمَا اشْتَبَهَ عَلَيْكَ عِلْمُهُ فالفظه وَمَا أَيْقَنْتَ بِطِيبِ وُجُوهِهِ فَنَلْ مِنْهُ أَلاَ وَإِنَّ لِكُلِّ مَأمُوم إِمَاماً، يَقْتَدِي بِهِ، وَيَسْتَضِيءُ بِنُورعلمه. أَلاَ وَإِنَّ إِمَامَكُمْ قَدِ اكْتَفَى مِنْ دُنْيَاهُ بِطِمْرَيْهِ طُعْمِهبِقُرْصَيْهِ أَلاَ وَإِنَّكُمْ لاَ تَقْدِرُونَ عَلَى ذلِكَ، وَلكِنْ أَعِينُوني بِوَرَعٍ وَاجْتِهَادٍ، [وَعِفَّةٍ وَسَدَادٍ]ش. فَوَاللهِ مَا كَنَزْتُ مِنْ دُنْيَاكُمْ تِبْراً وَلاَ ادَّخَرْتُ مِنْ غَنَائِمِهَا وَفْراً،وَلاأَعْدَدْتُ لِبَالِي ثَوْبِي طِمْراً. نهج البلاغه، نامه ٤

توصیه به ساده‌زیستی به معنای کناره گرفتن از کار و کوشش و آبادانی نیست؛ قرآن کریم که همه‌گان را به فراموش نکردن بهرهٔ خویش از دنیا فرا می‌خواند: «لا تنس نصیبک من الدنیا»[6]

گفته‌ها و سیرت بزرگان دینی نیز نشانگر این مطلب است. امام صادق علیه‌السلام مؤمن را کسی را می‌داند که تلاش بیشتر و مصرف کمتر می‌کند: اَلْمُؤْمِنُ حَسَنُ الْمَعُونَةِ خَفیفُ الْمُؤُونَهِ؛ مؤمن پرتلاش و کم مصرف است. این گونه زیستن از سویی باعث آبادانی و رونق داد و ستد می‌شود و از سوی دیگر زنده‌گی را بی‌دغدغه می‌سازد.



فعالیت

۱- شاگردان در گروه‌های دونفره بحث کنند که چرا نباید به زنده‌گی این جهان بسنده کرد و به آماده‌گی برای آن جهان پرداخت.

۲- مضمون آیت‌هایی را که در تبیین کشتزار بودن دنیا استفاده شده اند، از حفظ برای یکدیگر درگروه‌های سه نفره بازگو کنند.



ارزش‌یابی

۱- «دنیا کشتزار آخرت است» به چه معناست؟

۲- گزینهٔ غلط کدام است؟

الف) امام صادق علیه‌السلام مؤمن کسی را می‌داند که بیشتر مصرف و کمتر کار کند.

ب) امام صادق علیه‌السلام مؤمن کسی را می‌داند که بیشتر کار و کمتر مصرف می‌کند.

۳- امام علی علیه‌السلام کدام یک از معیارهای زیر را با معیار ساده زیستی می‌داند.

الف) پارسایی ب)کوشش ج)پاکدامنی و درست‌کاری د) همهٔ موارد



کارخانه‌گی

دربارهٔ دلیل اینکه برخی نادارند و برخی دارا، با استفاده از سخنان زیرین امام علی علیه‌السلام ۱۰ سطر بنویسید.

«خدای تعالی روزی‌ها را مقدر ساخت، بعضی را فراوان و بعضی را اندک، در کار برخی گشایش داد و بر برخی تنگ گرفت، و این تقسیم از روی عدالت‌بود. تا هر که را که بخواهد، در سختی و آسانی بیازماید و توانگر و مستمند را در شکرگزاری و شکیبایی امتحان کند...»[7]

۶- قصص /۷۷

۷- همان، خطبه ۹۱

تقوا

هدف: آشنایی با تقوا

پرسش‌ها

۱- تقوا چیست؟

۲- نقش تقوا در عمل چیست؟

تقوا در زبان عربی به معنای حفظ و نگهداری از چیزی است که بیم زیانش می‌رود و در زبان فارسی، به معنای پرهیزگاری است. شما چه فکر می‌کنید، در فرهنگ دینی چه معنایی دارد؟ نگهداری از چه چیزی و پرهیزکردن از چه چیزی؟

امام صادق علیه‌السلام تقوا یا پرهیزگاری را این‌گونه بیان نموده است: **اَنْ لا یَفْقِدَكَ اللّهُ حَیْثُ اَمَرَكَ وَ لا یَراكَ حَیْثُ نَهاكَ**؛ ترجمه: آنجا که خداوند دستور داده حاضر باشی، تو را غایب نبیند و آنجا که نهی کرده، تو را مشاهده نکند.[1] در روایتی دیگری همین سخن را به گونه دیگری فرموده است: «از سخت‌ترین چیزی که خدا بر خلقش واجب ساخته ذکر بسیار خداست، مقصود گفتن **سبحان الله و الحمدلله و لا اله الا الله و الله اکبر** نیست، اگر چه آن‌ها هم از جملهٔ ذکرها اند؛ بلکه مقصود یاد آوردن خداست در آنچه حلال و حرام فرموده که اگر طاعت خداست عمل شود و اگر معصیت است، رها شود.[2]

تقوا؛ معیار کرامت انسان

سرشت هر انسانی چنان است که در پی کمالی می‌گردد تا با داشتن آن از دیگر انسان‌ها جدا و برجسته شود و در میان همتایان خود، کرامت و شرافت ویژهٔ داشته باشد. عامه مردم این شرافت و کرامت را در دلبسته‌گی‌ها و امتیازهای دنیایی که همان وسعت معیشت و رفعت منزلت است، می‌جویند. از این رو، جایگاه انسان‌ها را ملیت، جنسیت، قبیله، نسب، پایگاه اجتماعی و اقتصادی ... تعیین می‌کنند؛ اما در فرهنگ دینی چیزی دیگری شرافت و کرامت بخش انسان می‌باشد و آن تقوا است. به گونه یی که امام علی علیه‌السلام تقوا را بالا ترین مرتبهٔ اخلاق می‌شناساند و ایمان بدون آن را سود مند نمی‌داند.[3] پرهیزگاری دست آوردی

۱- بحارالانوار، ج ۶۷، ص ۲۸۵

۲- اصول کافی، ج، ۳ ص ۱۲۷، روایت۴

۳- شرح غررالحکم، ج ۱، ص ۱۹۴ و همان، ج ۶، ص ۴۱۲

است که ثواب آخرت را در پی دارد، بی‌آنکه با وسعت معیشت و رفعت منزلت ناسازگاری داشته باشد. البته وسعت معیشت و رفعت منزلتی که از راه پرهیزگاری و تلاش به دست آمده باشد.

قرآن کریم، در بیان معیار برتری انسان نزد خداوندﷻ، نخست ریشهٔ برتری‌جویی قومی و نسبی را می‌زند و ریشهٔ یگانهٔ مردمان را، که آفریده شدن از آدم و حواباشد، به آنان یادآور می‌شود و از آن پس تأکید می‌کند که آفریدن مردمان به گونه قبیله‌ها و ملیت‌های گوناگون، نه برای فخرورزی بلکه برای شناختن و استواری پیوندها و بهبودی داد وستدهای مردمان است. در گام سوم معیار برتری انسان را پرهیزگاری می‌داند و پرهیزگارترین مردمان را گرامی‌ترین نزد خداوندﷻ می‌شناساند. «**يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُم مِّن ذَكَرٍ وَأُنثَى وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِندَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ**»[۴]:ای مردم، ما شما را از مرد و زنی آفریدیم و شما را ملت ملت و قبیله قبیله گردانیدیم تا با یکدیگر شناسایی متقابل حاصل کنید، در حقیقت، ارجمندترین شما نزد خدا پرهیزگارترین شماست، بی‌تردید خداوند دانای آگاه است.

پرهیزگاری امتیاز حقیقی است که انسان را به سعادت جاویدانه که زنده‌گی در جوار رحمت ربوبی باشد، می‌رساند. برای به دست آوردن سعادت حقیقی نه مال و جمال و نه حسب و نسب به کار می‌آید و نه تنش با دیگر انسان‌ها پیش می‌آید و نه کمبودی و جود دارد. هر کس به میزان پرهیزگاری‌اش برای آخرت و سعادت این سرا و آن سرای اش توشه برمی‌دارد. خداوندﷻ با علم به مصلحت بندگانش رستگاری آنان را در پیمودن راه تقوا قرار داده است.

داستان هابیل و قابیل

خداوندﷻ از دو پسر آدم خواست که به منظور نزدیک شدن به او قربانی کنند، هابیل که نیت خالصانه داشت، بهترین گوسفنداش را قربانی کرد و پذیرفته شد، و قابیل که نیت خالصانه نداشت، بدترین گندم‌هایش را پیشکش کرد. با نشانه‌هایی که از پیش می‌دانستند، دانسته شد که از یکی، پذیرفته شده است و از دیگری، رد شده است. قابیل که چنین دید، تاب نیاورد و بر برادر خشم گرفت و قصد جان او کرد.

قابیل: «حتماً تو را خواهم کشت»

هابیل: «خدا فقط از تقواپیشه‌گان می‌پذیرد»

۴- ترجمهٔ فارسی تفسیر المیزان، ج ۵ آیه‌های مربوط دیده شود ..قرآن، حجرات، آیه۱۳

اگر دست خود را به سوی من دراز کنی تا مرا بکشی، من دستم را به سوی تو دراز نمی-کنم تا تو را بکشم، چرا که من از خداوندﷻ پروردگار جهانیان می‌ترسم.

من می‌خواهم تو با گناه من و گناه خودت [به سوی خدا] بازگردی و در نتیجه از اهل آتش باشی و این است سزای ستمگران. پس نفس [اماره]اش او را به قتل برادرش ترغیب کرد و وی را کشت و از زیانکاران شد».[5]

مرد خداپرست که تقوا طلب کند　　　خواهی سفید جامه و خواهی سیاه باش

حافظ



فعالیت

شاگردان در گروه‌های ۳ نفری جواب سئوال‌های ذیل را بیابند.

۱- سه گام قرآن کریم برای بیان برتری انسان نزد خداوندﷻ کدام اند؟

۲- نقش تقوا را در قبولی عمل با استفاده از داستان هابیل و قابیل بیان کنید.



ارزش‌یابی

۱- کدام ترجمه درست است؟ اَنْ لا یَفْقِدَكَ اللّٰهُ حَیْثُ اَمَرَكَ وَ لا یَراكَ حَیْثُ نَهاكَ

الف) آنجا که خداوندﷻ دستور داده حاضر نباشی، تو را غایب نبیند و آنجا که نهی کرده، تو را مشاهده نکند.

ب) آنجا که خداوندﷻ دستور داده حاضر باشی، تو را غایب ببیند و آنجا که نهی کرده، تو را مشاهده نکند.

ج) آنجا که خداوندﷻ دستور داده حاضر باشی، تو را غایب نبیند و آنجا که نهی کرده، تو را مشاهده نکند.

د) هیچکدام

۲. معیار کرامت انسان نزد خداوندﷻ ... است.

الف) اخلاص　　　ب) ایمان　　　ج) یقین　　　د) تقوا



کارخانه‌گی

در باره آیه «وَاعْلَمُوا اَنَّ اللّٰهَ مَعَ الْمُتَّقِینَ»[6]؛ و بدانید که خدا با پرهیزگاران است. پنج سطر بنویسید.

۵- قرآن، مائده۲۷ - ۳۰

۶- (توبه، آیهٔ ۳۶)

صلۀ رحم

هدف: شناخت اهمیت و جایگاه صلۀ رحم

پرسش‌ها

۱- صلۀ رحم چیست؟

۲- صلۀ رحم در اسلام چه اهمیتی دارد؟

صلۀ رحم عبارت اند از: رفت‌وآمد و دوستی با خویشاوندان دور و نزدیک، که نزدیک‌ترین و استوارترین پیوند میان افراد نوع بشر است، ریشه در احساسات و عواطف انسان‌ها دارد. سرشت انسان‌ها چنان است که هر کس و هر گروه بیشتر در اندیشۀ بسته‌گان دور و نزدیک خویش اند. پیوند خویشاوندی گذشته از بنیادهای عاطفی و احساسی، بوده انسان‌ها و آن‌ها را به کمک و دستگیری یکدیگر می کشاند. اسلام صلۀ رحم را از جملۀ اصول مهم اخلاقی قرار داده است، تا آنجا که در قرآن کریم آن را در ردیف پرستش خود آورده است: **وَاعْبُدُواْ اللّهَ وَلاَ تُشْرِكُواْ بِهِ شَيْئًا وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَبِذِي الْقُرْبَى وَالْيَتَامَى وَالْمَسَاكِينِ وَالْجَارِ ذِي الْقُرْبَى وَالْجَارِ الْجُنُبِ وَالصَّاحِبِ بِالجَنبِ وَابْنِ السَّبِيلِ...**، و خدا را بپرستید و چیزی را با او شریک مگردانید و به پدر و مادر احسان کنید و دربارۀ خویشاوندان و یتیمان و مستمندان و همسایۀ خویش و همسایۀ بیگانه و همنشین و در راه مانده ... [نیکی کنید].[۱]

امام علی علیه‌السلام در نامه‌ای به فرزندش امام حسن مجتبی علیه‌السلام فرمود: «**وَأَكْرِمْ عَشِيرَتَكَ، فَإِنَّهُمْ جَنَاحُكَ الَّذِي بِهِ تَطِيرُ، وَأَصْلُكَ الَّذِي إِلَيْهِ تَصِيرُ، وَيَدُكَ الَّتي بِهَا تَصُولُ** ترجمه:عشیره‌ات را گرامی دار؛ زیرا آن‌ها پر و بال تو اند که به‌وسیله آن‌ها پرواز می کنی و اصل و ریشه تو اند که به آنها باز می گردی، و دست و نیروی تو اند که با آن به دشمن حمله می کنی.[۲]

نکوهش قطع صلۀ رحم

صلۀ رحم تنها یک توصیۀ اخلاقی نیست که هرکس آن را به جای آورد، کار نیکویی کرده باشد و ثوابی ببرد و هر کس به جای نیاورد، باکی بر او نباشد. مردم وقتی چیزی را از یکدیگر بخواهند یا یکدیگر را به کاری وادار کنند، به خداوند سوگند می‌دهند که نشان از عظمت و محبوبیت خداوند جل‌جلاله دارد.[۳] خداوند جل‌جلاله عدم رابطه با خویشان را در کنار پیمان‌شکنی و فساد در زمین قرار می‌دهد و نفرین‌اش را نثار آنان می کند: ﴿وَالَّذِينَ يَنقُضُونَ

۱- قرآن، نساء۳٦

۲- نهج البلاغه، نامه ۳۱

۳- المیزان، ج ٤ترجمه فارسي، ذیل آیه ۱

عَهْدَ اللّهِ مِن بَعْدِ مِيثَاقِهِ وَيَقْطَعُونَ مَآ أَمَرَ اللّهُ بِهِ أَن يُوصَلَ وَيُفْسِدُونَ فِي الأَرْضِ أُوْلَئِكَ لَهُمُ اللَّعْنَةُ وَلَهُمْ سُوءُ الدَّارِ ترجمه: و کسانی که پیمان خدا را پس از بستن آن می‌شکنند و آنچه را خدا به پیوستن آن فرمان داده می گسلند و در زمین فساد می کنند برای‌شان لعنت است و بد فرجامی آن سرای ایشان راست.[۴] آنچه خداوندﷻ به پیوستن آن فرمان داده، صلهٔ رحم است. به همین دلیل که مسلمانان دچار نفرین نگردند، پیامبر گرامی اسلامﷺ به نسل دورهٔ خودش و نسل‌های که تا روز قیامت به دنیا می‌آیند توصیه کرد فرمودند: «صلهٔ رحم کنند، گرچه لازمهٔ آن یک سال راه پیمودن باشد؛ زیرا صلهٔ رحم از دین است»[۵] در فقه نیز صلهٔ رحم در شمار مسایل واجب آمده است، هرچند خویشاوندان مرتد یا کافر باشند.

موارد صلهٔ رحم

مراد از رحم که صلهٔ آن واجب و قطع آن حرام است، شامل هرگونه نسبتی میان انسان‌ها می‌شود هرچند دور باشد. صلهٔ رحم به هیچ روی محدود به مورد خاصی نمی‌شود؛ بلکه از کمک جانی و مالی تا سلام کردن و آزار نرساندن را در بر می گیرد. پاره یی از روش‌ها و شیوه‌های معمول در صلهٔ رحم اینها اند:

۱- **کمک جانی:** بزرگترین و ارزشمندترین قسم صلهٔ رحم، همکاری در وقتی است که جان یکی از بسته‌گان در خطر باشد و در این مورد می‌باید تا پای جان ایستاد و در دفع خطر کوشید. پیامبر اسلامﷺ اجر چنین کسی را اجر صد شهید وعده داده است: «**مَنْ مَشي اِلي ذي قَرابَةٍ بِنَفْسِهِ وَ مالِهِ لِيَصِلَ رَحِمَهُ اَعْطاهُ اللّٰهُ عَزَّوَجَلَّ اَجْرَ مِاءَةِ شَهيدٍ**» هر کس با جان و مالش صلهٔ رحم کند، خداوند اجر صد شهید را به او می‌دهد.[۶]

۲- **کمک مالی:** اگر از خویشاوندان و بسته‌گان کسی نیازمند کمک مالی باشد و آن کس بتواند آن را برآورده سازد، بی‌درنگ باید اقدام کند. این البته نه از سر لطف و بخشش؛ بلکه حقی است که قرآن مقرر کرده است: **وَآتِ ذَا الْقُرْبَى حَقَّهُ وَالْمِسْكِينَ وَابْنَ السَّبِيلِ وَلاَ تُبَذِّرْ تَبْذِيرًا**؛ و حق خویشاوند را به او بده و مستمند و در راه‌مانده را [دستگیری کن] و اسراف مکن.[۷]

۳- **احوال پرسی:** این تصور که صلهٔ رحم تنها به کمک جانی و مالی و برای کسانی است که توان آن دو را دارند، درست نیست. هدف از صلهٔ رحم که در پیوند نگهداشتن انسان‌ها است، از راه‌های دیگر نیز برآورده می‌شود. از جملهٔ آن راه‌ها، رفتن به خانهٔ یکدیگر، احوال‌پرسی هرچند تلفنی یا نامه نگارانه و عیادت مریض است. امام علیؑ تا آن اندازهٔ به صلهٔ رحم سفارش کرد که فرمود: «**صِلُوا اَرْحامَكُمْ وَ لَوْ بِالتَّسْليمَ**»؛ با بسته‌گان خود صلهٔ رحم کنید، گرچه با سلام باشد.

۴- قرآن، رعد، ۲۵
۵- بحار ج ۷۱
۶- وسائل الشیعه ،ج۶
۷- قرآن، اسراء، ۲۶

۴- **آزار نرساندن:** اگر هیچ کاری برای خویشاوندان و بسته‌گان نتوان کرد، می‌توان از هر چیزی که به آنان آزار رساند مانند تهمت، زخم زبان، غیبت، سرزنش، عیب گویی... پرهیز کرد. امام صادق علیه‌السلام این گونه صلهٔ رحم را بهترین میداند: «**اَفْضَلُ ما تُوصَلُ بِهِ الرَّحِمُ كَفُّ الْأذي عَنْها**»؛ بهترین چیزی که به آن صلهٔ رحم می‌شود، خودداری کردن از اذیت و آزار آنان است.

در برابر صلهٔ رحم قطع رحم قرار داردکه در اسلام نکوهیده و حتا حرام است و آن هرگونه آزاررسانی با گفتار و کردار و یا دریغ کردن از هر گونه همکاری است که در توان می‌باشد.[8] مردی نزد پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وسلم آمد و گفت: ای رسول خدا من خویشاوندان و بسته‌گانی دارم که با آن‌ها هم‌خون و هم‌ریشه ام، اما مرا آزار می‌دهند؛ از این رو قصد دارم که از آن‌ها دوری کنم. پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وسلم فرمود در این صورت خداوند جل‌جلاله همهٔ شما را از خود می‌راند. آن مرد گفت چه کنم؟ پیامبر فرمود: «**تعطي من حرمك و تصل من قطعك و تعفو عمن ظلمتك، فاذا فعلت ذلك كان الله عز و جل لك عليهم ظهيرا**»؛ نسبت به آن که تو را محروم کرد و از تو دریغ می‌کند، بخشنده باش و با آن که با تو قطع رابطه کرده، رابطه بر قرار کن و آنکه به تو ظلم کرده ببخش و بدان که اگر این کار را کردی، خدای عز و جل پشتیبان تو در مقابل آنها خواهد بود.[9]



فعالیت

۱- شاگردان دو نفری با یکدیگر دربارهٔ اهمیت صلهٔ رحم بحث کنند.

۲- در گروه‌های دو نفری آیهٔ قرآن در نکوهش قطع صلهٔ رحم را بخوانید و ترجمه اش را از حفظ بگویید.



ارزش‌یابی

۱- گزینهٔ درست کدام است؟

الف) خداوند جل‌جلاله اخلاص و احسان به پدر و مادر را در ردیف پرستش خود آورده است.

ب) خداوند جل‌جلاله صلهٔ رحم و احسان به پدر و مادر را در ردیف پرستش خود آورده است.

۲. از نظر فقهی صلهٔ رحم ... است.

الف) حرام　　ب) واجب　　ج) مباح　　د) مکروه　　ه) مستحب



کارخانه‌گی

شاگردان مورد دیگری همانند مواردی که در درس آمده است، بیابند و در کتابچه‌های‌شان یادداشت نمایند.

۸- معراج السعاده، ملا احمد نراقی، مقام پنجم، صفت هفتم

۹- احیاء العلوم غزالی، کتاب الصحبه و المعاشره، به نقل از آداب اسلامی، ج ۱ چاپ سوم، قم: سازمان حوزه‌ها و مدارس علمیهٔ خارج از کشور، ۱۳۸۵ ص ۵۲



مواسات

هدف: آشنایی با مواسات

پرسش‌ها

۱- مواسات چیست؟

۲- مواسات چه اهمیتی دارد؟

از دو نکته در زنده‌گی نمی‌توان چشم پوشید:

یکی آنکه انسان‌ها در جهان همواره با چالش‌های گوناگون در زمینه‌های مختلف زنده‌گی روبرو استند. این چالش‌ها گاهی آن اندازه سهمگین و سخت است که فرد، هرچند نیرومند و کاردان باشد، به تنهایی از پس آن برآمده نمی‌تواند.

دوم آنکه در نظام آفرینش انسان‌ها، از نگاه سرمایه، وضعیت اجتماعی، هوش خدادادی، کوشش انسانی... در یک پایه نیستند؛ از این رو برای چیره شدن بر چالش‌ها و گرفتاری‌ها، انسان‌ها نیازمند کمک یکدیگرند و تنها هنگامی می‌توانند بر آن‌ها چیره شوند که از کمک به یکدیگر دریغ نکنند. کمک و همکاری، هرچند اندکش سودمند است و ثواب دارد؛ ولی باید چنان باشد که هرکس دیگری را در به دست آوردن خیر و سود و دور کردن و زدودن شر و زیان همچون خود بشناسد. در دین مقدس اسلام، چنین کاری را مواسات می‌گویند که برای چیره شدن بر چالش‌های زنده‌گی طرح گردیده است.

ارزشمندی و ارجمندی مواسات در روایات تا به آن حد است که پیامبر گرامی اسلام آن را در ردیف انصاف و یاد خدا قرار داد و فرمود: «**يا عَلِي، سَيِّدُ الْأعْمالِ ثَلا ثُ خِصالٍ: إنْصافُكَ النّاسَ مِنْ نَفْسِكَ، وَ مُواساتُكَ الْأخَ فِي اللّٰهِ عَزَّوَجَلَّ وَ ذِكْرُكَ اللّٰهَ تَعالي عَلي كُلِّ حالٍ**»؛ ای علی! سرور کارها سه چیز است: انصاف داشتن با مردم از جانب خود، مواسات با برادر دینی در راه خدای بزرگ و یاد خدای تعالی در هر حال[1].

مواسات، ویژه‌گی مؤمن واقعی

هر عمل و باوری با جایگاهی که برای آن در نظر گرفته شده است، سنجیده می‌شود و ابزار سنجش، نشانه‌های آن عمل و باور است. در دین مقدس اسلام اگر کسی هر دو شهادت، شهادت به یگانه‌گی و بی‌مانندی خداوند جل جلاله و پیامبری حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه و آله و سلم را بر

۱- بحار الانوار، ج ۷۱، ص ۳۹۲

زبان جاری کند، مسلمان خوانده می‌شود؛ ولی افزون بر ادای شهادتین و باور قلبی، مسلمانان و مؤمنان باید یک سلسله از اعمال را به جا بیاورند تا مسلمان و مؤمن واقعی و بندهٔ حقیقی خداوند‌جل‌جلاله شوند. از شمار آن اعمال نماز، روزه، زکات، ... است. امام موسی کاظم‌علیه‌السلام یکی از نشانه‌های شناخت شیعیانش را در پهلوی خواندن نماز به وقت، دادن زکات، امر به معروف ونهی از منکر، مواسات می‌داند: «**یعرفون... بِالْمُحافَظَةِ عَلي اَوْقاتِ الصَّلاةِ وَ ایتاءِ الزَّکاةِ وَ مُواساةِ الْاِخْوانِ وَ الْاَمْرِ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّهْيِ عَنِ الْمُنْکَرِ**»؛ شیعیان ما، با مراعات وقت نماز، دادن زکات، مواسات با برادران، امر به معروف و نهی از منکر شناخته می‌شوند[۲]. این امر از سویی نشان می‌دهد که مواسات امر مهمی در دین اسلام می‌باشد که در کنار نماز، زکات، امر به معروف و نهی از منکر قرار گرفته است. از سوی دیگر خصلتی است در درون و دل انسان‌ها که بدون هر گونه جبر اجتماعی و مجازات شرعی و تنها برای رضایت خداوند‌جل‌جلاله و از روی انسان دوستی صورت می گیرد و امتیاز آن هم در همین است به همین دلیل مواسات‌کنندگان کمیابند و به بیان امام صادق‌علیه‌السلام کبریت احمرند.

گونه‌های مواسات

انسان‌ها در زنده‌گی‌شان پیوسته با چالش‌هایی روبرو می‌شوند که زدودن آن‌ها تنها با کمک مالی پاک شدنی نیست؛ بلکه کمک جانی را نیز می‌طلبد. از این رو مواسات نیز دو گونه است.یکی مالی؛ دیگری جانی.

الف) مواسات جانی: در این گونه مواسات انسان برای کمک به دیگران حتی از جانش در می گذرد و همهٔ دل بسته گی‌های مادی و دنیایی‌اش را کنار می گذارد. نمونهٔ برجستهٔ کسی که با جانش مواسات کرد، امام علی است. در غزوهٔ احد هنگامی که کارزار سخت شد، دیگر مسلمانان از کنار پیامبر‌صلی‌الله‌علیه‌وآله پراکنده شدند و آن حضرت یک تنه با دشمنانش می‌رزمید. تنها علی‌علیه‌السلام پیشاپیش پیامبر‌صلی‌الله‌علیه‌وآله به جنگ می‌پرداخت و لحظهٔ از آن حضرت غافل نمی‌شد، تا آنکه سر و روی و بدن اش هفتاد زخم برداشت. پیامبر‌صلی‌الله‌علیه‌وآله به علی گفت:ای علی ستایشت را از آسمان می‌شنوی؟ فرشته یی که نام او رضوان است در میان فرشتگان آواز سر می‌دهد که «لاسیف الا ذوالفقار و لا فتئ الا علی»؛ شمشیری جز ذوالفقار نیست و جوانی جز علی.[۳]

ب) مواسات مالی: بخشش دارایی در راه خدا و کمک به دیگران گونهٔ دیگری از مواسات است که در جای خود ارج و ارزش بسیاری دارد. امام صادق‌علیه‌السلام مواسات را در کنار نصیحت و باز داشتن دشمن، از حقوق مؤمنان بر یکدیگر شمرده است: «**اِنَّما المؤمن اخو**

۲- وسائل الشیعه، شیخ حر عاملی، آل البیت، قم، ۱۴۰۹، ج ۵ ص۸۳
۳- ارشاد القلوب، حسن بن الی الحسن دیلمی، ج ۲، ص ۲۴۳، شریف رضی، قم، ۱۴۱۲

المؤمن یحق علیه نصیحته و مواساته و منع عدوه منه»؛ مؤمن برادر مؤمن است، بر او حق نصیحت، مواسات و باز داشتن دشمن دارد.[4]

از بیشی و کمی جهان تنگ مکن دل   با دهر مدارا کن و با خلق مواسات

حکیم ناصر خسرو



فعالیت

شاگردان در گروه‌های ۳ نفری پاسخ سؤالات ذیل را پیدا نمایند.

۱– چرا انسان‌ها باید به یکدیگر مواسات کنند؟ دو دلیل را بگویید.

۲– مواسات چند گونه است؟ بهترین نوع آن کدام است؟



ارزش‌یابی

پیامبر ﷺ: سرور اعمال ... است. گزینهٔ درست را مشخص کنید.

الف) انصاف با مردم   ب) یاد خدا   ج) مواسات   د) هیچکدام   ه) هر سه

۱– این جملهٔ «شمشیری جز ذوالفقار نیست و جوانی جز علی» در کدام جنگ دربارهٔ حضرت علی علیه‌السلام گفته شده است؟

الف) تبوک   ب) خندق   ج) احد   د) خیبر



کارخانه‌گی

دربارهٔ این حدیث از امام علی علیه‌السلام: «ما حَفِظَتِ الْأُخُوَّةَ بِمِثْلِ الْمُو اساةِ»[5]؛ چیزی مانند مواسات، برادری را حفظ نمی‌کند؛ پنج سطر بنویسید.

۴. محدث نوری، مستدرک الوسائل، ج ۹، ص۴۲، مؤسسه آل البیت، قم، ۱۴۰۸

۵. غررالحکم و دررالکلم، شمارهٔ ۹۵۲۶

ایثار

هدف: آشنایی با فضیلت ایثار

پرسش‌ها

۱- ایثار چیست؟
۲- پیامدهای ایثار کدام اند؟

در زنده گی اجتماعی، پیوسته انسان‌ها نیازمند یکدیگر می گردند. این نیازمندی گاهی به دلیل کمبودی اشیای مورد ضرورت می‌باشد، در چنین موردی کسی که نیاز شدید به چیزی دارد ولی به دیگری ببخشد ایثار کرده و دیگری را بر خود مقدم داشته است.

ایثار ابعاد گوناگون دارد. گاهی بعد مالی دارد که انسان، مالی را با وجود نیازمندی خودش، به دیگری می‌بخشد و خواست او را بر خواست خود مقدم می‌دارد و گاهی بعد جانی دارد که کسی به جای دیگری و یا با پیشی گرفتن از دیگری، جان خویش را فـــدا می کند.

چرا ایثار؟

انسان در زنده گی گاهی با گره‌هایی روبه‌رو می‌شود که گشودن آن ها، تنها با ایثار شدنی است. جای سبک و سنگین کردن و سنجش سود و زیان نیست؛ بلکه تنها و تنها باید دست به کار برد و آنچه را که شایستهٔ چنان وضعیت و موقعیت است، باید کرد. ایثار افزون بر آنکه به کار عمارت آن سرا می آید، به کار این سرا نیز می آید. از آن میان از سخنان امام علی علیه‌السلام اثرهای زیر را می‌توان برشمرد:

آشکار شدن گوهر انسان‌ها

در هنگامه‌های سخت، حادثه‌های پیش‌بینی‌ناپذیر، لغزشگاه‌ها و در خطر بودن منفعت‌های شخصی؛ گوهر راستین، کرامت، پاکیزه گی و جان نثاری انسان‌ها آشکار می‌شود: «**عِنْدَ الاْیثار عَلَي النَّفْسِ تَتَبَیَّنُ جَو اهِرُ الْكُرَماءِ**»؛ هنگام ایثار، گوهرهای نیکان آشکار می‌شود.

سروری و سرفرازی

مردمان هنگامی که ایثار جانی و مالی کسی را ببینند و بدانند که تنها در پی سود شخصی

خود نیست؛ بلکه در هنگامه‌های شور و شر از خرج مالش و از کف دادن جانش دریـــغ نمی کند، شیفته و پیرو وی می‌شوند. پیشوای مؤمنان علی علیه‌السلام ایثار را برترین نیایش و بزرگ‌ترین سروری خوانده[1] و فرماندهی را در گرو ایثارگری می‌داند: «**بالْاٰيثارِ عَلي نَفْسِكَ تَمْلِكُ الرِّقابَ**»؛ باایثار (و مقدم داشتن دیگران) بر خود، مالک گردن‌ها (فرمانده و سرور) می‌شوی[2].

امام علی علیه‌السلام؛ ایثارگر نمونه

در سال سیزدهم بعد از بعثت که قریشیان بر پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله سخت گرفتند و آن حضرت ناگزیر به مدینه هجرت کند، قریشیان برنامه کردند که شب‌هنگام بر خانهٔ پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله یورش ببرند و حضرت را بکشند و بدین سان چیزی از اسلام نگذارند. اما حضرت علی علیه‌السلام به‌جای پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله در بستر آن‌حضرت خوابید و پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله راهی مدینه شد. آنان وقتی آمدند جامه از روی فرد خفته در بستر برگرفتند و به ناگاه با علی مواجه شدند و در یافتند که پیامبر هجرت کرده است. حضرت علی علیه‌السلام در حالی در بستر پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله خوابید که احتمال زیاد میرفت که قریشیان بدون برداشتن جامه بر او حمله کنند و او را به قتل برسانند با آن حال حضرت علی علیه‌السلام در بستر خوابید و ایثار کرد. قرآن کریم این ایثار و از جان گذری علی علیه‌السلام را به نیکویی یاد کرده است: «**وَمِنَ النَّاسِ مَن يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاء مَرْضَاتِ اللّهِ وَاللّهُ رَؤُوفٌ بِالْعِبَادِ**: و از میان مردم کسی است که جان خود را برای طلب خشنودی خدا می‌فروشد و خدا نسبت به [این] بنده‌گان مهربان است.»[3]

ایثار مالی انصار

در میان مسلمانان نخستین،تنها چند تن نبوده اند که ایثار جانی یا مالی کرده اند. ایثار جانی امام علی علیه‌السلام که بیان شد، برجسته‌ترین نمونهٔ ایثار جانی است. ایثار مسلمانان انصار به گونهٔ گروهی، نمونهٔ ایثار مالی جمعی است. وقتی مسلمانان بر فیء بنی نضیر دست یافتند، پیامبر آن را میان مهاجران که شاید نیازمندی شدیدتری داشتند بخش کرد و چیزی به انصار داده نشد، آن‌ها نه تنها دست به کاری نزدند و گله و شکوه سرندادند؛ بلکه حتی در دل نیز حسد نورزیدند و دل تنگ نشدند و بدین سان، مهاجران را بر خودشان مقدم داشتند. قرآن کریم ایثار مالی انصار را چنین ستوده است: «**وَالَّذِينَ تَبَوَّؤُوا الدَّارَ وَالْإِيمَانَ مِن قَبْلِهِمْ يُحِبُّونَ مَنْ هَاجَرَ إِلَيْهِمْ وَلَا يَجِدُونَ فِي صُدُورِهِمْ حَاجَةً مِّمَّا أُوتُوا وَيُؤْثِرُونَ عَلَي أَنفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ**

۱- غررالحکم، عبد الواحد آمدی، دفتر تبلیغات، قم، ۱۳۶۶سخن ۹۱۶۲
۲- همان، سخن ۹۱۷۰
۳- قرآن، بقره، آیهٔ ۲۰۷

خَصَاصَةٌ وَمَن يُوقَ شُحَّ نَفْسِهِ فَأُوْلَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ؛ و [نیز] کسانی که قبل از [مهاجران] در [مدینه] جای گرفته و ایمان آورده‌اند، هر کس را که به سوی آنان کوچ کرده، دوست دارند و نسبت به آنچه به ایشان داده شده است، در دل‌های‌شان حسدی نمی‌یابند و هرچند در خودشان احتیاجی [مبرم] باشد، آن‌ها را بر خودشان مقدم می‌دارند و هر کس از خست نفس خود مصون ماند ایشانند که رستگارانند»[۴]

فعالیت

شاگردان دربارهٔ سؤال ذیل دونفری گفتگو نمایند.

۱- ایثار چیست؟ ابعاد گوناگون آن را به تفصیل بیان کنید.

۲- دانش آموزان از ایثار و ایثارگریی که اطلاع دارند، یکدیگر را آگاه کنند.

ارزش‌یابی

۱- گزینهٔ درست را انتخاب کنید

الف) ایثار آن است که کسی مالی را که نیاز دارد، با دیگری نصف کند.

ب) ایثار آن است که کسی با وجود نیاز به مالی، آن را به دیگری ببخشد.

ج) ایثار آن است که کسی با وجود نیاز به مالی، آن را به دیگری ببخشد و یا آنکه به جای و برای دیگری جانش را قربان کند.

۲. آیهٔ «**وَمِنَ النَّاسِ مَن يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاء مَرْضَاتِ اللّهِ وَاللّهُ رَؤُوفٌ بِالْعِبَادِ**» دربارهٔ کدام صحابه نازل شده است:

الف) عمار یاسر ☐ ب) مقداد ☐ ج) سلمان ☐ د) علی ☐

۴- قرآن، حشر، آیهٔ ۹

شورا

هدف: آشنایی با شورا و جایگاه آن در اسلام

پرسش‌ها

۱- شورا چیست؟

۲- کارکردهای شورا چیست؟

کردار، گفتار و پندار انسان بیشتر بر دانش، تجربه و هوشمندی‌اش بنیاد می‌شود. هر اندازه دانش، تجربه و هوشمندی انسان‌ها افزون‌تر باشد تصمیم‌ها و کارکردهای‌شان استوارتر و درست‌تر است. اما بدبختانه انسان‌ها توانایی آموختن و اندوختن همه و هرگونه دانشی را ندارند. از این رو علم‌شان در برابر جهل‌شان، مانند قطره در برابر دریا است. عمرشان نیز آن اندازه وفا نمی‌کند که هر چیزی را تجربه کنند. گذشته از آن، اگر هرکس هر چیزی را خودش تجربه می‌کرد زنده‌گی یک‌نواخت می‌شد و مفهوم پیشرفت و تکامل دیگر در اندیشهٔ انسان‌ها از بیخ و بن وجود نمی‌داشت. هوشمندی انسان‌ها هم به یک اندازه و در یک زمینه نیست؛ کسانی در زمینه یی هوشمندی خاصی دارند و کسانی دیگر در دیگر زمینه‌ها.

آیا راهی وجود دارد که انسان‌ها بتوانند بر کمی دانش، تجربه و هوش‌شان فایق آیند و تصمیم‌های درست بگیرند و کارهای خویش را بر پایه‌های استوارتری بنیاد کنند؟ بلی، این نقیصه را با شورا و مشورت می‌توان زدود.

شورا و مشورت به معنای رایزنی کردن و از رأی و نظر یکدیگر بهره مند شدن و در نتیجه بر گزیدن رأی صواب از میان رأی‌ها است. امام علی علیه‌السلام در همین زمینه می‌فرماید: «هرکس با دیگران مشورت کند، در عقل آن‌ها شرکت کرده است»[1].

مشورت ادراک و هشیاری دهد　　عقل‌ها مر عقل را یاری دهد

«مولانا»

هر که بی‌مشورت کنــد تدبیر　　غالبش بر هدف نیاید تیــر

«سعدی»

شورا دو مفهوم دارد. در مفهوم خاص، شورا پیمانی است که گروهی میان خویش می‌بندند و یا آنکه بر کاری توافق می‌کنند و جنبهٔ الزامی دارد.

۱. نهج البلاغه، کلمات قصار شماره ۱۵۲

در مفهوم عام شورا هرگونه هم‌فکری و نظردهی را می‌رساند و می‌تواند جنبهٔ الزامی نداشته باشد.

گونه‌های شورا و مشورت

گسترهٔ قلمرو شورا و مشورت، **ابعاد** گوناگون زنده‌گی انسان‌ها را در بر می‌گیرد. از این رو شورا و مشورت نمونه‌های گوناگون می‌تواند داشته باشد. در اینجا به دو گونهٔ آن که در تقسیم‌بندی عام به دست می‌آید، اشاره می‌شود.

الف) مشورت در امور فردی: این‌گونه مشورت در زمینهٔ امور شخصی صورت می‌گیرد و جنبه الزامی ندارد.

ب) مشورت در امور جمعی و دولتی: این‌گونه مشورت در زمینهٔ امور مربوط به زنده‌گی جمعی صورت می‌گیرد و گاهی به نوعی قرارداد اجتماعی می‌انجامد که برآیند آن تشکیل دولت است.

امرهم شوری بـــرای این بـود | کــز تشاور سهو و کژ کمتـــر رود
این خردها چون مصابیح انور است | بیست مصباح از یکی روشن‌تر است

پیامبر ﷺ مشورت‌گر نمونه

پیامبر اسلام ﷺ در کارهایی که از سوی خداوند ﷻ وحی نشده و کار به مسلمانان واگذار شده بود، با آن‌ها مشورت می‌کرد و نظرشان را بر نظر خویش مقدم می‌داشت. در جنگ احد، پیامبر ﷺ با تشکیل شورایی دربارهٔ اینکه برای جنگ از مدینه بیرون شوند یا در خود شهر سنگر بگیرند؛ به رأیزنی پرداخت. نظر پیامبر ﷺ و شماری دیگر بر آن بود که در مدینه سنگر بگیرند. اما یاران جوان گفتند: یا رسول الله ما پیرو شما هستیم؛ ولی چون شما از ما نظر خواستید، ما بر آنیم که برای جنگ باید از شهر بیرون شد. رسول خدا نظر آنان را پذیرفت و در بیرون شهر آهنگ جنگ کرد. مسلمانان در این جنگ که با عمل به نظر اصحاب انجام شد، شکست سختی را پذیرا گشتند و شماری از آنان شهید شدند و شماری نیز از کارزار گریختند. گریخته‌گان شکست را ناشی از فرار خویش می‌دانستند و افسرده‌خاطر پیرامون پیامبر ﷺ را گرفتند و پوزش خواستند که آیهٔ زیر نازل شد و بازهم پیامبر ﷺ را به مشورت با آنان فرمان داد: «**فَبِمَا رَحْمَةٍ مِّنَ اللّٰهِ لِنتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانفَضُّواْ مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَشَاوِرْهُمْ فِي الأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَي اللّٰهِ إِنَّ اللّٰهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ**؛ پس به [برکت] رحمت الهی با آنان نرم خو [و پرمهر] شدی و اگر تندخو و سخت‌دل بودی، قطعاً از پیرامون تو پراکنده می‌شدند. پس از آنان درگذر و برای‌شان آمرزش بخواه و در کار[ها] با آنان مشورت

کن و چون تصمیم گرفتی، بر خدا توکل کن؛ زیرا خداوند توکل‌کننده‌گان را دوست می‌دارد»[۲]

پیام‌های اساسی آیه در خطاب به پیامبر ﷺ این است:

الف - مهربانی و نرم‌خویی تو با مردم رحمت خداوندی است؛

ب- اگر با مردم تندخویی کنی و سخت بگیری، از تو دوری می گزینند؛

ج- از گناه کسانی که از جنگ گریخته اند و به تو ستم روا داشته اند، درگذر و برای آنان آمرزش بخواه؛

د- با آنکه مشورت با آنان در جنگ احد به شکست انجامیده است، باز در کارها با آنان مشورت کن؛

هـ- وقتی تصمیم گرفتی، بر خداوند ﷻ توکل کن و قاطعانه تصمیم ات را پیش ببر.

گفت پیغمبر بکن‌ای رأی زن مشورت کالمستشار مؤتمن

«مولوی»



فعالیت

۱- در گروه‌های دو نفری تقسیم شوید و در بارهٔ این که چرا ناگزیر به مشورت استیم گفتگو کنید.

۲- چند کار را نام ببرید که در شهر یا روستای شما با شورای مردمی حل شده است.



ارزش‌یابی

۱- گزینهٔ درست کدام است؟

الف) نتیجهٔ شورا مشورت است ب) نتیجهٔ شورا بهره مند شدن از رأی و نظر همدیگر است

ج) نتیجهٔ شورا برگزیدن رأی صواب است د) هر سه درست است

۲- شورا از نظر اسلام چه جایگاهی دارد؟



کارخانه‌گی

شعرهایی را که در درس آمده است، حفظ کنید.

۲. قرآن، آل عمران/ ۱۵۹

مساوات اجتماعی

هدف: آشنایی با ابعاد گوناگون مساوات اجتماعی

پرسش‌ها

۱– مساوات اجتماعی چیست؟

۲– ابعاد مساوات کدام اند؟

مساوات اجتماعی همان چیزی است که پیامبران و مصلحان برای آن آمده اند و انقلاب‌ها و جنبش‌های اجتماعی از بهر آن صورت می گیرد. چه چیزهایی دستاویز نابرابری می‌شود و دین اسلام کدام را نفی کرده است؟ در سیرهٔ پیشوایان دینی کدام ابعاد مساوات بر جسته شده است؟

تساوی در آفرینش، کرامت و خلافت

در قرآن به انسان‌ها از سه نگاه اهمیت داده شده اند که در هر سه نگاه عین هم هستند:

الف) تساوی: انسان‌ها در آفرینش نه تنها مساوی بلکه یگانه اند: «ای مردم ما شما را از مرد و زنی آفریدیم و شما را ملت ملت و قبیله قبیله گردانیدیم چرا؟ تا با یکدیگر شناسایی متقابل حاصل کنید»[۱]. آیت به طور مطلق هرگونه تفاوت و برتری نَسَبی‌را رد می کند. وقتی برتری‌خواهی و تفاوت در نسب که نیرومندترین و نامدارترین برتری‌خواهی و تفاوت است، رد می‌شود، دیگر جایی برای برتری‌خواهی و امتیاز داشتن از نگاه مال و جاه و رنگ و هر چیزی دیگری که مایهٔ فخرورزی شود نمی‌ماند؛ چون ریشه و شیوهٔ آفریدن و زادن همهٔ انسان‌ها یکی است؛ آفریده شدن از یک زن و مرد، و زاده شدن از یک مرد و زن.

ب) کرامت: انسان از آن جهت که انسان است بدون هرگونه تبعیض و تمایزی در نظر نظر داشت پایگاه اجتماعی و سرمایه اقتصادی کرامت دارد: «و به راستی ما فرزندان آدم را گرامی داشتیم، و آنان را در خشکی و دریا [بر مرکبها] برنشاندیم، و از چیزهای پاکیزه به ایشان روزی دادیم، و آن‌ها را بر بسیاری از آفریده‌های خود برتری آشکار دادیم.»[۲]

ج) خلیفه خداوند ﷻ در زمین: در قرآن کریم خداوندﷻ انسان را جانشین خویش می‌خواند، نه انسان موصوف به کدام صفتی و یا مقید به قیدی را: «من در زمین جانشینی خواهم گماشت» [۳] و نیز «او شما را از زمین پدید آورد و در آن شما را استقرار داد»[۴]. و همچنین «و آنگاه ما شما را پس از آنان در زمین جانشین قرار دادیم تا بنگریم که چگونه رفتار می کنید»[۵]. جانشینی

۱– قرآن، حجرات، آیه ۱۳

۲– همان، اسراء، آیه ۷۰

۳– همان، بقره، آیه ۳۰

۴– همان، هود، آیه ۶۱

۵– همان، یونس، آیه ۱۴

خداوند؛ آبادی زمین، برپایی عمران و تمدن در آن، شناخت زمین و آنچه را در آن است می‌طلبد.

اختلاف در زبان و رنگ

قرآن پس از آنکه تساوی در آفرینش، کرامت و خلافت انسان‌ها را باز می‌گوید، ریشهٔ اختلاف‌های انسان‌ها؛ یعنی زبان و زاد گاه و رنگ ... را که می‌تواند منشای نابرابری گردد، یادآور شده و همه را خواست خداوند ﷻ دانسته و چون انتخاب و داشتن آن‌ها به اختیار انسان‌ها نبوده است، مسؤول هم نیستند. از این روی نابرابری با دستاویز قراردادن زبان و زادگاه و رنگ، یک نوع سرکشی و جنگ با خواست خداوند ﷻ محسوب می‌شود. قرآن کریم وقتی به گوناگونی و اختلاف انسان‌ها می‌پردازد، تساوی و عدم برتری گروهی بر گروه دیگر را نشان می‌دهد. سرشت آفرینش انسان‌ها اختلاف در رنگ، جنسیت، نژاد، زبان، ملت ها، امت‌ها ... است: ترجمه: چنانچه خداوند در کلام خود می‌فرماید. «و از نشانه‌های [قدرت] او آفرینش آسمانها و زمین و اختلاف زبان‌های شما و رنگ‌های شماست به صورت قطعی در این [امر نیز] برای دانشوران نشانه‌هایی است»[6]

همین نگاه قرآنی در گفتار و رفتار پیشوایان دینی بازتاب یافته است. پیامبر اکرم ﷺ فرمود: «مردمان برابرند مانند دندانه‌های شانه»[7] و نیز امام علی علیه السلام در نامه‌اش به مالک اشتر نوشت: «مهربانی به رعیت و دوست داشتن آن‌ها و لطف در حق ایشان را شعار دل خود ساز. و مانند حیوانی درنده مباش که خوردن‌شان را غنیمت‌شماری، زیرا آنان دو گروه اند یا هم‌کیشان تو هستند یا همانندان تو در آفرینش.»[8] آیت‌ها و روایت‌های این چنینی هرگونه نابرابری را از بیخ و بن رد می‌کند.

انسان‌ها؛ تساوی در برابر قانون و بهره‌مندی از فرصت‌ها

مساوات اجتماعی یا عدم نابرابری را می‌توان در دو زمینهٔ مهم زیر نشان داد:

الف) تساوی در برابر قانون: شامل شدن و تطبیق کردن همهٔ قانون‌های کشور بر همه باشندگان آن، به گونه‌ای که برای هیچ کس و هیچ طبقه یی، از هر نژاد و جنس و دارندهٔ یی عقیده و نسبی که باشد قانون خاصی برایشان وجود نداشته و نیز هیچ کس و هیچ طبقه‌ای از تطبیق شدن قانون بر او استثنا نباشد. به عبارت دیگر حقوق و تکالیف همه‌گان باید یکسان باشد و این شامل تساوی در اشغال وظایف دولتی، پرداخت مالیات، مساوات مدنی و مساوات سیاسی ... می‌شود. امام علی علیه السلام به مالک اشتر فرمود: «با ایشان[مردم] فروتن باش و نرم‌خوی و گشاده‌رو، همه را یکسان بنگر. اگر یکی را به گوشهٔ چشم نگریستی، به دیگری رو در رو نگاه مکن تا بزرگان از تو نخواهند که بر ناتوانان ستم کنی و ناتوانان از عدالت تو نومید نشوند. خداوند تعالی، شما بنده‌گانش را از اعمال‌تان می‌پرسد، چه خورد باشد و چه کلان، چه آشکار و چه

۶- همان، روم، آیهٔ ۲۲

۷- عابد جابری، محمد، «حقوق الانسان فی القرآن و الحدیث» در حقوق الانسان فی والوطن العربی، بیروت: مرکز دراسات الوحده العربیه، ۲۰۰۲، ص ۵۸ به بعد

۸- نهج البلاغه، نامهٔ ۵۳

پنهان؛ پس اگر عذاب کند از ستمکاری شماست و اگر ببخشاید از بزرگواری اوست.»[9]

ب) تساوی در بهره‌مندی از فرصت‌های یکسان: همه اعضای یک جامعه و شهروندان یک کشور از آنجا که حقوق و تکالیف یکسان دارند؛ می‌باید از فرصت‌های نه یکسان آموزشی، بهداشتی، ساخت‌وساز، کارهای اقتصادی، فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی ...بهره‌مند باشند. بهره‌مندی یکسان از فرصت‌ها نه البته که برخورداری یکسان و داشتن سود و سرمایهٔ برابر برای همه‌گان را در پی نخواهد داشت. زیرا بخشش خدایی و کوشش بشری انسان‌ها متفاوت است. از این روی تفاوت‌ها نتیجهٔ کوشش فردی و نیروی به کار رفته می‌شود نه نابرابری، محروم‌سازی و امتیازدهی. اگر همه‌گان در استفاده از همه فرصت‌های آموزشی و بهداشتی، اقتصادی و مشارکت در امور سیاسی و اجتماعی یکسان باشند، دیده می‌شود که میزان درآمد و کیفیت بهره‌مندی آموزشی و پایگاه اجتماعی به سبب توانمندی‌ها و نیروهای فزیکی، فکری و کوشش انسانی متفاوت است. بدین‌سان، برابری در داشتن فرصت‌های یکسان، ناگزیر برابری در امور مالی و اجتماعی مردم را در بر نخواهد داشت؛ زیرا نیروهای موروثی، ذاتی و اکتسابی آنان متفاوت است. امام علی علیه‌السلام فرمود: «و بپرهیز از اینکه به خود اختصاص دهی چیزی را که همه‌گان را در آن حقی است یا خود را به نادانی زنی در آنچه توجه تو به آن ضروری است و همه از آن آگاه‌اند، زیرا به‌زودی آن را از تو می‌ستانند و به دیگری می‌دهند. زود است که حجاب از برابر دیده‌گانت برداشته خواهد شد و بینی که داد مظلومان را از تو می‌ستانند»[10]



فعالیت

۱- دربارهٔ تساوی انسان‌ها از نگاه آفرینش، کرامت و جانشینی خداوند جل جلاله در زمین در گروه‌های سه نفره بحث کنید.

۲- مساوات اجتماعی یعنی چه؟ زمینه‌های آن کدام‌ها اند؟ موردهای مشخصی را در گروه‌ها پیدا نموده و نشان دهید که با مساوات اجتماعی ناسازگار است و نظر استاد را بپرسید.



ارزش‌یابی

۱- اختلاف در زبان، نَسَب و رنگ سبب برتری انسان‌ها می‌شود یا خیر؟

۲- انسان‌ها چرا در برابر قانون مساوی اند؟



کارخانه‌گی

چند نمونه را که در جامعه به عنوان عدم تساوی و بی‌عدالتی یاد می‌شود، نام ببرید و بگویید چرا بی‌عدالتی است و همه در آن‌ها مساوی نیستند.

۹- نهج البلاغه، نامه ۲۷

۱۰- همان، نامه ۵۳

مهربانی و دگردوستی(۱)

هدف: شناخت رأفت و مهربانی و اهمیت آن در زنده گی

پرسش‌ها

۱- مهربانی چیست؟

۲- نقش مهربانی در زنده گی چیست؟

خواسته‌ای حیوانی و انسانی

خواسته‌ها و تمایلاتی را که خدای حکیم در نهاد انسان به امانت نهاده، می‌توان به دو گروه حیوانی و انسانی تقسیم کرد. تمایلات حیوانی، خواسته‌هایی هستند که انسان و حیوان در آن مشترک اند، به این معنا که هم حیوان این خواسته‌ها را داراست و هم انسان از این خواست‌ها برخوردار است. میل به آب و غذا، علاقه به خواب و آسایش، برتری‌جویی و جاه‌طلبی از برجسته‌ترین نمودهای غرایز و تمایلات حیوانی هستند.

این تمایلات هرچند از ضروریات زنده گی انسان در این جهان اند و اگر یکی از آن‌ها در کسی نباشد، یکی از پایه‌های اساسی زنده گی در او نخواهد بود؛ لیکن هیچ یک از این موارد فضیلت برای انسان محسوب نمی‌شود. برای مثال: انسان برای ادامهٔ زنده گی، احتیاج به خوردن و آشامیدن دارد، برای رفع خسته گی نیازمند خواب و استراحت است؛ اما هیچ کدام از این‌ها ملاک فضیلت و بزرگواری او نیست و انسانیت انسان به این عوامل بسته گی ندارد.

در کنار خواسته‌های حیوانی، تمایلات عالی انسانی نیز وجود دارد که از آن به فضایل تعبیر می‌کنند. این فضایل هرچه بیشتر در انسان شکوفا شود، ارزش و عظمت انسان افزایش خواهد یافت؛ چنین تمایلاتی بر محور توجه به خود و تأمین نیازها و منافع فردی نمی‌چرخد؛ بلکه تمایل به حفظ و بقای زنده گی جمعی و توجّه به غیر و دیگرگرایی آنها به‌خوبی‌مشهود است. وفای به عهد، عدالت و انصاف، نیکی و احسان، عفو و گذشت، ایثار و فداکاری، دلسوزی و غمگساری و... نمونه‌هایی از این فضایل اند. مهربانی و دگردوستی نیز از جملهٔ آن هاست.

مهربانی چیست؟

مهرورزی به دیگران نه تنها یکی از معیارهای بزرگواری و ارزش آدمی است؛ بلکه خود سرچشمهٔ بسیاری از فضایل دیگر است؛ زیرا با تضعیف خواسته‌های فردی و حیوانی، زمینه

را برای گرایش آدمی به ارزش‌های والای انسانی فراهم می‌سازد. چه اینکه اغلب ارزش‌های پیش گفته همچون نیکو کاری، دلسوزی و ایثار، ریشه در عطوفت و مهربانی دارند. در همهٔ این موارد، انسان برخلاف اقتضای خودخواهی‌اش، قدم از دایرهٔ خود بیرون نهاده و گامی به سوی غیر برمی‌دارد و با مقدّم داشتن دیگران بر خود و در دل گرفتن مهر و علاقهٔ او، از فردیّت خویش خارج می‌شود. در نتیجه دیگردوستی و مهربانی، شریک ساختن دیگران از نظر احساسی و رفتاری است.

جایگاه مهربانی در اسلام

از دید گاه اسلام، مهربانی و محبّت در حقیقت مایهٔ قوام و برپایی جامعهٔ انسانی است. نبود مهربانی در بین افراد، نظام اجتماع بشری را متلاشی می کند و زیبایی‌های زنده گی را به کام انسان تلخ و بی‌معنا می‌سازد.

خداوندی که انسان را برای زنده گی اجتماعی آفریده، احساس نیاز به این پیوند و رابطهٔ ضروری را نیز در نهاد او به امانت نهاده است. خدای متعال خود رحمان، رحیم[1]، ودود[2]، رؤوف و عطوف[3] است و این ویژه گی‌ها را در سرشت بنده گانش نیز قرار داده است.

خدای مهربان، بنده گانش را به مهربانی و مهرورزی تشویق می کند و مهرورزان را جزو اصحاب میمنه[4] معرفی کرده و می‌فرماید: «**ثُمَّ كانَ مِنَ الَّذينَ آمَنوُا وَ تَواصَوْا بِالصَّبْرِ وَ تَواصَوْا بِالْمَرْحَمَةِ اُولئِكَ اَصحابُ الْمَيْمَنَةِ**؛ سپس از کسانی بائید که ایمان آورده و یکدیگر را به صبر و استقامت و مهربانی و عطوفت توصیه می کنند. اینان اصحاب یمین هستند.»[5] در آیهٔ مبارکه، یکی از ویژه گی‌های اصحاب میمنه سفارش و توصیهٔ به مهربانی با دیگران است. اصحاب میمنه نه تنها خود با دیگران مهربان هستند؛ بلکه دیگران را نیز به مهربانی با دیگران توصیه می کنند.

رسول گرامی اسلام ﷺ نیز پیوند مودّت و مهربانی بایسته میان مؤمنان را این گونه توصیف می کند: «**اِنَّما الْمُؤْمِنُونَ في تَراحُمِهِمْ وَ تَعاطُفِهِمْ بِمَنْزَلَةِ الْجَسَدِ الْواحِدِ اِذَااشْتَكي عُضْوٌ مِنْهُ تَداعي لَهُ سايِرُ الْجَسَدِ بِالْحُمّي وَ السَّهَرِ**؛ مؤمنان، در مقام مهربانی و عطوفت نسبت به یکدیگر همانند یک پیکرند. وقتی عضوی از این گروه بیمار شود، سایر اعضا در تبداری و شب بیداری با او همراهی می کنند.»[6]

۱- مهربان
۲- دوستدار
۳- با عطوفت
۴- (کسانی که نامهٔ عملشان، به دست راستشان داده خواهد شد یا کسانی که وجودشان سرشار از یمن و برکت برای خودشان و دیگران است).
۵- سورهٔ بلد، آیات ۱۷ ۱۸
۶- سفینهٔ البحار، ج ۱، ص ۱۳.

سعدی نیز با الهام از همین حدیث نبوی، شعر ذیل را سروده است:

بنی آدم اعضای یکدیگـــــرند	که در آفرینش ز یک گوهرند
چــو عضوی به‌درد آورد روزگار	دیگـــر عضوها را نماند قـرار



فعالیت

شاگردان دربارهٔ معنای شعر سعدی، در گروه‌های ۳ نفره با هم گفتگو کنند!



ارزش‌یابی

۱- خواست‌های انسانی و حیوانی را تعریف کرده و تفاوت آن‌ها را بیان کنید.

۲- مهربانی چیست؟ مهربانی یک خواست انسانی است یا حیوانی؟

۳- آیا قرآن انسان‌ها را به مهربانی توصیه کرده است یا خیر؟ مثال بزنید؟



کارخانه‌گی

شاگردان دربارهٔ اهمیت و نقش مهربانی در بین اعضای خانواده با همدیگر گفتگو کنند!

مهربانی و دگردوستی(۲)

هدف: آشنایی با سیرت معصومان دربارهٔ مهربانی

پرسش: سیرت معصومان دربارهٔ مهربانی چگونه است؟

لذّت مهربانی

همان‌گونه که انسان از ارضای غرایز و امیال حیوانی لذّت می‌برد، از ارضای عواطف انسانی نظیر مهربانی نیز لذّت می‌برد؛ لیکن میان این‌گونه لذّت‌های معنوی و لذت‌های زودگذر تفاوت بسیاری وجود دارد. زیرا لذّت‌های معنوی نه تنها موجب مجذوبیت انسان به مادیات نمی‌شوند؛ بلکه تاحد زیادی، دل را از سیطرهٔ لذت‌های مادی و غریزی آزاد می‌کنند.
حضرت علی علیه‌السلام می‌فرماید: «**لَذَّةُ الْكِرامِ فِي الْاِطْعامِ وَ لَذَّةُ اللِّئامِ فِي الطَّعامِ** ترجمه: لذت بزرگواران در خوراندن است و لذت فرومایه‌گان در خوراک»[۱] به این معنا که انسان‌های بلند همت از سیرکردن و شادکردن دل دیگران لذت می‌برند؛ اما افراد فرومایه و پست از خوردن و شاد شدن دل خود لذت می‌برند.
مولانای بلخی شاعر پرآوازه میهن ما می‌گوید:

خشم و شهوت وصف حیوانی بود　　مهر و رقّت وصف انسانی بود
این چنین خاصیتی در آدمی است　　مهر حیوان را کم است، آن ازکمی است

مولانا می‌گوید حیوانات که مهربانی نمی‌کنند، به این دلیل است که کمبود دارند و از کمالات انسانی بی‌بهره اند.

مهرورزی با مردم

مهربانی و مهرورزی در سطوح مختلف قابل طرح است. بخشی از اخلاق در اسلام، افراد را به مهربانی با اعضای خانواده تشویق می‌کند و بخشی از آن، به روابط با عموم مردم اشاره دارد. امام صادق علیه‌السلام چنین سفارش می‌کند: «**تَواصَلُوا وَ تَبارُّوا وَ تَراحَمُوا وَ تَعاطَفُو** ترجمه: به یکدیگر پیوند داشته باشید و نسبت به همدیگر نیکی کنید و به همدیگر مهربان باشید و نسبت به هم عطوفت به خرج دهید.»[۲]

مهرورزی دولت‌مردان با مردم

افرادی که در رأس حکومت قرار می‌گیرند، باید افرادی صادق درستکار باشند و دلسوز برای مردم باشند. حاکمی که نسبت به مردم دلسوز نباشد، محبوبیت خود در بین مردم از

۱- شرح غرر الحکم، ج ۵، ص ۱۳۲.
۲- اصول کافی، ج ۲، ص ۱۷۵.

دست خواهد داد. حضرت علی عليه‌السلام در هنگام انتصاب مالك اشتر به عنوان والی مصر، در بخشی از عهدنامهٔ آموزندهٔ خود خطاب به وی چنین می‌فرماید: «.. **وَ اَشعِرْ قلْبكَ الرَّحْمَةَ لِلرَّعِيَّةِ وَ الْمَحَبَّةَ لَهُمْ وَ اللُّطْفَ بِهِمْ وَ لا تَكُونَنَّ عَلَيْهِمْ سَبُعا ضارِياً تغتنمُ اَكلُهُمْ فاِنَّهمْ صنفانِ: اِمّا اَخٌ لَكَ فِي الدِّينِ وَ اِمّا نَظيرٌ لَكَ فِي الْخَلْقِ** ...ترجمه: دلت را برای مردم، كانون مهر و محبّت ساز و آنان را دوست بدار و مبادا بر آنان درنده خوی شوی و خوردن آنان را برخود غنيمت شمری، چرا كه آنان دو دسته اند يا برادر دينی تواند و يا نظير تو در آفرينش اند.[3]

مهرورزی با طبقات محروم

در هر جامعه یی بخشی از افراد جامعه را مستمندان، یتیمان و ضعیفان تشکیل می‌دهد. بسیار لازم است که افراد بالادست و قوی، توجه ویژه یی به زیردستان خود داشته باشند و آن‌ها را مورد حمایت روانی قرار دهند. امام محمد باقر عليه‌السلام فرمود: کسی که چهار خصلت زیر در او باشد، خداوند جلّ جلاله برایش خانه‌ای در بهشت بنا می کند: «**مَنْ اوَي الْيَتيمَ وَ رَحِمَ الْضَعيفَ وَ اَشْفَقَ عَلي والِدَيْهِ وَ رَفِقَ بِمَمْلُوكِهِ** ترجمه:کسی که یتیمان را پناه دهد، به ناتوانان مهربانی کند، با پدر و مادرش به‌نرمی برخورد نماید و با زیردستانش مدارا کند.»[4]

امام صادق عليه‌السلام فرمود: من با سه کس مهربانی می کنم و سزاوار است که دیگران نیز به آنان مهر بورزند: «**عَزيزٌ اَصابَتْهُ مَذَلَّةٌ بَعْدَ الْعِزِّ وَ غَني اَصابَتْهُ الْحاجَةُ بَعْدَ الْغِني وَ عالِمٌ يَسْتَخِفُّ بِهِ اَهْلُهُ وَ الْجَهَلَةُ** ترجمه:عزیزی که پس از سپری شدن دوران عزّتش خوار شود و ثروتمندی که پس از بی‌نیازی، نیازمند گردد و دانشمندی که کسانش و نادانان او را کوچک شمرند.[5]



فعالیت

۱- شاگردان دربارهٔ معنای شعر مولانا با همدیگر گفتگو کنند



ارزش‌یابی

۱- لذت مهربانی، چه نوع لذتی است؟

۲- مهرورزی با مردم چیست؟

۳- مهرورزی با طبقات محروم چرا مهم است؟



کارخانه‌گی

شاگردان دربارهٔ رأفت و مهربانی ۷ سطر بنویسند.

۳- نهج البلاغه، نامهٔ ۵۳، ص ۹۹۳.
۴- بحارالانوار، ج ۷۴، ص ۳۹۲ .
۵- بحار الانوار، ج ۷۴، ص ۴۰۵

برادری

هدف: آشنایی با برادری و جایگاه آن در آداب دینی

پرسش‌ها

۱- برادری چیست؟

۲- برادر خوب کیست؟

انسان‌ها در خلقت و طبیعت همسان اند؛ اما در زنده‌گی اجتماعی بر اثر تضاد منفعت ها، برتری‌طلبی، تنگ‌چشمی و... از یک سو و از سوی دیگر کمبود نعمت‌ها و ثروت‌ها، در برابر یکدیگر قرار می گیرند و در زنده‌گی‌شان دچار تنش و چالش می‌شوند.

دین مقدس اسلام در برابر چنین وضعیتی، مسألۀ اخوت و برادری را طرح کرده است که هم فراتر از راه حل حقوقی و هم عملی است. پیش از آنکه اسلام بیاید، جامعۀ آن زمان در انواع و اقسام دشمنی و کشمکش غوطه‌ور بود؛ از این رو قرآن به مسلمانان یادآوری می کند. ترجمه: «و نعمت خدا را بر خود یاد کنید آنگاه که دشمنان [یکدیگر] بودید، پس میان دل های شما الفت انداخت تا به لطف او برادران هم شدید»[1] و سپس تأکید می کند که:

الف) مؤمنان برادران یکدیگرند.

ب) میان برادران‌تان صلح و سازش برقرار کنید و از کشکمش و اختلاف بازشان دارید.

ج) از خدا پروا کنید، تا از رحمت و بخشش او بر خوردار شوید.[2]

برادری، سنتی نبوی

پس از نزول آیات ۱۰۳ آل عمران و ۱۰ حجرات و آمدن مسلمانان به مدینه، پیامبر ﷺ میان آنان پیمان برادری بست و خود در آخر با امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب دست برادری داد. از دیگر مسلمانان که در آن روز پیمان برادری بستند، می‌توان از خلیفۀ اول و دوم و نیز خلیفۀ سوم مسلمین و عبدالرحمن بن عوف یاد کرد که با یکدیگر پیمان برادری بستند.

برادری دینی

انگیزه‌های برادری و دوستی چند چیز است. یکی هم احساسی است که میان دو یا چند کس دوستی پدید می‌آورد. دوم شراکت منفعت در امور دنیوی. هر دوی این گونه دوستی‌ها دیری نمی‌پاید؛ زیرا بر پایه‌های دوامدار و اصول تغییرناپذیر استوار نیست. آن یکی با تغییر حالتی از میان می‌رود و این دیگری با اندك فراز و نشیبی‌در زنده گی سست و لرزان می گردد. سوم برادری دینی است که با سرشت ایمانی مؤمنان گره خورده است و افزون بر آنکه پایدار و مبتنی بر اصولی است که همۀ ابعاد زنده گی آنان را در بر می گیرد و در همۀ دیگرگونی‌ها

۱- وَاذْكُرُواْ نِعْمَةَ اللّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنتُمْ أَعْدَاء فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُم بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا(قرآن، آل عمران، آیه ۱۰۳)

۲- إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ(قرآن، حجرات، آیه ۱۰)

و دشواری‌های زنده گی همراه و یاور یکدیگرند. قرآن کریم در زمینه می‌فرماید: «و مردان و زنان با ایمان دوستان یکدیگرند که به کارهای پسندیده وا می‌دارند و از کارهای ناپسند باز می‌دارند»[3]

مؤمنان معدود، لیک ایمان یکی   جسم‌شان معدود، لیکن جان یکی

«مولانا»

ادای حق مؤمن، بهترین عبادت

اینکه مؤمنان برادر خوانده شوند تنها در لفظ نیست بلکه حقوق، وظایف وآثارعملی نیز در پی دارد؛ چون برادری شان پایه یی دینی دارد، بنا بر این بریکدیگر حقوقی دارند که پیوند تنگاتنگ با ایمان و مسلمانی آنان دارد. امام جعفر صادق علیه‌السلام می‌فرمایند، ترجمه: که: «خدا به چیزی بهتر از ادای حق مؤمن عبادت نمی‌شود»[4]

گونه‌های برادری

هرچند اسلام و ایمان رشتۀ برادری را میان مسلمانان و مؤمنان بر قرار می سازد و از این رهگذر صاحب حقوقی بر یکدیگر می گردند؛ ولی بی‌گمان مؤمنان از نظر ارزش‌های اسلامی، تقوا، ایمان، اخلاص... در یک پایه نیستند و هر پایه یی نوع خاصی از دوستی را می‌طلبد. از این رو امام علی علیه‌السلام می‌فرماید: «برادران را به اندازه تقوای‌شان دوست بدار»[5] مردی از امام علی علیه‌السلام دربارۀ «برادران» پرسید، وی در یک بخش‌بندی فراگیر برادران را به دو نوع تقسیم نمود و دوستی متناسب با هر نوع را سفارش کرد:

۱- **برادران مورد وثوق:** «آنان چون دست و بال و اهل و مال هستند؛ پس اگر بر برادرت اعتماد کردی (و او را مورد اطمینان یافتی) ثروت و کمک خویش را از او دریغ مدار، با همدلانش، یکدل و با دشمنانش دشمن باش، رازش را پوشیده دار، به یاری اش شتاب کن و خوبی‌هایش راآشکار ساز. اینان کمیاب تر از کبریت احمرند.»

۲- **برادران ظاهری:** «تو با وجود آنان خوشی زنده گی را در می‌یابی؛ بنابراین این مقدار خوشی را از آنان سلب مکن و چیزی بیش از این از آنان مخواه و همان گونه که آنان با خوش‌رویی و شیرین‌زبانی با تو رو به رو می‌شوند، تو نیز چنین حالتی را از آنان دریغ مدار.»[6]

حقوق برادری

معلّی بن خنیس، یکی از یاران امام صادق علیه‌السلام، از آن حضرت پرسید: حق مسلمان بر مسلمان چیست؟ امام صادق علیه‌السلام : فرمودند هفت حق واجب دارد که اگر یکی از آن‌ها را فرو گذارد، از ولایت و اطاعت خداوند بیرون شده است.

۳- وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاء بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنكَر(توبه، آیه۷۱)

۴- ما عبدالله بشيء من اداء حق المؤمن اصول كافي ،ج ،۳ص۲۴۷

۵- اَحْبِب الْاِخْوانَ عَلى قَدْرِ التَّقْوى

۶- الاَخَوان صنفان اخوان اَلثقة و اخوان المكاشرة فاما الثقة فهم كالكف و الجناح و الاهل و المال فاذا كنت من اخيك علي ثقة فابذل له مالك و يدك وصاف من صافاه وعاده من عاداه واكتم سره و اعنه و اظهر منه الحسن و اعلم ايها السائل انهم اعز من كبريت الاحمر و اما اخوان المكاشرة فانك تصيب منهم لذتك فلا تقطعن ذلك منهم و لا تطلبن ماوراء ذالك من ضميرهم و ابذل لهم ما بذلوا لك من طلاقة الوجه و حلاوة اللسان. حر عاملي؛ وسائل الشيعة،(قم، مؤسسه آل البيت،۱۴۰۹ ج۱۲) ص۱۳

معلی بن خنیس پرسید آن‌ها کدام‌ها اند؟
امام صادق علیه‌السلام فرمود: من بر تو نگرانم و می‌ترسم فروگذاری و رعایت نکنی و بدانی و عمل نکنی.
معلی بن خنیس گفت: **لا قوة الا با لله** «نیرویی جز خدا نیست.»
سپس امام صادق علیه‌السلام فرمود: آسان‌ترین آن حقوق این است که:
۱- آنچه را برای خود دوست داری، برای او هم دوست داشته باشی و آنچه را برای خود نمی‌پسندی، برای او هم نپسندی.
۲- از خشمگین شدنش بپرهیزی و از خشنودی‌اش پیروی کنی و فرمانش ببری.
۳- با جان و مال و زبان و دست و پای یاری‌اش کنی.
۴- چشم و راهنما و آیینهٔ او باشی.
۵- سیر نباشی و او گرسنه، سیرآب نباشی و او تشنه و تو پوشیده نباشی و او برهنه.
۶- سوگندش را تصدیق کنی و دعوتش را بپذیری و در بیماری‌اش از او دیدار کنی و بر جنازه‌اش حاضر شوی و چون بدانی حاجتی دارد، در انجام آن پیشی گیری و او را مجبور نسازی که از تو بخواهد؛ بلکه خودت پیش‌دستی کنی؛ چون چنین کردی دوستی خود را به دوستی او پیوسته‌ای و دوستی او را به‌دوستی خود...[۷]


فعالیت

۱- شاگردان درگروه ۳ نفری جواب سؤالات را پیدا کنند، انواع برادری را نام ببرند و بهترین آن را بیان کنند.
۲- شاگردان دربارهٔ سه نمونه از حقوق برادری به گفتگو بپردازند.


ارزش‌یابی

۱- از حقوق برادری است؟
الف) با جان و مال و زبان و دست و پای یاری‌اش کنی ب) آنچه را برای خود دوست داری، برای او هم دوست داشته باشی ج) چشم و راهنما و آیینه او باشی د) هرسه مورد
۲- در جای خالی واژهٔ درست را بنویسید
بهترین عبادت ... است
الف) برادری ب) ادای حق مؤمن ج) عبادت خالصانه د) هر سه مورد


کارخانه‌گی

ترجمهٔ آیت «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ» را بنویسید.

۷- اصول کافی ج : ۳ ص : ۲۴۶

وفاداری به پیمان

هدف: آشنایی با عهد و پیمان و جایگاه آن در اسلام

پرسش‌ها

۱- آیا پیمان مسؤولیت آور است؟

۲- وفاداری به پیمان، مطلق است یا در شرایطی و با گروه‌هایی می‌توان آن را شکست؟

دوستی و فضیلت وفاداری به پیمان و بیزاری از نقض آن، ریشه در سرشت و آفرینش انسان دارد و همهٔ انسان‌ها وفاداری به پیمان را دوست دارند و از نقض کنندگان پیمان بیزارند. عهد و پیمان، ستون زنده‌گی اجتماعی انسان‌ها است، به گونه‌یی که همهٔ بنیادها و پیوندهای زنده‌گی چون مالکیت، ساختار سیاسی، داد و ستد، ازدواج و... را در بر می‌گیرد و بدون آن زنده‌گی اجتماعی نا ممکن می‌شود. شاید به دلیل همین فطری بودن دوستی وفاداری به پیمان است که خداوند خود را وفادارترین کس به پیمان می‌شناساند: «**و من اوفی بعهده من الله فَلَنْ يُخْلِفَ اللّٰهُ عَهْدَهُ**[1]»؛ چه کسی به پیمانش وفادارتر از خداوند است.» و همچنین می‌فرماید: «خداوند هرگز پیمانش را نمی‌شکند.» آنچه دربارهٔ پیمان گفته می‌شود، برای بیان اهمیت و دامنهٔ آن و پیامدهای پیمان‌شکنی و بی‌وفایی است. وفاداری به پیمان که در کتاب‌های دینی به «عهد» یاد شده است، در آیه‌های گوناگون قرآن کریم تأکید گردیده است.

مسؤولیت آوری پیمان

نباید گمان کرد که پیامد پیمان‌شکنی تنها محدود در همین دنیا و پیوندهای میان افراد است و پس از آن به فراموشی سپرده می‌شود؛ بلکه چنانکه از آیهٔ قرآن‌کریم برمی‌آید، در سرای دیگر نیز پیامد آن دوام دارد و شدیدتر از پیامد این دنیایی آن می‌باشد و آن، بازخواست خداوند ﷻ است: تا آنجا که مسلمانان و همه انسان‌ها را به آن امر می‌کند: «و او فوا بالعهد إن العهد كان مسئولاً؛ به پیمان خویش وفا کنید که پیمان باز خواست شدنی است.»[2]

ویژه‌گی مؤمن؛ وفای به پیمان

قرآن‌کریم در آیت‌های دیگر، وفاداری به پیمان را ستوده و آن را با ایمان پیوند داده و از ویژه‌گی‌های مؤمنان برشمرده است: «و الذين هم لاماناتهم و عهدهم راعون»[3] (مؤمنان) کسانی

۱- توبه/۱۱۱
۲- اسراء/۳۴
۳- مؤمنون/ ۸

اند که امانت‌ها و پیمان‌های خود را رعایت می‌کنند» البته وفاداری به پیمان یکی از ویژه‌گی‌های مؤمنان است؛ چنانچه پیامبر گرامی اسلام ﷺ دربارهٔ آن فرموده اند: «**لادین لمن لاعهد له**»؛ کسی که عهد و پیمان ندارد، دین ندارد.

فراگیری پیمان

گسترهٔ زنده‌گی اجتماعی انسان، محدود به هموطنان، همدینان و همزبانان نمی‌شود و نیز خود پیمان تنها محدود به نوع خاصی نمی‌گردد و از آنجا که قرآن به این واقعیت توجه داشته است وفای به عهد و پیمان را به طور مطلق ذکر کرده و مقید به گونهٔ خاصی نکرده است. از دیدگاه قرآن کریم، رعایت عهد و پیمان کافران را نیز در بر می گیرد: «پیمان آنان را تا [پایان] مدّتشان به پایان رسانید؛ زیرا که خداوند ﷻ پرهیزگاران را دوست دارد. حضرت علی علیه السلام دامنه وفاداری به پیمان را در عهد نامه‌اش به مالک اشتر شامل دشمنان هم کرده است چه برسد به دوستان و هم کیشان؛ چنانچه می‌فرمایند «اگر با دشمن پیمانی بستی یا او را در پناه خویش گرفتی، به پیمان خویش وفادار بمان و ذمّه ات را با امانت کامل پاس دار و جان خود را سپر عهد و پیمان خویش قرار ده که در میان واجبات الهی، هیچ موضوعی همانند وفا به عهد نیست و در میان مردم جهان، با تمام اختلافاتی که با هم دارند. مورد اتّفاق عمومی است، تا آنجا که مشرکان نیز پیش از مسلمانان در روابط خود بدان پایبند بودند، چرا که از پیامدهای پیمان‌شکنی خاطرات تلخی داشتند.

و نیز امام صادق علیه السلام می‌فرماید هیچ بهانهٔیی برای پیمان شکنی پذیرفته نیست:«در سه چیز هیچ بهانه‌ای از کسی پذیرفته نیست (و همه باید به آنها عمل کنند): ادای امانت به صاحبش چه نیکوکار باشد و چه بدکار، وفا به پیمان در برخورد با نیکوکار و بدکار و نیکی به پدر و مادر چه نیکوکار باشند، چه بدکار.»[۴]

پیامدهای پیمان شکنی

همان‌گونه که قرآن کریم وفای به پیمان را ستوده است و از پیمان شکنی نکوهش کرده است و اولین زیان از پیمان شکنی را متوجه شخص پیمان شکن می‌داند: «هر کس پیمان شکنی کند، در حقیقت به زیان خویش پیمان شکنی کرده است».[۵] پیمان اگر با خداوند ﷻ باشد، پیمان شکن از پاداش بزرگ خداوند ﷻ محروم خواهد شد: « هر که بر آنچه با خدا عهد بسته وفادار بماند، [خداوند] به زودی پاداش بزرگی به اوخواهد داد»[۶] و اگر پیمان با خلق باشد افزون بر محرومیت از لطف خداوند ﷻ اعتماد مردم را از دست خواهد داد. اعتماد مردم سرمایهٔ پایان ناپذیر و پشتوانه یی بی‌بدیل برای هرگونه کار هماهنگ سیاسی،

---

۴. ثَلاثَةٌ لا عُذْرَ لِاَحَدٍ فیها: اَداءُ الْأَمانَةِ اِلَى الْبَرِّ وَالْفاجِرِ وَالْوَفاءُ بِالْعَهْدِ لِلْبَرِّ وَالْفاجِرِ وَ بِرُّ الْوالِدَيْنِ بَرَّيْنِ كانا اَوْ فاجِرَيْنِ)
۵. فَمَنْ نَكَثَ فَاِنَّم ا يَنْكُثُ عَلي نَفْسِه .
۶. وَ مَنْ اَوْفى بِما عاهَدَ عَلَيْهُ اللّٰه فَسَيُؤْتيهِ اَجْراً عَظيماً)

اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی و بنیاد زنده‌گی باهمی است. هرگاه اعتماد از میان انسان‌ها رخت بربندد و پیمان‌ها یکی پس از دیگری شکسته شود، و هر کس در گوشه یی به کاری بپردازد کاری از پیش نخواهد رفت. حضرت علی علیه‌السلام فرمود: «بر دوستی کسی که به عهد و پیمان خود وفا نمی‌کند، اعتماد مکن.»[7]

انسان پیمان‌شکن افزون بر اینکه در این سرای از ارزش و اعتبار خود می‌کاهد و طوری خوار می‌شود که نه دشمن از او حساب می‌برد و نه دوست می‌تواند روی پیمان‌های او حساب کند، در آن سرای نیز گرفتار عذاب خداوند است و جایگاه بسیار بدی در دوزخ خواهد داشت. حضرت علی علیه‌السلام فرمود: همانا در جهنّم شهری است که به آن حصینه (دژ مستحکم) می‌گویند؛ آیا از من نمی‌پرسید که در آن شهر چیست؟ سؤال شد. ای امیرمؤمنان در آن شهر چیست ؟ فرمود: دست‌های پیمان شکنان.[8]

شاید اشاره به (دست‌ها) در سخن آن حضرت اشاره‌یی باشد به اینکه اغلب پیمان‌ها با قرارگرفتن دست‌های طرفین در یکدیگر منعقد می‌شود، یا اینکه بیشتر پیمان‌ها به سبب دست مهر یا امضا می‌شود و عهد شکنی نیز معمولاً توسط دست انجام می‌گیرد.

پیر پیمانه کِش من که روانش خوش باد   گفت پرهیز کن از صحبت پیمان‌شکنان



فعالیت

۱- شاگردان دونفری معنای عهد و پیمان را در لغت پیدا کنند.

۲- شاگردان دربارهٔ محتوای آیات قرآن‌کریم درگروه‌های ۳ نفری گفتگو نمایند.



ارزش‌یابی

۱- مؤمنان کسانی اند که:

الف) به پیمان‌های خویش وفا می‌کنند.

ب) در امانت خیانت نمی‌کنند.

ج) هر دو.

۲-کدام یک صحیح است؟

الف) از دیدگاه قرآن‌کریم وفاداری به پیمان تنها شامل مسلمانان می‌شود.

ب) هرکسی که طرف پیمان است.



کارخانه‌گی

پیامدهای پیمان‌شکنی را در ۵ خط بنویسید.

۷- لا تَعْتَمِدْ عَلی مَوَدَّةِ مَنْ لا یُوفی بِعَهْدِهِ

۸-ِنَّ فِی النّارِ لَمَدینَةٌ یُقالُ لَها الْحَصینَةُ، اَفَلا تَسْئَلُونی ما فیها؟ فَقیلَ لَهُ ما فیه ایا اَمیرَ الْمُؤْمِنینَ؟ قالَ فیها اَیْدِی النّاکِثینَ)

وجدان کاری

هدف: آشنایی با وجدان کاری و نقش آن در زنده گی اجتماعی

پرسش‌ها

۱- وجدان کاری چیست؟

۲- فواید اجتماعی وجدان کاری چیست؟

وقتی به کسی که انجام هر کاری و گفتن هر سخنی را روا می‌دارد و یا کارش را به درستی انجام نمی‌دهد «بی‌وجدان» می گویند، به نظر شما منظور چیست؟

وجدان کاری، انجام درست و به وقت کار و وظیفه بدون نظارت و بازخواست مستقیم است. چه چیزی سبب وجدان کاری می‌شود؟ یک نوع گرایش باطنی و نیروی درونی سبب می‌شود که انسان بدون نظارت، فشار و بازخواست کارش را محکم و به وقت انجام دهد و نیز تمام وقت تعیین شده را به کارش بپردازد. از این رو پر کاری، محکم کاری، کار به‌وقت، تمام وقت را به کار پرداختن و کار را از روی احساس مسؤولیت انجام دادن و از آن خود دانستن، از نشانه‌های وجدان کاری است. در برابر آن؛ کم کاری، وقت کشی، کارگریزی و مسؤولیت گریزی از نشانه‌های عدم وجدان کاری است.

چرایی وجدان کاری

انسان‌ها برای گذران زنده گی خویش:

الف) به یکدیگر نیازمند اند؛ چه آنکه یک انسان یا خانواده یا حتی کشوری به تنهایی توانمندی آن را ندارد که همهٔ نیازمندی‌های خویش را برآورده کند.

ب) این نیازمندی‌ها تنها از راه دادوستد و خدمت در برابر خدمت برآورده شده می‌تواند.

ج) پایهٔ هرگونه دادوستدی و کاری بر اعتماد و وجدان کاری است، بدین معنا که هر کس که کاری را به گردن گرفته است نیکو، محکم و به وقتش انجام دهد و چنان کار کند که دوست دارد دیگران برای او همانگونه کارکنند و از این جهت فرقی میان خود و دیگران ننهد و پیوسته این حدیث شریف را آویزهٔ گوش خود داشته باشد که: «میان خود و دیگران، خویشتن را میزان سنجش قرار ده؛ آنچه برای خود می‌پسندی، برای دیگران هم بپسند

و آنچه را برای خود خوش نمی‌داری برای دیگران هم مپسند.»[1]

کار؛ نوعی امانت و تعهد

هرگاه کسی کاری را در اداره‌یی، نهادی یا برای کسی قبول می کند، و به‌ویژه که در برابر کارش مزدی هم می گیرد، هم‌زمان دو مسؤولیت را به عهده می گیرد: یکی امانت و دیگری عهد. از این رو کوچک‌ترین کم‌کاری و درست انجام ندادن کار، به معنای عهدشکنی و عدم وفاداری به پیمان است. امام علی علیه‌السلام فرمود: «امانت‌داری و وفای به عهد، درست انجام دادن کارهاست»[2]

نمونه‌های وجدان کاری

در یک بخش بندی می‌توان وجدان کاری را به سه بخش تقسیم کرد:

الف) تمام وقت کار کردن و کاررا به وقتش انجام دادن: کار کردن تنها حضور یافتن و خود را نشان دادن نیست؛ بلکه می‌باید از آغاز وقت مقرر تا پایان آن حضور داشت. اما این بس است؟ هرگز، کار کردن تنها حضور از آغاز تا پایان وقت مقرر نیست. گذشته از آن با پرهیز از وقت کشی و تنبلی کار را باید به وقتش انجام داد. چه آنکه هر کس کاری می کند در واقع پیمان و تعهد داده است که باید تمام وقت مقرر را کار کند و کار را به وقتش انجام دهد.[3]

ب) کار استوار و محکم: تمام وقت کار و کار به وقت کفایت نمی کند؛ بلکه می‌باید کار ویژه‌گی دیگری نیز داشته باشد و آن استواری و اتقان است. وقتی ابراهیم فرزند پیامبر گرامی اسلام درگذشت او رابه خاک دفن کردند و اطراف‌اش را سنگ چیدند، پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم شکافی را دید و آن را پوشانید و فرمود: «**اِذا عَمِلَ اَحَدُکُمْ عَمَلاً فَلْیُتْقِنْ**» ترجمه: هر گاه یکی از شما کاری کرد آن را استوار و دقیق انجام دهد.[4]

ج) نگهداری دارایی ها: یکی دیگر از ابعاد وجدان کاری، نگهداری از اموال و امکانات و جلوگیری از مصرف بیجا است. اموال و امکانات برای مصرف خاص و در جهت خاص در نظر گرفته شده اند. در آغازین روزهای خلافت حضرت علی علیه‌السلام کسی برای کار شخصی به دیدارش آمد، امام بی‌درنگ چراغ را خاموش کرد و از نور ماه بهره گرفتند تا

۱. مستدرك الوسائل، ج ۱۱، ص ۳۱۸، قم: آل البیت لاحیاء التراث، ۱٤۰۸
۲. غرر الحکم، حکمت ۵۲۲۰
۳. «من اداء الامانه المکافاه علی الصنیعه لانها کالودیعه عندك» ابن ابی‌الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۲۰، قم: کتابخانه مرعشی نجفی، ۱۴۰۴، ص ۲۷۶
۴. کافی ج ۳، ص ۲۶۳

سوخت آن به مصرف کار شخصی و سخنان خصوصی نرسیده باشد.[5]



فعالیت

۱- شاگردان در گروه‌های سه نفری بحث نموده و نمونه‌های از وجدان کاری را پیدا نمایند.

۲- شاگردان ابعاد وجدان کاری را در گروه‌های سه نفره بررسی کنند.



ارزش‌یابی

۱- کدام یک درست است؟

الف) از نشانه‌های وجدان کاری، انجام دادن کار از روی احساس مسئوولیت است.

ب) از نشانه‌های وجدان کاری، مسؤولیت گریزی است.

۲- پذیرفتن کار به معنای ... و ... است.

الف) تعهد دادن- امانت پذیرفتن ب) تعهد دادن- مسؤولیت پذیرفتن ج) هیچ کدام

۳- ضرورت وجدان کاری را بیان کنید.

۴- سه بعد وجدان کاری را نام برده و یکی را به دلخواه خود تشریح کنید.



کارخانه‌گی

آدم با وجدان به چه کس یا کسانی می‌گویند؟ در ۸ سطر بنویسید.

۵- بحار، ج ۴۱، ص ۱۱۶

بیت‌المال

هدف: آشنایی با بیت‌المال و حفظ آن

پرسش‌ها

۱- بیت‌المال چیست؟

۲- پیشوایان دینی در مورد بیت‌المال چه گفته اند و چه کرده اند؟

بیت‌المال چیست؟

هر جامعه و دولتی برای چرخاندن چرخ اجتماع و ادارهٔ دولت، ناگزیر از داشتن اموال، سرمایه و درآمدهای عمومی‌یی است که همهٔ مردم در حق داشته باشند. در فرهنگ اسلامی هرگونه مالی (سرمایه، زمین، درآمد ...) را که همهٔ مسلمانان در آن حق داشته باشند بیت‌المال می‌گویند. (بیت‌المال) از دو کلمه (بیت) و (مال) ترکیب شده که ترجمه دری آن «خانهٔ مال» می‌شود که معادل «خزانه» است. در فرهنگ‌های لغت بیت‌المال را این گونه معنا کرده اند: «جایی که درآن مالی را گذارند که همهٔ مسلمانان را در آن حق باشد.»[1] در نتیجه بیت‌المال عبارتست از اموال عمومی که متعلق به تمام آحاد ملت است و استفاده آن برای منافع شخصی و گروهی نادرست است. سرمایه ارزی و امکانات دولتی مانند وسایط نقلیه دولتی، ساختمان‌های دولتی و حتی جاده‌ها همه‌گی جزو بیت‌المال محسوب شده و استفاده شخصی از آن‌ها و تخریب آن‌ها از نظر شرعی حرام است.

بیت‌المال؛ امانت مردم

هر کس که با بیت‌المال سروکار دارد باید بداند که با امانت مردم سر و کار دارد و هر گونه عملی که کوچک‌ترین آسیبی به آن برساند خیانت به امانت مردم محسوب می‌شود و خیانت به امانت حرام است. خداوند ﷻ در قرآن کریم می‌فرماید: «خدا به شما فرمان می‌دهد که امانت‌ها را به صاحبان آن‌ها رد کنید»[2] امانت‌داری ایجاب می کند که حد اکثر کوشش در حفظ و استفادهٔ بهتر از بیت‌المال صورت بگیرد. هرگونه سوء استفادهٔ نادرست، حیف و میل و سستی نسبت به بیت‌المال خیانت محسوب می‌شود که به طور جدی باید از آن پرهیز کرد؛ امیرمؤمنان عليه‌السلام فرموده است: «اَعْظَمُ الْخِیانَةِ خِیانَةُ الْاُمَّةِ ترجمه: بزرگ‌ترین خیانت،

۱- لغت نامه دهخدا.

۲- إِنَّ اللّهَ يَأْمُرُكُمْ أَن تُؤدُّواْ الأَمَانَاتِ إِلَى أَهْلِهَا. قرآن، نساء، آیه ۵۸

به امّت است.»[۳] یکی از مصادیق بارز خیانت به امت خیانت به بیت‌المال است.

نمونه‌های از سیرهٔ معصومان علیهم‌السلام

رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله با دقّت بیش از حد به امور بیت‌المال رسیده گی می کردند تا مبادا دِرهمی بر خلاف رضای خدا و حقوق مردم مصرف شود. آن بزرگوار برای جلوگیری از حیف و میل بیت‌المال برنامه‌های زیر را اجرا می کرد:

۱- حسابرسی دقیق: پس از آنکه رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله از جنگ (حنین) وآزادسازی اسیران فارغ شد، رزمندگان، گرداگرد آن حضرت را گرفتند و گفتند: ای پیامبر خدا غنایم جنگی را میان ما تقسیم کن. آن حضرت کنار شتری ایستاد و مقداری از پشم کوهانش را کند و به هوا افکند و فرمود: «ای مردم به خداسوگند من از غنایم حتی مثل این پشم جز یک پنجم آن را نمی‌برم که آن هم به شما خواهد رسید؛ پس {هرکس هرچه برده حتی} تار وسوزن را هم برگرداند زیرا خیانت در قیامت، برای خائن، بدترین ننگ و سبب ورود به دوزخ خواهد بود.»

پس از سخنان پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله مردی از انصار گلوله نخی را آورد و گفت: ای رسول خدا من این نخ‌ها را برای دو زنده گی برداشته ام؟ پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود: «سهم من از آن تو باشد؛ ولی سهم مردم را به بیت‌المال برگردان» آن مرد گفت: اگر کار به این دقیقی و مشکلی است، نیازی به این نخ‌ها نیست، این را گفت وآن‌ها را روی بیت‌المال انداخت.[۴]

۲- عدالت در توزیع: عدالت درتوزیع و تقسیم بیت‌المال یکی دیگر از برنامه‌های پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله بوده است. آن حضرت سهم هر مسلمانی را از بیت‌المال بر مبنای قانون اسلام پرداخت می کرد و هیچگاه نظر شخصی، فامیلی و قبیله‌یی را در تقسیم بیت‌المال دخالت نمی‌دادند. حضرت امیر علیه‌السلام چند روز پس از به خلافت رسیدن به خزانه دار خود (عبیدالله بن ابی‌رافع) فرمود: نخست مهاجران را صدا کن وبه هریک سه دینار بپرداز؛ پس از آن‌ها به انصار نیز همین قدر پرداخت کن؛ سپس به هریک از مردم که حاضر شدند، سرخ باشند یا سیاه، سه دینار بده. (سهل بن حنیف) به این تقسیم عادلانه اعتراض می کند و با اشاره به کسی می گوید: ای امیرمؤمنان! این شخص تا دیروز غلام من بوده است که آزادش کرده ام، آیا سهم من و او یکی است؟ حضرت فرمود: «هر اندازه به تو بدهیم، به او نیز می‌دهیم».[۵]

۳- صرفه جویی در مصرف: امیرمؤمنان در زمینهٔ حفظ بیت‌المال، به کارگزاران خود چنین سفارش می کند: «**اَدِقُّوا اَقلامکمْ وَ قارِبوا بَیْنَ سُطورِکُمْ وَاحْذِفُوا عَنّي فُضُولُکُمْ وَاقْصُدُوا الْمَعانِي وَ إِیّاکُمْ وَالاِکْثارَ فَإِنَّ اَمْوالَ الْمُسْلِمینَ لا تَحْتَمِلُ الاِضْرارَ**» ترجمه:قلم‌های خود

۳- شرح غرر الحکم، ج ۲، ص ۳۸۸.
۴- سیره ابن هشام، ج ۴، ص ۱۳۵، داراحیاء التراث العربی
۵- شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج ۷، ص ۳۷۳۸

را نازک کنید؛ فاصلهٔ میان سطرهای نامه را نزدیک نمایید؛ سخنان زاید را حذف کرده، به معانی بسنده کنید و از طولانی نویسی بپرهیزید؛ زیرا اموال مسلمان‌ها تحمّل ضرر و زیان را ندارد.»[6]



فعالیت

شاگردان دربارهٔ مصادیق بیت‌المال و اموال عمومی گفتگو کنند.



ارزش‌یابی

۱- بیت‌المال را تعریف کنید.

۲- خیانت به بیت‌المال چه حکمی دارد؟

۳- برای توزیع برابر بیت‌المال نمونه‌یی از سیرت را بیان کنید.



کارخانه‌گی

شاگردان دربارهٔ یکی از موضوعات زیر ۷ سطر بنویسند.

۱- توزیع عادلانهٔ بیت‌المال

۲- حفظ بیت‌المال

۳- صرفه‌جویی در مصرف اموال عمومی

۶. بحارالانوار، ج ۷۶، ص ۴۹

درس سی وششم

محیط زیست

هدف: آشنایی با اهمیت حفاظت از محیط زیست از نگاه دینی

پرسش‌ها

۱- محیط زیست از نظر آیات و روایات دینی چه اهمیتی دارد؟

۲- برکدام عناصر محیط زیست تاکید شده است؟

ویرانی محیط زیست، یکی از پدیده‌هایی است که امروزه دامن‌گیر جهان و از آن میان کشور ما هم شده و با شتاب در حال گسترش است. این پدیدهٔ غم انگیز در حالی رخ می‌دهد که برخلاف آموزه‌های دینی ماست.

طبیعت؛ راهی برای شناخت خداوند جل جلاله

در قرآن کریم بسیاری از پدیده‌های طبیعی؛ چون زمین، آسمان، ستاره، خورشید، ماه، باد و باران، جانداران و... گذشته از آنکه زیستگاه مردم اند به عنوان یکی از نشانه‌ها و راه‌های شناخت خداوند جل جلاله شناسانده شده اند. البته مخاطب اصلی مؤمنان است: «و در آفرینش خودتان و آنچه از [انواع] جنبنده[ها] پراکنده می گرداند برای مردمی که یقین دارند نشانه‌هایی است»[1] و نیز «به راستی که در آفرینش آسمان‌ها و زمین و در پی یکدیگر آمدن شب و روز و کشتی‌های که در دریا روانند با آنچه به مردم سود می‌رساند و [همچنین] آبی که خدا از آسمان فرو فرستاده و با آن زمین را پس از مردنش زنده گردانیده و در آن هر گونه جنبنده و پراکنده کرده و [نیز در] گردانیدن بادها و ابری که میان آسمان و زمین آرمیده است برای گروهی که می‌اندیشند واقعا نشانه‌هایی [گویا] وجود دارد.»[2]

حفاظت از محیط زیست: هرچند انسان خلیفهٔ خداوند جل جلاله در زمین است و کرامت ذاتی دارد و بر بسیاری از آفریده‌های خداوند جل جلاله برتری آشکار داده شده و نیز روزی او از چیزهای پاکیزه است؛[3] اما این‌ها دستاویز هرگونه بهره بردن از طبیعت نمی‌شود؛ چنانچه طبیعت و در پی آن حفاظت از آن و به طور کلی محیط زیست، اهمیت و جایگاه ویژهٔ خود را دارد.

الف) نه تنها طبیعت؛ بلکه هر آن چیزی که در زمین و آسمان است هر چند به ظاهر

۱- قرآن، جاثیه، آیهٔ ۴

۲- همان، بقره، آیهٔ ۱۶۴

۳- قرآن اسراء، آیهٔ ۷۰ و بقره آیه ۳۰

بی‌جان می‌نماید؛ اما نباید چنان پنداشته شود، بلکه به گفتهٔ قرآن‌کریم تسبیح خداوند ﷻ می‌گوید: «آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است‌خدایی را که پادشاه پاک ارجمند فرزانه است تسبیح می‌گویند».[۴] از این رو شایسته نیست که با چیزی که تسبیح خداوند ﷻ می‌گوید، طبیعت، برخورد بی‌رحمانه صورت گیرد.

ب) خداوند ﷻ هیچ چیزی را بیهوده و زاید نیافریده است، بلکه به تعبیر قرآن او: «همان کسی است که هر چیزی را که آفریده است نیکو آفریده»[۵]؛ اصولا حکمت در نظام هستی، قرار گرفتن هر چیز در جای مناسب‌اش می‌باشد.

جهان چون خط و خال چشم و ابرو است که هر چیزی به جای خویش نیکو است و از این رو هر گونه بهره‌مندی و دست بردن در طبیعت که موجب دگرگونی، چه برسد به نابودی آن شود، برخلاف ارادهٔ خداوندی است.

در قرآن و سیرهٔ پیشوایان دینی، به همهٔ عناصر محیط زیستی اهمیت داده شده است که در ذیل به چندین عنصر اشاره می‌شود.

زمین

از دید پیشؤایان دینی زمین از دو جهت حایز اهمیت است؛ یکی حفاظت آن و دیگر آبادی آن. احادیث زیادی در رابطه به اهمیت زمین موجود است از جمله پیامبر اسلام دربارهٔ حفاظت از زمین می‌فرمایند: «**تحفظوا من الارض فانها أمکم و أنه لیس من أحد عامل علیها خیرا و شرا الا و هي مخبرة به**» ترجمه:از زمین حفاظت کنید و آن را گرامی بدارید که به منزلهٔ مادر شماست و هر که روی زمین کار بد یا خوبی‌انجام دهد، از آن خبر می‌دهد و نیز فرمود: «**تمسحوا بالارض فانها بکم مره**»؛ زمین را مسح کنید که نسبت به شما مهربان است؛ همچنان در حدیث دیگری به ارتباط آبادی زمین فرمودند: «**من أحیا أرضا میتا ثقه بالله و احتسابا کان حقا علي الله تعالي أن یعینه و أن یبارك له**» ترجمه:هر که به خدا اعتماد کند و به امید ثواب، زمین مرده‌ای و بایری را آباد نماید، بر خدا لازم است که وی را یاری کند و او را برکت دهد.[۶]

درختان: بخش مهمی از محیط زیست که در پاکیزه‌گی، زیبایی و گذران زنده‌گی نقش بنیادی دارد، درختان است. حفظ و تقویت درختان و در پی آن محیط زیست، از دو راه نشاندن و پروردن و قطع نکردن درختان امکان پذیر است که در گفتارهای بزرگان دینی از

۴- «یُسَبِّحُ لِلَّهِ مَا فِی السَّمَاوَاتِ وَمَا فِی الْأَرْضِ الْمَلِكِ الْقُدُّوسِ الْعَزِیزِ الْحَكِیمِ» قرآن، جمعه، آیهٔ ۱
۵- همان، سجده،آیهٔ ۷
۶- نهج الفصاحه، حکمت ۱۱۳۰ و ۱۲۷۳به نقل از بهشتی، ابو الفضل، «سیمای مؤمن در قرآن»، قم: بوستان کتاب، ۱۳۸۷ص ۲۵۱

هر دو بخش یاد شده است. نشاندن درخت آن اندازه سفارش شده است که پیامبر ﷺ فرمود: «اگر قیامت فرا رسد و در دست یکی از شما نهالی باشد و نتواند برخیزد تا آن را بکارد، باید این کار را بکند». از سوی دیگر، گذشته از بهرهٔ محیط زیستی و دنیایی، درختان بهرهٔ آخرتی نیز دارند. بهره‌مندی انسان، پرنده و چرنده از میوهٔ درختی که کسی می‌کارد، برای کارنده «صدقه محسوب» می‌شود و برایش به اندازهٔ میوه‌ای که آن درخت می‌دهد اجر می‌نویسند. امام صادق علیه‌السلام بریدن درختان کم و کمیاب را مکروه دانسته است.[۷]

جانوران: محیط زیست به پیکر آدمی ماند که هر عضو آن، کار خویش را تنها در همکاری با دیگر عضوها پیش برده می‌تواند و هیچ عضوی را توان آن نیست که به تنهایی کار کند. اگر زمین باشد و درختان، اما جانوران وجود نداشته باشند، بی‌گمان نه تنها زنده‌گی آدمی بلکه کل جهان و محیط زیست دچار نا بسامانی خواهد شد. به همین دلیل است که حیوان‌ها و همهٔ جانداران، اهمیت خاص در محیط زیست دارند و در روایت‌های پیشوایان دین نه تنها از کشتن بی‌سبب جانداران منع شده است و به ترحم به آنها سفارش شده است بلکه حقوقی نیز برای آن‌ها برشمرده شده است.

الف) ترحم به جانداران: پیامبر ﷺ فرمود: «آدم بدکاره‌ای سگی را دید که بر سر چاهی له له میزند و از تشنه‌گی در حال مرگ است. او کفش خود را درآورد و به چادر خود بست و از چاه برای آن سگ آب کشید؛ پس گناهانش به خاطر این سبب آب دادن به سگ تشنه آمرزیده شد».

ب) منع آزار و کشتن جانداران: پیامبر ﷺ بر نیازردن جانداران آن اندازه نگران بود و تاکید داشت که فرمود: «اگر ستمی که به حیوانات می‌کنید بر شما بخشیده شود، بسیاری از گناهان شما بخشوده شده است». و نیز فرمود: «هر حیوانی- پرنده یا جز آن- که به ناحق کشته شود، در روز قیامت از قاتل خود شکایت خواهد کرد.»

ج) حقوق حیوان: در روایت‌های بسیاری از حقوق حیوانات نام برده شده و پاره‌ای از حقوق آن‌ها به طور مشخص ذکر شده است. از جمله پیامبر ﷺ فرمود: «حیوان شش حق به گردن صاحب اش دارد: هرگاه از آن پیاده شد علفش دهد، هرگاه از آبی گذشت آن را آب دهد، بی‌دلیل نزند، بیشتر از قدرتش آن را بار نکند، بیشتر از توانش آن را راه نبرد، و مدت زیادی روی آن درنگ نکند».[۸]

آب

۷- منتخب میزان الحکمه، ج ۱، ص ۵۲۵
۸- همان، ج، ص ۳۰۷

خداوند ﷻ در قرآن کریم می‌فرماید «و هر چیز زنده‌ای را از آب پدید آوردیم آیا [باز هم] ایمان نمی‌آورند»[9] امام صادق علیه‌السلام فرمود: «زنده گی بدون داشتن سه چیز بر انسان گوارا نیست: هوای تمیز، آب فراوان و گوارا، و زمین حاصلخیز».



فعالیت

۱- در گروه‌های دو نفری تقسیم شوید و در بارهٔ این که طبیعت صرف شناخت خداوند ﷻ است با هم گفتگو کنید.

۲- در گروه‌های چهار نفره هرکس یک دلیل دربارهٔ اهمیت زمین، درختان، جانوران و آب بگویید.



ارزش‌یابی

۱- دو دلیل اهمیت محیط زیست را بنویسید.

۲- زمیـــــن از دو جهت ... و ... اهمیت داده شده است: الف) حفظ آبادی ب) حفظ سرسبزی

۹. قرآن، انبیاء، آیهٔ ۳۰